



رسیدن به نقطه اوج: فعالیت سیاسی

در لیسه های افغانستان



داکتر انتونیو جیستازی و علی محمد علی

میزان ۱۳۹۴



۱۳ سال
تحقیق باکیفیت

تحقیق برای
افغانستان
بهتر



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

سلسله نشرات تحلیلی

رسیدن به نقطه اوج: فعالیت سیاسی در لیسه های افغانستان

داکترانتونیو جیستازی و علی محمد علی

میزان ۱۳۹۴



کمک مالی برای اجرای این تحقیق از سوی سفارت فنلند فراهم شده است.

عکس های روی جلد: (از بالا به پایین) کتابدار دانش آموز در لیسه استقلال کابل، ۲۰۰۸ (عکس از: گلبدین الهام)؛ شاگردان در حال صحبت با همدیگر در محوطه یک مکتب در بدخشان، افغانستان، نومبر ۲۰۱۳ (عکس از: مسعوده کوهستانی)؛ شاگردان یکی از مکتب ها در بدخشان، افغانستان، نومبر ۲۰۱۳ (عکس از: مسعوده کوهستانی)؛ گرد همایی اعتراضی دانشجویان تحت عنوان "دانش آموزان برای فرخنده" جهت احترام به فرخنده قربانی حمله گروهی در کابل، مارچ ۲۰۱۵ (عکس از: ادريس لطفی).

مترجم: سید رضا کاظمی

کد نشریه: ۱۵۱۸D

© ۱۳۹۴، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله یی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۹۳ بدست آید.

در باره نویسندگان

داکتر انتونیو جیستازی، استاد کینگز کالج لندن (KCL) است. او نویسنده مقالات و کتاب‌های متعددی از جمله کتاب "پولیس در افغانستان" منتشره سال ۲۰۱۳ و کتاب "هنر اجبار" منتشره سال ۲۰۱۱ است. در حال حاضر، داکتر جیستازی سرگرم پژوهش پیرامون مسایل امنیتی به شمول شورشگری، اردو و پولیس در افغانستان است.

علی محمد علی، پژوهشگر و تحلیلگر مستقل است. تخصص او در رابطه با مسایلی چون گروه‌های اسلام‌گرا، اقتصاد سیاسی افغانستان، دولت، شورشگری و طالبان است. علی به حیث مشاور در تعدادی از سازمان‌های ملی و بین‌المللی اجرای وظیفه کرده و در انتشارات پژوهشی بیشماری سهم داشته است.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، موسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرزالعمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی‌ها و فعالیت‌های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی‌سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش‌آموزان زمینه‌های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت‌ها برای بازتاب اندیشه‌ها، مناظره‌ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده‌های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل‌کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می‌باشد. ودجه اصلی این واحد از سوی سفارت فنلند، سویدن و سویس پشتیبانی مالی می‌شود.

در سال ۲۰۱۵ میلادی پروژه‌های مشخصی از سوی اتحادیه اروپا (EU)، موسسه بین‌المللی برای توسعه (ODI)، بانک جهانی، گروه امنیت حکومتداری (SGG)، انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، سازمان بین‌المللی توسعه و همکاری سویدن (SIDA)، سازمان توسعه و همکاری سویس (SDC) همکاری‌های تخنیکی آلمان (GIZ-GOPA)، مرکز بین‌المللی بهبود جو و گندم (CIMMYT)، تقویه امورکشاورزی برای تغذیه در جنوب آسیا (LANSA)، کمیته سویدن برای افغانستان (SCA)، مرکز مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن (SOAS)، سازمان ایالات متحده امریکا برای توسعه بین‌المللی (USAID)، سازمان پژوهش‌های علمی هالند و سفارت فنلند تمویل میگردد.

سپاسگزاری

این پروژه نتیجه دو سال لابی‌گری از جانب نویسندگان است که سعی داشتند تا منابع لازم را برای اجرای پروژه بسیج کنند. خوشبختانه، نادر نادری از واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) تعهد سپرد که منابع مالی را در سال ۲۰۱۴ فراهم آورد که پیامد آن، نشر این گزارش است. نویسندگان تمایل دارند که از متین بیگ، سرپرست سابق اداره مستقل ارگانهای محلی، و اکبر قریشی جهت همکاری شان برای تیم پژوهش و از کارمندان گروه پژوهشی شعیب نجفی زاده که وظیفه دشوار انجام مصاحبه‌ها را اغلباً زمانی بر عهده داشت که مکتب‌ها در رخصتی زمستانی بودند، سپاسگزاری کنند. هم‌چنین از هیأت تحریر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که این گزارش را نهایی ساخت و از همه آنانی که در پیشبرد این پروژه و نشر گزارش آن سهم گرفتند، سپاس‌گزاری می‌شود.

فهرست مطالب

۱	خلاصه گزارش.....	۱
۲	مقدمه.....	۱
۳	روش تحقیق.....	۲
۴	رویکرد وزارت معارف در قبال سیاست در صنف درسی.....	۳
۴	۳.۱ ممنوعیت فعالیت سیاسی در لیسه ها و اجرای این ممنوعیت.....	۴
۷	۳.۲ تبعیض.....	۷
۹	۳.۳ معلمان و فعالیت های سیاسی.....	۹
۱۱	بازتولید نظام سیاسی: فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام.....	۱۱
۱۱	۴.۱ الگوهای عضوگیری.....	۱۱
۱۳	۴.۲ اهداف.....	۱۳
۱۴	۴.۳ فعالیت ها.....	۱۴
۱۵	۴.۴ دیدگاه های سیاسی.....	۱۵
۲۱	معترضان از درون نظام.....	۲۱
۲۲	۵.۱ الگوهای عضوگیری.....	۲۲
۲۲	۵.۲ دیدگاه های سیاسی.....	۲۲
۲۴	۵.۳ دو مخالفت.....	۲۴
۲۵	معترضان علیه نظام: فعالان وابسته به گروه های مخالف افراطی.....	۲۵
۲۵	۶.۱ عضوگیری.....	۲۵
۲۶	۶.۲ اهداف.....	۲۶
۲۷	۶.۳ فعالیت ها.....	۲۷
۲۷	۶.۴ دیدگاه های سیاسی.....	۲۷
۳۲	آیا شاگردان لیسه ها در حال افراطی شدن اند؟.....	۳۲
۳۲	۷.۱ منازعات در میان شاگردان.....	۳۲
۳۳	۷.۲ علل سیاسی شدن لیسه ها.....	۳۳
۳۳	۷.۳ عضوگیری شورشیان از شاگردان.....	۳۳
۳۵	جمع بندی.....	۳۵
۳۶	۸.۱ پیشنهادات برای پالیسی.....	۳۶
۳۷	ضمیمه.....	۳۷
۳۷	۹.۱ جدول های سروی.....	۳۷

اختصارات

توافقنامه امنیتی دوجانبه	BSA
وزارت معارف	MoE
وزارت امور داخله	Mol
ریاست عمومی امنیت ملی	NDS

واژه نامه

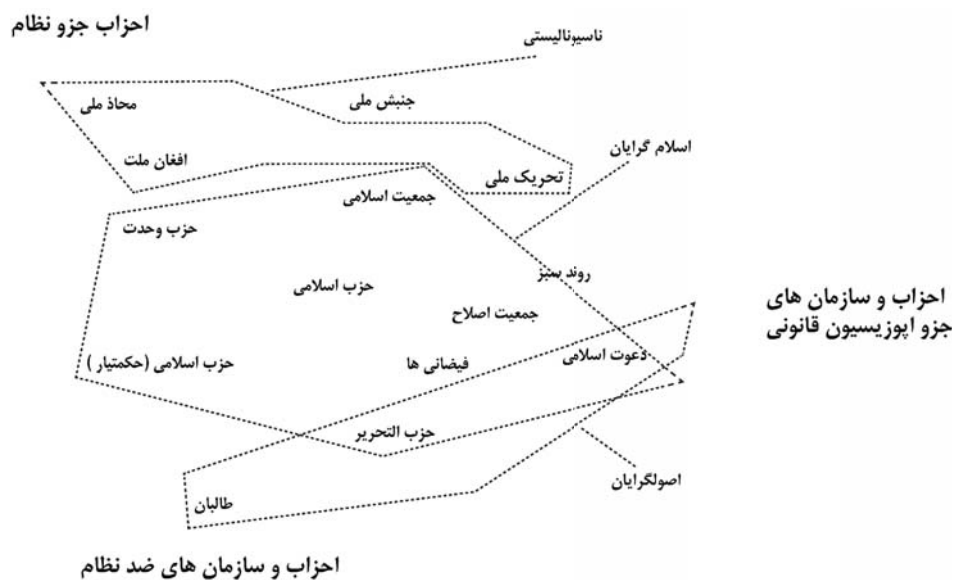
احزاب جزو نظام: احزابی نظیر جمعیت اسلامی، جنبش ملی، حزب وحدت و سایرین که جزو ائتلاف حاکم پس از سال ۲۰۰۱ بوده اند و در توزیع غنایم سهم داشته اند.

احزاب و سازمان های جزو اپوزیسیون قانونی: احزاب و سازمان هایی که از لحاظ قانونی ثبت و راجستر شده اند، اما به صورت مستقیم در حکومت شامل نبوده اند یا حکومت را در برهه از زمان پس از سال ۲۰۰۱ ترک کرده اند. روند سبز (که از داکتر عبدالله در انتخابات حمایت و بعداً با حکومت وحدت ملی مخالفت کرد)، دعوت اسلامی و جمعیت اصلاح، مثال هایی از این احزاب و سازمان ها هستند.

احزاب و سازمان های ضد نظام: گروه ها و سازمان هایی نظیر طالبان و حزب التحریر که از لحاظ قانونی ثبت و راجستر نیستند و با نظام سیاسی موجود مخالف اند. در این گزارش از واژه "افراطی" به منظور اشاره به فعالان این گروه ها استفاده شده است.

اسلام گرا: گرایش سیاسی یی که اسلام را به حیث یک ایدئولوژی سیاسی تفسیر می کند و قصد دارد که علوم مدرن و تکنالوژی را با اسلام سازگار سازد. فرق اسلام گرایان و بنیادگرایان در این است که اسلام گرایان خواستار برگشت کامل به مبادی اسلام نیستند، بل می خواهند حکومتی به میان آید که توسط مسلمانان تحصیلکرده و متعهد اداره شود.

بنیادگرا: گرایش سیاسی یی که استدلال آن، ضرورت بازگشت به مبادی اسلام است. مثال این گرایش، طالبان افغانستان است. از این واژه در ابتدا به منظور توصیف جنبش های احیاءگرایانه مسیحی استفاده می شده و سپس از آن به منظور توصیف معادل های اسلامی این جنبش ها کار گرفته شده است.



نمودار ۱: ماتریکس احزاب و سازمان های سیاسی افغانستان که تحت پوشش سروی قرار گرفته اند

خلاصه گزارش

فعالیت های سیاسی در لیسه های افغانستان ممنوع است. با این وجود، این ممنوعیت تاثیرات محدودی داشته است و بر مبنای یافته های سروی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که بخشی از این مطالعه است، فعالان سیاسی کماکان فعالیت زیادی در لیسه ها دارند. مصاحبه با شاگردان و معلمان، منبع اصلی معلومات مطالعه حاضر را تشکیل می دهد و فعالیت های سازمان های سیاسی در لیسه های افغانستان و دیدگاه های سیاسی فعالان این سازمان ها را تشریح می کند.

به نظر می رسد که ممنوعیت فعالیت های سیاسی در مکتب ها، غیر موثر و نابرابر با شرایط زمانی است: در واقع، ممانعت از نفوذ مسایل سیاسی در لیسه ها از لحاظ عملی ممکن نیست. در هر صورت، این ممنوعیت بیشتر بر احزاب قانونی ثبت و راجستر شده تاثیر گذاشته است تا بر احزاب افراطی و ضد نظام. به صورت مشخص، این ممنوعیت به سازمان های قانونی بی صدمه رسانده است که زیاد با نظام مرتبط نیستند و در رابطه با سازمان های بزرگ شخصیت محور و احزاب مخفی تقریباً بی تاثیر بوده است. اغلب اظهارات نشان دهنده این امر بود که معلمان درگیر فعالیت های سیاسی در صنف های درسی شان هستند.

همان طور که انتظار می رفت، اکثر مصاحبه شوندگان به احزاب "جزو نظام" وابسته بودند. آن ها به احزاب شان عمدتاً به حیث منابع اشتغال زایی یا ابزارهایی برای کمک به یافتن کار و اشتغال در آینده نگاه می کردند. این فعالان کمتر خلاف تمایلات سیاسی خانواده هایشان عمل می کنند یا هرگز چنین کاری نمی کنند؛ بر عکس، خانواده های شان معمولاً آن ها را برای پیوستن به احزاب مشخص تشویق می کنند. به نظر می رسد که اهداف ایدئولوژیک احزاب - اگر اصلاً چنین اهدافی موجود باشد - نگرانی دومی است و تاثیر اندکی یا اصلاً تاثیری بر فعالیت های روزمره یا حتی مشاجرات در مکتب ها ندارد. سوای از عضوگیری احزاب، سایر فعالیت های معمول شامل مشاجرات بر سر مسایل سیاسی در مکتب ها می شود.

فعالان در دیدگاه هایشان نسبتاً حامی نظام کنونی هستند و انتقاد از سیستم آموزشی کمتر مشاهده می شود. حتی فعالان احزاب اسلام گرا، حمایت شان را از توسعه حقوق زنان ابراز می کنند.

شناسایی اصلاح طلبان در اپوزیسیون که از نظام از درون انتقاد کنند، دشوار بود. آن هایی که امکان مصاحبه با آن ها میسر بود، نه تنها در مورد نظام سیاسی بلکه در خصوص نظام آموزشی، دیدگاه های منفی داشتند. این فعالان یا وابسته به احزاب سکولار نسبتاً جدید هستند یا به گروه های اسلام گرا و بنیادگرایی تعلق دارند که از ائتلاف حاکم دور رانده شده اند. نقطه وحدت آنها، داشتن دیدگاه های منفی راجع به حکومت است و آنها سخت می کوشند تا در مکتب ها فعالیت کنند، زیرا فاقد روابط با مقامات ذیربط هستند. با این حال، این گروه ها اختلافات بسیاری در نگرش های اجتماعی و ایدئولوژیک خود دارند.

سومین و آخرین گروهی که در این پروژه شناسایی شد، مخالفان افراطی نظام هستند که به نظام سیاسی جاری اعتراض دارند. برخی از این فعالان حتی حامی مبارزه مسلحانه علیه نظام مستقر در کابل هستند. فعالیت های آن ها به مراتب از فعالیت های دو گروه قبلی مخفی تر است، زیرا آن ها نگران دستگیری و مجازات اند. این فعالان بعضاً آشکارا دیدگاه های مثبتی را در مورد شورشیان مسلح ابراز می کنند و به صورت مشخص با نفوذ غرب در افغانستان خصومت دارند. آن ها حتی از بحث پیرامون مسایلی چون حقوق زنان خودداری می ورزند. با این حال، حتی شاگردان مرتبط با گروه های افراطی آرزوی برخورداری از تحصیلات عالی را دارند. به نظر می رسد که این امر توأم با این دیدگاه که گروه های افراطی بیشتر از ساحات دارای پویایی اقتصادی کم تر عضوگیری می کنند، این واقعیت را تأیید می کند که سرخوردگی توأم با سطح پایین برخورداری از تحصیلات عالی، عامل اصلی سیاسی شدن شاگردان در لیسه های کشور است.

در مجموع، در رابطه با سیاسی شدن لیسه ها، وضعیت به یک دیگ پر از آب می ماند که تحت فشار فزاینده قرار دارد، اما تاکنون به نقطه جوش نرسیده است. علایم آشکار سرخوردگی مفرط شاگردان نظیر تظاهرات و اعتراضات نسبتاً نادر است و در صورتی که به وقوع بپیوندد، چندان گسترده و وسیع نیست. با این وجود، شواهدی وجود دارد که بعضی از شاگردان به گروه های شورشی فعال نظیر طالبان ملحق شده اند و این امر یک رخداد نسبتاً تعجب آور است، زیرا طالبان در نخستین سال های شورشگری شان لیسه ها را به حیث عرصه جلب و جذب اعضا مورد هدف قرار نداده بودند.

۱. مقدمه

بخش آموزشی یکی از جوانب بسیار مهم دولت سازی است. از آن جای که مکتب ها ابزار اولیه انتقال آموزش سیاسی و مدنی به جوانان استند، آموزش یک موضوع بسیار سیاسی است. می توان استدلال کرد که مطالعه آموزش در افغانستان از دیدگاه سیاسی و جامعه شناختی مورد غفلت و چشم پوشی قرار گرفته است.

یک فرضیه عمده تمویل کنندگان در افغانستان این است که رشد کمی در عرضه و ارایه آموزش دولتی همواره یک شاخص مثبت است و این که تعداد شاگردان شامل در لیسه ها قطعا یک نشانه و علامت مثبت است. با این حال، آیا چنین امری همواره صدق می کند؟ تحقیقات در سایر کشورها نشان می دهد که افزایش آماری آموزش جوانان در صورتی که کیفیت آموزش بهبود نیابد و/یا فرصت های آموزشی گسترش نیابد، منجر به افراطی شدن جوانان و بی ثباتی سیاسی می شود.^۲ گزارش ها و اظهاراتی وجود دارد که نبود فرصت های شغلی و نارضایتی از عملکرد نظام آموزشی افغانستان باعث گرایش جوانان سرخورده لیسه ها به سمت و سوی گروه های افراطی شده است.

در سال ۲۰۱۰، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان مطالعه ای را در مورد محصلان پوهنتون ها و گرایش های سیاسی آن ها انجام داد.^۳ در عوض، پروژه کنونی بر آموزش در لیسه های دولتی تمرکز دارد. بخش همراه این مطالعه تحت عنوان "سیاسی شدن لیسه های افغانستان"، یافته های سروی لیسه ها در ده ولایت افغانستان را خلاصه سازی می کند. اگرچه این گزارش از یافته های سروی استفاده می کند، اما این گزارش بر علاوه سعی دارد تا الگوهای شناسایی شده در سروی را از طریق مواد جمع آوری شده در مصاحبه های کیفی توضیح دهد. هدف از انجام مصاحبه های کیفی این بود تا معلوماتی در خصوص سوالات ذیل به دست آید:

فعالان شاگرد تا چه اندازه از مشاجره های سیاسی جاری در افغانستان آگاهی دارند و آن ها چگونه در این مشاجره ها موضع گیری می کنند؟

چه عواملی باعث جلب و جذب شاگردان در گروه های سیاسی می شود؟

تأثیرات فعالیت سیاسی در میان شاگردان چیست؟

مصاحبه ها بر لیسه ها متمرکز بود، زیرا احتمال سهم گیری سیاسی در لیسه ها بیشتر از مکتب ها متوسطه یا ابتداییه است. تحقیقات موجود در این رابطه بسیار محدود است.^۴

گزارش حاضر دارای پنج قسمت اصلی است. بعد از توضیح روش تحقیق، قسمت اول تحت عنوان "رویکرد وزارت معارف (MoE) در قبال سیاست در صنف درسی" به صورت کلی اثرات ممنوعیت فعالیت سیاسی در لیسه ها را مورد بحث قرار میدهد. قسمت بعدی آن بر فعالان احزاب و گروه های طرفدار حکومت تمرکز دارد و الگوهای عضوگیری، اهداف، فعالیت ها و دیدگاه های این فعالان را به تفصیل شرح می دهد. دو قسمت مشابه بعدی به ترتیب فعالان سازمان های قانونی و غیرقانونی مخالف حکومت را تشریح می کند. قسمت پنجم تحت عنوان "آیا شاگردان لیسه ها در حال افراطی شدن اند؟" شواهدی را در مورد افراطی شدن جاری در لیسه ها ارایه می کند.

۱ انتونو جیستازی، "ملت سازی برای همه نیست: سیاست زدگی آموزش در افغانستان" (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۰)؛ رد نوردلند، "علی رغم پیشرفت های آموزشی، رشته از آشفتگی ها در مکتب های افغانستان"، نیویورک تایمز، ۲۰ جولای ۲۰۱۳. http://www.nytimes.com/2013/07/21/world/asia/despote-education-advances-a-host-of-afghan-school-woes.html?_r=0 (دسترسی در تاریخ ۱ می ۲۰۱۵).

۲ برای مثال، نگاه کنید به معید یوسف، "آینده افراطی شدن جوانان در پاکستان" (مقاله تحلیلی، بروکینگز، ۲۰۰۸). http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2008/10/pakistan%20yusuf/10_pakistan_yusuf.pdf

۳ انتونو جیستازی، "قیومیت و تمرد فعالیت سیاسی دانشجویان در افغانستان" (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۰). <http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/1004E-Between%20Patronage%20and%20Rebellion%20-%20Student%20Politics%20in%20Afghanistan%20BP%20202010.pdf>. هم چنین نگاه کنید به رابرت زمان و عبدالاحد محمدی، "روندهای افراطی شدن جوانان در پوهنتون های افغانستان" (کابل: انستیتوت مطالعات ستراتیژیک افغانستان، ۲۰۱۴). <http://aiss.af/images/pdf/Trends%20in%20Student%20Radicalization%20across%20University%20Campuses%20in%20Afghanistan1.pdf>

۴ درباره نفوذ فزاینده گروه های رادیکال نظیر حزب التحریر، نگاه کنید به برهان عثمان، "جوانان افغانستان طرفدار دموکراسی؟ نه همه آن ها" (برلین: شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۴). <https://www.afghanistan-analysts.org/afghan-youth-for-democracy-not-all-of-them>. در رابطه با سیاست در میان جوانان، نگاه کنید به گران هیواد و کیسی گارت جانسون، "رهنمودی در خصوص سیاست در میان جوانان افغانستان" (واشنگتن: انستیتوت صلح ایالات متحده، ۲۰۱۴). <http://www.usip.org/sites/default/files/SR344-A-Rough-Guide-to-Afghan-Youth-Politics.pdf>. https://www.boell.de/sites/default/files/youth_political_activism.pdf

۲. روش تحقیق

روش تحقیق شامل مصاحبه با معلمان، شاگردان و فعالان سیاسی می شود. ما با ۴۶ فعال شاگرد، دو فعال بزرگسال و ۲۶ معلم مصاحبه کردیم و مجموع ۷۴ مصاحبه دربرگیرنده ۱۱ ولایت کشور است. بر اساس یافته های سروی، فعالان گروه های سیاسی اصلی شناسایی شدند و با آن ها در رابطه با فعالیت ها و انگیزه هایشان مصاحبه شد. بنابراین، مصاحبه ها دارای توزیع جغرافیایی بوده اند و به طور هدفمند گزینش شده اند (بر اساس موجودیت افرادی که در سروی شناسایی شده بودند). در نتیجه، توزیع مصاحبه شوندهگان نابرابر بوده و حضور مصاحبه شوندهگان از برخی ولایات مثل ولایت بلخ در نمونه ما به مراتب بیشتر از سایر ولایات بوده است. هم چنین انجام مصاحبه با فعالان شاگرد در بعضی از ولایات های که منازعه جاری بیشترین تاثیر را بر آن ها وارد آورده، سخت بود؛ در برخی از موارد، گروه پژوهشی تصمیم گرفت تا در عوض با معلمان مصاحبه کند. توزیع دقیق مصاحبه شوندهگان از حیث ولایت در جدول ۱ در ذیل نشان داده شده است.

جدول ۱: مصاحبه شوندهگان از حیث کتگوری و ولایت

معلمان	شاگردان	
	۱۸	بلخ
	۱۲	کابل
۱	۱	لوگر
	۶	بغلان
	۲	قندوز
۳	۴	پروان
۷	۰	پکتیا
۳	۰	کاپیسا
۸	۱	ننگرهار
۲	۰	غزنی
۱	۰	لغمان
	۱	زابل
	۱	وردک
۲۵	۴۶	مجموع

پژوهشگران افغان که در این تحقیق سهم گرفتند، از تجربه گسترده در فعالیت در ساحات ناامن برخوردار بودند و قبلا در تحقیقات درباره شورشیان مشارکت کرده بودند. در نتیجه، آن ها قادر بودند که نسبتا به آسانی در ساحات متأثر از منازعه به شمول برخی از ساحات تحت پوشش این گزارش رفت و آمد کنند.

۳. رویکرد وزارت معارف در قبال سیاست در صنف درسی

۳.۱ ممنوعیت فعالیت سیاسی در لیسه ها و اجرای این ممنوعیت

پالیسی حکومت افغانستان در قبال فعالیت سیاسی در لیسه ها قسماً میراث تاریخ خودکامه و مستبد این کشور و کشمکش های دهه های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی است که مسولیت آن اغلباً به احزاب سیاسی نسبت داده می شود. کرزی رییس جمهور سابق بار بار از پوهنتون ها و مکتب ها خواست که از فعالیت های سیاسی خود را دور نگه دارند.^۵ بنابراین، کلیه فعالیت های سیاسی از لحاظ رسمی در لیسه های افغانستان ممنوع است. در اصول، می توان شاگردان ناقض این ممنوعیت را از مکتب اخراج کرد. تیم پژوهشی اظهاراتی را در مورد برخی از قضایا دریافت کرد که در آن، شاگردان به خاطر فعالیت های شان مجازات شده بودند:

فکر کنم سال گذشته مدیر مکتب یک شاگرد را گیر کرد. فعال یک حزب بود. فعالیت هایش فاش شده بود. سعی می کرد که شاگردان را علیه برخی از امور بسیج کند و تظاهرات راه بیندازد. مدیر مکتب راپورش را به حکومت داد و نمی دانم بعداً با او چه کار شد. از آن زمان به بعد، فکر کنم افراد فعالیت های سیاسی شان را بسیار مخفیانه به پیش می برند. خوشبختانه هیچ کس به شمول معلمان چیزی در مورد من نمی دانند [۱۶، فعال روند سبز، کابل].

سال گذشته یک معلم یکی از فعالان یک حزب سیاسی را گیر کرد. نمی دانم به کدام حزب وابستگی داشت. مکتب ما راپور او را به وزارت معارف داد و بعداً درک او گم شد. دیگر راجع به او چیزی نشنیدم. فکر کنم دنبالش را گرفتند و او را به مکتب دیگری منتقل کردند. از او که بگذریم، من در مورد شخص دیگری که به خاطر فعالیت های سیاسی اش در مکتب ما گیر آمده باشد، خبر ندارم [۱۲، فعال حزب وحدت، کابل].

اغلباً به فعالان شاگرد اخطار داده می شود [۲۶، فعال حزب التحریر، بغلان]. حتی اگر جدی ترین اقدامات مثلاً اطلاع دهی به پولیس و ریاست عمومی امنیت ملی (NDS) روی دست گرفته شود، به نظر می رسد که موثریت این اقدامات محدود بوده است (هم چنین به جدول ۲ نگاه کنید):

بعضی از معلمان و متعلمان مخالف آنچه هستند که ما در برخی از مکتب ها انجام می دهیم، اما معلمان، حکومت و امریکایی ها نمی توانند جلوی ما را بگیرند. تعدادی از مکتب ها به حوزه های پولیس و دفاتر استخبارات شکایت کرده اند. مامورین کشف این ادارات دنبال شماری از فعالان ما برآمده اند، اما این مربوط گذشته می شود. حالا فعالان ما به سایر ولایت ها رفته اند تا فعالیت های شان را به پیش ببرند و برادران مسلمان را جلب و جذب کنند [۳۶، فعال حزب التحریر، کابل].

فعالی که در بالا از او نقل قول شده، خودستایی و فخرفروشی نمی کند. اکثریت قاطع معلمانی که با آنها مصاحبه شده، تلاش های وزارت معارف در جهت دور نگهداشتن سیاست از صنف درسی را غیر موثر می دانند:

وزارت معارف به همه ریاست هایش در ولایات دستور داده که مانع سهم گیری شاگردان در فعالیت های سیاسی در مکتب ها شوند. ما منتهای کوشش خود را می کنیم، اما انجام این کار عملی و موثر نیست [۴۲، معلم، پروان].

وزارت معارف، فعالیت های سیاسی در مکتب ها را منع کرده، اما مدیران مکتب ها وضعیت را کنترل نمی کنند [۵۶، معلم، جلال آباد].

وزارت معارف به تمام ریاست هایش در ولایات مکتوب فرستاده و فعالیت های سیاسی در مکتب ها را منع کرده است. با این وجود، اجرای این ممنوعیت مربوط مدیران مکتب ها است. در ولسوالی ها، در اکثر مکتب ها فعالیت سیاسی جریان دارد و آزاد است [۵۵، معلم، جلال آباد؛ ۵۹، معلم، پکتیا؛ ۵۸، معلم، ننگرهار؛ ۵۲، معلم، مزار].

حدوداً یک چهارم از ۴۶ شاگردی که با آن ها مصاحبه شد، باور دارند که کارمندان وزارت معارف از فعالیت های سیاسی شان آگاهی دارند، اما بنا بر هر دلیلی که ممکن است وجود داشته باشد، به مخالفت با این فعالیت ها برنخاسته اند (جدول ۲).

۵ دلی اولتوک افغانستان، "در باب عدم تشویق محصلان و متعلمان از جانب کرزی برای پیوستن به احزاب سیاسی"، ۲۸ جون ۲۰۱۲، [http://outlookafghanistan.net/](http://outlookafghanistan.net/editorialdetail.php?post_id=4743#sthash.g033USwV.dpuf) (دسترسی در تاریخ ۱ می ۲۰۱۵).

جدول ۲: آگاهی و نگرش کارمندان وزارت معارف در مورد فعالیت سیاسی در لیسه ها، بر طبق اظهارات شاگردان مصاحبه شده

تعداد	درصدی	پله
۱۸	۳۹,۱	۱. کارمندان مکتب ها آگاه اند
۵	۱۰,۹	مخالف اند
۱۲	۲۶,۱	آگاه اند اما مخالف نیستند
۱	۲,۱	عدم پاسخ دهی
۲۸	۶۰,۹	۲. کارمندان مکتب ها آگاه نیستند
۴۶	۱۰۰,۰	مجموع

بنابراین، این سوال مطرح می شود که آیا وزارت معارف توان اجرای ممنوعیت های سیاسی در مکتب ها را ندارد یا این که این وزارت تمایلی برای اجرای این ممنوعیت ندارد. برخی از مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که احزاب سیاسی جزو نظام مانع از آن شده اند تا وزارت معارف اقدامات قاطعی را علیه فعالیت های سیاسی در لیسه ها اجرا کند:

وزارت معارف اعلام کرده است که فعالیت های سیاسی در مکتب ها جواز ندارد. اما زورمندان در اجرای این قانون مداخله می کنند و آن ها هستند که به شاگردان فرصت و زمینه می دهند که فعالیت های سیاسی را عملی کنند. وزارت معارف با زورمندان در تلبانی است [۷۱، معلم، پکتیا؛ هم چنین ۸ معلم، پکتیا].

در هر صورت، حتی صرف نظر از یافته های سروی (نگاه کنید به نمودار ۱ و جدول های ۱ الف، ۱ ب، ۲ الف و ۲ ب در ضمیمه)، ۲۶ معلمی که با آن ها مصاحبه شد، به صورت گسترده ای در این رابطه اتفاق نظر داشتند که سطح فعالیت سیاسی در مکتب ها رو به افزایش است. آن ها هم چنین اتفاق نظر داشتند که احزاب و گروه های اسلامی به طور فزاینده بر این فعالیت ها تسلط دارند (نگاه کنید به جدول ۳ و جدول های ۳-۹ در ضمیمه).

جدول ۳: احزاب و سازمان های فعال در لیسه ها، بنا بر اظهارات معلمان مصاحبه شده

تعداد	درصدی	طالبان
۱۵	۵۷,۷	طالبان
۳	۱۱,۵	حزب التحریر
۲۱	۸۰,۸	حزب اسلامی
۹	۳۴,۶	جمعیت اسلامی
۱	۳,۸	دعوت اسلامی
۲	۷,۷	روند سبز
۴	۱۵,۴	جمعیت اصلاح
۱	۳,۸	وحدت
۱	۳,۸	جنبش
۶	۲۳,۱	تحریک ملی
۹	۳۴,۶	جامعه مدنی
۴	۱۵,۴	سازمان های دینی
۱۰	۳۸,۵	حقوق زنان
۵	۱۹,۲	افغان ملت
۱	۳,۸	سلفی ها
۲۶	۱۰۰,۰	مجموع

هیچ یک از معلمان مصاحبه شده، آشکارا موجودیت این روندها و گرایشها را انکار نکردند، اگرچه تقریباً یک چهارم از آن ها از پاسخ دهی به این پرسش یا ارایه پاسخ های صریح امتناع کردند (جدول ۴).

جدول ۴: فعالیت های سیاسی در مکتب ها، بنا بر اظهارات معلمان مصاحبه شده

تعداد	درصدی	
۲۰	۷۶.۹	افزایش فعالیت سیاسی؟
۱۹	۷۳.۱	انحصار فزاینده فعالیت سیاسی از سوی اسلام سیاسی؟
۲۶	۱۰۰.۰	مجموع

سروی خاطر نشان ساخت که فعالان احزاب لیبرال، چپی و دموکراتیک کمتر در میان شاگردان لیسه ها حضور دارند، بر خلاف گونه های مختلفی از گروه های اسلام گرا و بنیادگرایی که به نظر می رسد در بخش هایی از کشور ریشه های نسبتاً ژرف و عمیقی را دوانده اند. در واقع، چنین به نظر می آید که ممنوعیت فعالیت سیاسی در لیسه ها بیشتر مانع از فعالیت نیروهای میانه رو در میان شاگردان شده تا این که گروه های تندرو را از لیسه ها دور نگهدارد، زیرا تندروها در توسل به کاربرد تهدید و زور برای پیشبرد فعالیت هایشان درنگ و تعلل اندکی دارند. فعالان شاگرد مرتبط با طالبان^۶ آشکارا ادعا می کنند که دست کم در برخی از ساحات، طالبان به کارمندان وزارت معارف در مورد سعی در جلوگیری از کار فعالان شان در مکتب ها هشدار داده و آن ها را تهدید کرده اند:

یک بار مدیر مکتب از ما نزد ولسوال بتی کوت (ولایت ننگرهار) شکایت کرد. ما به خانه اش رفتیم و او را سخت لت و کوب کردیم و نیز دروازه خانه اش را شکستیم و به او اخطار دادیم که دوباره نزد پولیس مراجعه نکند. از آن به بعد، به پولیس مراجعه نکرده است [۷۳، فعال طالبان، ننگرهار؛ هم چنین ۷۲، فعال طالبان، دایچوپان/زابل].

صرف نظر از آن چه که ممکن است از سختگیری در مورد فعالیت سیاسی در مکتب ها جلوگیری کند، معلمانی که با آن ها در این پروژه تحقیقی مصاحبه شد، سطح قابل توجهی از فعالیت سیاسی را در مکتب ها اطلاع دادند. در این زمینه، اظهارات آن ها با یافته های سروی مطابقت دارد. در واقع، مشاخره های سیاسی از سوی تقریباً همه معلمان مصاحبه شده اطلاع داده شد (۹۲،۳ درصد) و سایر فعالیت های قابل دید نظیر پخش جزوه ها و نوشته ها، برگزاری جلسه ها و نوشتن بر روی دیوارها نیز به کرات اطلاع داده شد. شناسایی عضوگیری در سازمان های سیاسی دشوارتر است و در واقع از جانب فقط ۱۹،۲ درصد از معلمان اطلاع داده شد. همان طور که در سروی مورد بحث قرار گرفت، برگزاری اعتراضات در لیسه های افغانستان پدیده ای نادر است و این امر توسط معلمان تایید شد. آن چه شاید تعجب آور باشد، این است که این نتایج از نتایج سروی تفاوت داشت. برای مثال، در رابطه با عضوگیری، سروی حاکی از آن بود که درصدی بالاتری از پاسخ دهندگان وقوع این امر (عضوگیری) را در مکتب ها شان تایید کردند (۵۲،۳ درصد در مقابل ۱۹،۲ درصد). این تفاوت ها به آسانی نظر به تفاوت در دیدگاه مشاهده قابل توضیح است - بدین معنی که احتمال آگاهی معلمان از آن چه در میان شاگردان رخ می دهد، کم تر از آگاهی خود شاگردان در این زمینه است. در واقع، فعالان شاگردی که با آنها مصاحبه شد، حتی سطح بالاتری از عضوگیری را از آن چه در نتایج سروی نشان داده شد، اطلاع دادند. از همه مهم تر این که شاگردان عضوگیری را به حیث یکی از معمول ترین انواع فعالیت سیاسی برجسته ساختند - ۶۹،۶ درصد که بعد از مشاخره های سیاسی، دومین فعالیت سیاسی معمول در مکتب ها به شمار می رود. آن چه واضح است، این است که فعالان از موقف بهتری برای تشریح فعالیت های شان برخوردار بودند (جدول ۵).

جدول ۵: انواع فعالیت سیاسی اطلاع داده شده توسط فعالان شاگرد لیسه ها که با آنها مصاحبه شد

قانونی، جزو نظام		قانونی، مخالف نظام		غیرقانونی		همه	
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی
۱۶	۶۶.۷	۷	۷۰.۰	۹	۷۵.۰	۳۲	۶۹.۶
۷	۲۹.۲	۷	۷۰.۰	۳	۲۵.۰	۱۷	۳۷.۰
۱۵	۶۲.۵	۹	۹۰.۰	۸	۶۶.۷	۳۲	۶۹.۶
۲	۸.۳	۴	۴۰.۰	۲	۱۶.۷	۸	۱۷.۴
۲۱	۸۷.۵	۱۰	۱۰۰.۰	۱۱	۹۱.۷	۴۲	۹۱.۳
۸	۳۳.۳	۶	۶۰.۰	۵	۴۱.۷	۱۹	۴۱.۳
۳	۱۲.۵	۵	۵۰.۰	۵	۴۱.۷	۱۳	۲۸.۳
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶	

۶ آن ها خود را امارت اسلامی طالبان می نامند تا بدین وسیله یادآور تداوم حکومتی شوند که در اثر مداخله امریکایی ها در سال ۲۰۰۱ ساقط شد. آن ها بزرگترین حرکت شورشی در افغانستان امروزه هستند و به گونه بی در حال توسعه اند که مشخصه یک حرکت سیاسی است. آن ها از جمله به جلب و جذب اعضا از میان شاگردان لیسه ها روی آورده اند.

شایان ذکر است که با وجود این که معلمان قادر بودند که فقط سطحی ترین جنبه های فعالیت سیاسی را در لیسه ها مشاهده کنند، اما آن ها اغلبا اطلاع دادند که طالبان و/یا حزب التحریر^۷ در مکتب های شان فعال هستند؛ ۸۰٫۸ درصد از معلمان حضور حزب اسلامی^۸ را اطلاع دادند، ولی این که منظور شاخه قانونی یا ستیزه جوی این حزب بوده، معمولا واضح نیست (به جدول ۶ نگاه کنید). سروی نیز سطح بالای موجودیت گروه های افراطی و غیرقانونی را در مکتب ها اطلاع داد (نگاه کنید به جدول های ۳ و ۴ در ضمیمه).

جدول ۶: انواع فعالیت سیاسی در لیسه ها، بنا بر مشاهدات معلمان مصاحبه شده

تعداد	درصدی	
۵	۱۹.۲	عضوگیری
۱۵	۵۷.۷	پخش نوشته ها
۱۴	۵۳.۸	جلسه ها
۳	۱۱.۵	اعتراض ها
۲۴	۹۲.۳	مشاجره ها
۸	۳۰.۸	دیوارنوشته ها
۶	۲۳.۱	اعتراض به معلمان
۲۶	۱۰۰.۰	مجموع

۳.۲ تبعیض

همان طور که در بالا ذکر شد، نکته که بار بار خاطر نشان شد، این بود که تاریخچه و نحوه ایجاد احزاب سیاسی به خودی خود به تلاش ها در جهت دور نگه داشتن لیسه ها از سیاست خدشه وارد می سازد. در واقع، مصاحبه ها با فعالان شاگرد نشان می دهد که بر خلاف فعالیت های شاگردان وابسته به سازمان های مخفی، فعالیت های شاگردانی که با احزاب جزو نظام در ارتباط اند، به طور قابل ملاحظه بی تحمل می شود و در نتیجه، آن ها نگرانی نسبتا اندکی در مورد کشف فعالیت های شان دارند. یکی از فعالان مخفی چنین اظهار داشت:

شاگردان بسیاری اند که برای سایر گروه های سیاسی مثل جنبش، حزب اسلامی، جمعیت، محاذ ملی^۹ و سایر گروه ها کار می کنند، اما چون فعالیت های سیاسی شان در حکومت افغانستان ثبت و راجستر شده و رهبران شان قدرت را در کشور به دست دارند، آن ها آشکارا با سایر شاگردان در مورد وابستگی شان به این یا آن حزب سیاسی صحبت می کنند، اما ما نمی توانیم چنین کاری را انجام دهیم. بدیختانه، مردم افغانستان فکر می کنند که حزب التحریر مثل طالبان یک تهدید است و اکثر مردمی که در حکومت اند، از حرکت ما خوششان نمی آید. از همین خاطر است که ما فعالیت های خود را مخفیانه انجام می دهیم [۲۱، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

در واقع، دیدگاه های این مصاحبه شونده از جمله توسط فعالان جمعیت اسلامی^{۱۰} و جنبش ملی^{۱۱} تایید شد:

معلمان من می دانند که ما برای خیر و منفعت جامعه کار می کنیم، آن ها آگاه اند که ما خواهان ترقی و پیشرفت هستیم، تاکنون برای ما هیچ مشکلی ایجاد نکرده اند. سال گذشته یک معلم داشتیم که جدیداً در مکتب مقرر شده بود. او اصرار داشت که ما باید فعالیت های خود را متوقف کنیم و به ما گفت که کار ما غیرقانونی است، اما سایر معلمان قناعت او را حاصل کردند. حالا ما هیچ مشکلی نداریم و حتی معلمان به ما کمک می کنند [۹، فعال جنبش، مزار شریف].

- ۷ حزب التحریر که اصالتا در سال ۱۹۵۳ در فلسطین بنیان گذاری شده، چند سال پیش در افغانستان ظهور یافت. مبادی این حزب در افغانستان نامعلوم است، اما احتمالا فعالان حزب التحریر در آسیای مرکزی و پاکستان که این حزب در آن جا بسیار فعال است، از ایجاد این حزب در افغانستان حمایت کرده اند. به علت مخفی بودن این حزب، دانش ما درباره آن اندک است، اما چنین به نظر می رسد که این حزب فعالیت هایش را در شمال شرق افغانستان آغاز کرده و بعداً به سایر ولایت ها به شمول منطقه اطراف کابل گسترش یافته است. این حزب در مورد قریب الوقوع بودن رستاخیز و قیامت تبلیغ می کند و مسلمانان را به کشف مجدد ریشه های شان و تأسیس مجدد خلافت اسلامی به منظور مساعدسازی زمینه وقوع قیامت فرامی خواند.
- ۸ پس از انشعاب از جمعیت اسلامی در سال ۱۹۷۹، حزب اسلامی به حیث رقیب اصلی جمعیت اسلامی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی قد علم کرد. علی رغم ریشه های مشترک حزب اسلامی و جمعیت اسلامی در جنبش محصلان الهام گرفته از اخوان المسلمین، این دو حزب اغلبا با هم درگیر جنگ بوده اند و درگیری های شان بعضا خشونتبار بوده است. حزب اسلامی عموماً به حیث شاخه رادیکال و افراطی جنبش محصلان شناسایی می شود و از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد، این حزب عمدتاً پشتون های ساکن مناطق شرقی را جلب و جذب کرده است (حال آن که جمعیت اسلامی عمدتاً به طور فزاینده بر تاجیک ها اتکا کرده است). از سال ۲۰۰۵ به این سو، حزب اسلامی رسماً به دو شاخه منشعب شده است: یک شاخه از لحاظ قانونی در اداره های مربوطه در کابل ثبت و راجستر است، در روند انتخاباتی مشارکت دارد و حتی برخی از اعضایش در پارلمان حضور دارند و شاخه دیگری که تا هنوز درگیر مبارزه مسلحانه علیه حضور نیروهای غربی در افغانستان است. گلبدین حکمتیار، رهبر تاریخی این حزب، رهبری شاخه شورشی را بر عهده دارد. هر دو شاخه دارای سازمان جوانان هستند و سازمان های جوانان هر دو شاخه این حزب از لحاظ عملی غیرقابل تفکیک اند و اغلبا فعالیت های مشترکی را سازمان دهی می کنند.
- ۹ این حزب که در سال ۱۹۷۹ توسط پیر گیلانی تأسیس شده، عمدتاً مورد حمایت پیروان گیلانی از طریق تصوف قادریه قرار دارد. از این لحاظ، این حزب باید یک حزب دینی تلقی شود، حتی اگر این که پیام این حزب همواره بر ناسیونالیسم تمرکز داشته است تا گفتمان دینی. این حزب در مقاومت دهه ۱۹۸۰ میلادی به حیث یک سازمان طرفدار شاه فعال بود، اما فعالیت آن در دهه ۱۹۹۰ میلادی اندک و ناچیز بود. این حزب بنا بر تقاضای حامد کرزی و حامیان بین المللی او در مورد برقراری تعادل در میان احزاب عمدتاً غیرپشتون با احزابی که برای پشتون ها مطبوع بودند، در اداره خاسته از توافقنامه بن شامل شد.
- ۱۰ این حزب در مقاومت دهه ۱۹۸۰ میلادی علیه رژیم چپی و ارتش شوروی و سپس در جنگ های داخلی دهه ۱۹۹۰ میلادی بسیار فعال بود. این حزب نقش رهبری کننده بی را در تهاجم سال ۲۰۰۱ علیه رژیم طالبان ایفا کرد و توانست که با حمایت ایالات متحده، طالبان را خلع قدرت کند. نمایندگان جمعیت اسلامی در مذاکره های پیرامون تشکیل حکومت پساتالبان در افغانستان از جمله اشتراک کنندگان کلیدی بودند و چندین تن از اعضای این حزب در کابینه های پس از سال ۲۰۰۱ سهم داشته اند. این حزب بعضاً موضع حاکم داشته و بعضاً موضع اش اندکی تضعیف شده، اما در کل، جای شک و تردیدی نیست که جمعیت اسلامی را می توان جزو نظام سیاسی جاری در کشور تلقی کرد. این حزب هم چنین حضور چشمگیری در پارلمان دارد و دکتر عبدالله کاندید این حزب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بود.
- ۱۱ این حزب که در سال ۱۹۹۲ توسط جنرال دوستم به حیث ابزار سیاسی جاه طلبی او برای شمولیت در نظام پساکمونیستی ایجاد شد، در جنگ های داخلی دهه ۱۹۹۰ میلادی فعال بود و به طور قابل توجهی بی به تلاش ها برای سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ یاری رساند. این حزب در تقسیم غنایم در سال های ۲۰۰۲-۲۰۰۴ مشارکت داشته، اما بعداً به علت رقابتش با جمعیت اسلامی به طور فزاینده از عرصه قدرت به حاشیه رانده شده است. انتخاب جنرال دوستم به حیث معاون اول ریاست جمهوری در انتخابات سال ۲۰۱۴ این حزب را احیا کرده است و می توان برای بار دیگر این حزب را جزو نظام تلقی کرد. این حزب عمدتاً بر حمایت اقلیت ازبک ساکن در شمال غرب افغانستان اتکا دارد و تا حدودی در میان ازبک های ساکن در شمال شرق نیز حضور دارد.

[کارمندان مکتب ها] می دانند که ما برای حزب جنبش کار می کنیم، اما آن ها مشکلی با این موضوع ندارند. آن ها حتی سپاس گزارند که ما شاگردان را در دوره های آموزشی دعوت می کنیم و آن ها را برای اشتراک در این دوره های آموزشی تشویق می کنیم [۱، فعال جنبش، مزار شریف].

مقایسه ارزیابی شاگرد عضو جمعیت در مزار شریف که از او در بالا نقل قول شده، با یکی دیگر از فعالان جمعیت در کابل، ارزنده است:

بلی، کارمندان مکتب چندین بار به من اخطار داده اند. به خاطری که آن ها... نمی دانند که ما به خاطر خیر و منفعت جامعه کار می کنیم و نمی دانند که ما هم مخالف فساد اداری هستیم. روی هم رفته، ما فعالیت های خود را علناً ترویج نمی کنیم. فعالیت های خود را مخفیانه انجام می دهیم. نمی خواهیم آن ها از فعالیت های ما سردرآوردند [۱۳، فعال جمعیت، کابل].

دو نقل قول اول نشانگر موجودیت محیط آسان گیرانه برای احزاب دارای حضور قوی محلی حداقل در شمال کشور (جمعیت اسلامی) است. اگرچه نمونه ما کوچک بود، اما پاسخ های مصاحبه شوندگان حامی و مؤید این استدلال نیست. نوسان ها در میان سایر گروه های دارای حضور قوی محلی در شمال (جنبش و وحدت) زیاد حایز اهمیت نیست و به نظر می رسد که گروه های دارای ریشه های ضعیف تر در شمال نیز با محیط آسان گیرانه یی در این بخش از کشور مواجه باشند (به جدول ۷ نگاه کنید). در هر صورت، ممکن است شاگردان جمعیتی محیط مزار شریف را آسان گیرانه تر از محیط کابل یافته باشند. با این وجود، نمونه ما از کابل فقط شامل دو فعال جمعیتی است و بنابراین برای نتیجه گیری بسیار کوچک است.

جدول ۷: آگاهی و نگرش کارمندان وزارت معارف در مورد فعالیت سیاسی در لیسه ها در کابل و مزار شریف، بنا بر اظهارات شاگردان مصاحبه شده از حیث نوع سازمان سیاسی

مزار	جمعیتی	همه غیر جمعیتی	همه گروه های دارای پایگاه های قوی در شمال	همه گروه های فاقد پایگاه های قوی در شمال
کارمندان مکتب ها آگاه اند	۷۵.۰٪	۵۰.۰٪	۷۰.۰٪	۱۶۶٪
کارمندان مکتب ها مخالف اند	۰.۰٪	۳۳.۳٪	۲۰.۰٪	۳۳.۳٪
تعداد	۴	۱۲	۱۰	۶
کابل	جمعیتی	غیر جمعیتی	تمام گروه های شمالی	تمام گروه های غیر شمالی
کارمندان مکتب ها آگاه اند	۱۰۰.۰٪	۳۰.۰٪	۴۰.۰٪	۴۲.۹٪
کارمندان مکتب ها مخالف اند	۵۰.۰٪	۴۰.۰٪	۲۰.۰٪	۵۷.۱٪
تعداد	۲	۱۰	۵	۷

داشتن ارتباط با برخی از سازمان های سیاسی یی که جزو نظام حاکم اند، می تواند به صورت بهتری تحمل نسبت به فعالیت های گروه های مشخصی در مکتب ها را توضیح دهد. این امر هم چنین توسط فعالان روند سبز^{۱۲} - یک گروه کوچک و قانونا ثبت و راجستر شده که جزو نظام حاکم نیست- تایید شده است که در مورد تحمل فعالیت های حزب شان توسط کارمندان وزارت معارف مطمئن نیستند:

بستگی دارد. بعضی وقت ها که اهداف حزب روند سبز را برای شاگردان تشریح می کنم، آن ها به دیدگاه های سیاسی حزب ما علاقه مند می شوند، اما نمی خواهند درگیر شوند. منظورم این است که آن ها به حزب نمی پیوندند و فقط علاقه شان را به ما نشان می دهند. بعضی از آن ها نمی خواهند به حزب بپیوندند و ادعا می کنند که حزب غیرقانونی است [۱۰، فعال روند سبز، کابل].

شاگردان به دیدگاه های سیاسی حزب ما علاقه مندند، اما به این دلیل به حزب نمی پیوندند که از حکومت می ترسند و نمی خواهند گیر بیفتند. هم چنین باید اضافه کنم که بعضی از شاگردان علاقه ای به سیاست ندارند [۷، فعال روند سبز، کابل].

یک مسئله مجزا اما مرتبط، محتوای نصاب تعلیمی است که در برخی از زمینه ها بحث برانگیز می باشد. یک فعال شاگرد اصرار داشت که همین تصمیم که از معلمان خواسته شود که مانع فعالیت های سیاسی در مکتب ها شوند، به خودی خود بسیار سیاسی است:

۱۲ روند سبز که در سال ۲۰۱۰ از سوی امرالله صالح رییس پیشین ریاست عمومی امنیت ملی تأسیس شده، بر جوانان اتکا دارد و عمدتاً به شخصیت عامه صالح وابسته است - صالح بیشترینه در رسانه ها ظاهر می شود و اظهارات جنجال برانگیزی را مطرح می کند. این حزب و رهبران آن به شدت از نظام مخصوصاً به دلیل بی کفایتی و بی توجهی آن انتقاد کرده اند.

معلمان نیز درگیر تعقیب و پی گیری آجندای اداره استخبارات افغانستان در مورد فعالیت های ضد اسلامی اند. معلمان همواره شاگردان را دلسرد می کنند تا مسلمان واقعی نباشند و از همین خاطر، شاگردان از پیوستن به حرکت جمعیت اصلاح دلسرد می شوند (۴۸)؛ فعال جمعیت اصلاح، کابل؛ هم چنین ۲۰، فعال جمعیت اصلاح، کابل.]

۳.۳ معلمان و فعالیت های سیاسی

فاحش ترین تناقض در پالیسی وزارت معارف مبنی بر ممنوعیت فعالیت های سیاسی در مکتب ها زمانی اتفاق می افتد که معلمان خود در تبلیغ سیاسی و حمایت از احزاب سیاسی درگیر باشند.^{۱۳} اگرچه اکثر مصاحبه شوندگان مشاهده علایم فعالیت سیاسی معلمان را انکار کردند، اما برخی از آن ها اظهار داشتند که کارمندان تدریسی فعالان در جهت متقاعد کردن متعلمان برای درگیر شدن در فعالیت های سیاسی تلاش می کنند (نگاه کنید به جدول های ۸ و ۹). از جمله ۲۱ معلم مصاحبه شده، ۵ نفر از آن ها گفتند که برخی از همکاران شان در فعالیت های سیاسی همراه با شاگردان درگیر هستند (۲۳،۸ درصد). یک معلم ابراز داشت:

بله، من معلمانی را دیده ام که شاگردان را در جریان مبارزات انتخاباتی هم در انتخابات پارلمانی و هم در انتخابات ریاست جمهوری به کار گماشتند تا به نفع کاندیدان مشخص مبارزه کنند و برای این کاندیدان رأی بدهند (۴۳)؛ معلم، گلپهار/پروان.]

فعالیت سیاسی معلمان از میان شاگردان نیز به ندرت دریافته می شد، اما بعضی از شاگردان اظهار کردند:

بعضی از معلمان برای جمعیت کار می کنند. آن ها فعال یک حزب سیاسی اند. ولی نمی دانم که آیا آن ها شاگردان را به این گروه جلب و جذب می کنند یا خیر. نمی دانم... نمی توانم بگویم که همه آن ها دخیل هستند، اما اکثرا مالاها یا معلمان مضامین دینی به جمعیت اسلامی علاقه مند هستند. بعضی از آن ها عضو این حزب هستند. قبل از این که فراموش کنم، باید بگویم که معلمان مضمون تاریخ نیز در فعالیت های سیاسی در مکتب ما دخیل هستند (۱۴)؛ فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف.]

بله، در بعضی از مکتب ها، کارمندان از فعالیت های ما آگاهی دارند. برخی از آن ها حامی ما هستند، اما اکثرشان مخالف آن چه اند که ما انجام می دهیم. بله، معلمانی هستند که به نفع حکومت افغانستان کار می کنند و آن ها به احزاب سیاسی و قومی مختلفی وابستگی دارند. آنها اغلبا مشکل آفرینی می کنند و با فعالیت های ما مخالفت می نمایند. آنها به نفع امریکایی ها و صهیونیست ها کار می کنند... معلمان مضامین دینی به ما کمک می کنند و به ما در جهت پیشبرد آرمان خلافت اسلامی و بیداری اسلامی یاری می رسانند، اما اکثر معلمان در مکتب ها مخالف آرمان ما هستند. امریکایی ها، اروپایی ها و صهیونیست ها معاش های این معلمان و به احتمال قوی مصارف مکتب ما را پرداخت می کنند... (۳۶)؛ فعال حزب التحریر، کابل.]

من معلمی را ندیده ام که شاگردان را در گروه های سیاسی شان جلب و جذب کنند یا ایده های سیاسی را به شاگردان تلقین کنند، اما من معلمانی را دیده ام که حامی انتشار و تبلیغ دین ما هستند (۱۷)؛ جمعیت اصلاح، کابل.]

ما شش معلم در لیسه خود داریم. معلمان ما گروهی تحت عنوان امیرالمومنین را ایجاد کرده اند. آن ها سعی می کنند تا ما را جهت راه اندازی جهاد، حمایت از طالبان و در کل اسلام متقاعد کنند که ما به آن ها بپیوندیم. این بدین معنی است که ما فعالیت های سیاسی خود را با کمک معلمان آغاز کرده ایم (۷۳)؛ فعال طالبان، ننگرهار.]

در مجموع، ۱۳ درصد از فعالان شاگرد که با آن ها مصاحبه شد، بیان داشتند که معلمان در تبلیغ سیاسی (به شمول جلب و جذب مصاحبه شوندگان) دخیل هستند، اگرچه تقریبا ۲۰ درصد از آن ها ابراز کردند که معلمان کوشش می کنند که افکار سیاسی را در اذهان شاگردان القا کنند (جدول ۸)؛ هم چنین نگاه کنید به نمودار ۲ و جدول ۱۰ در ضمیمه در رابطه با نتایج سروی). باور جمعی این بود که کنگوری های مشخصی از معلمان درگیری و دخالت بیشتری در تبلیغ سیاسی دارند. اگرچه اکثر مصاحبه شوندگان کنگوری های معینی از معلمان را که عمدتا در فعالیت های سیاسی دخیل بودند، مشخص نکردند، اما مالاهایی که مضامین دینی را تدریس می کنند، بعضا به عنوان عاملان اصلی تبلیغ سیاسی انگشت نما شدند، همان طور که بر علاوه نقل قول فوق از مصاحبه ۱۴، از نقل قول های ذیل برمی آید:

به نظر من، همه معلمان در این کار دخیل اند. این که چه مضمونی را تدریس می کنند، فرقی در وضعیت ایجاد نمی کند. اما اکثرا مالاهایی که مضامین دینی را تدریس می کنند، درگیر هستند، زیرا آن ها نمی خواهند هیچ قطعه یا جنبه بد و منفی ای را در مورد اسلام ببینند. بنابراین، می خواهند افکارشان رابه شاگردان تحمیل کنند (۱۳)؛ فعال جمعیت اسلامی، کابل.]

معلمان مطالعات اسلامی اکثرا در فعالیت های ما درگیر هستند و از آن حمایت می کنند. اما شمار انبوهی از معلمان اسلامی در لیسه های افغانستان داریم که از جمله اعضای ارشد جمعیت اصلاح به شمار می روند. در غیر این صورت، ما در فعالیت های خود موفق نمی بودیم (۴۸)؛ جمعیت اصلاح.]

۱۳ در رابطه با فعالیت های سیاسی استادان پوهنتون ها، نگاه کنید به کیسی جانسون، مطالعه ای که قرار است به زودی منتشر شود، واشنگتن: انستیتوت صلح ایالات متحده، ۲۰۱۵.

هم چنین نوسانات ساحوی یا منطقه بی عمده ای مشاهده شد (جدول ۹). دو موقعیتی که بیشترین تعداد مصاحبه شوندگان را به خود اختصاص داده بودند، مزار شریف (۱۶) و شهر کابل (۱۲) بودند. گرچه ۱۲٫۵ درصد از شاگردان مزار ادعا کردند که معلمان در جلب و جذب اعضا برای احزاب سیاسی درگیر هستند، اما هیچ یک از شاگردان کابل این ادعا را تایید نکردند. در رابطه با تلاش معلمان در جهت تلقین دیدگاه های سیاسی به شاگردان، به نظر می رسد که این کار بیشتر در مزار معمول است تا در کابل (۳۷٫۵ درصد در مقابل ۸٫۳ درصد).

جدول ۸: درگیری و دخالت معلمان در فعالیت های سیاسی در لیسه ها، بنا بر اظهارات فعالان شاگرد

تعداد	درصدی پاسخ مثبت	
۶	۱۳.۰	معلمان در جهت جلب و جذب شاگردان در گروه های سیاسی تلاش می کنند
۹	۱۹.۶	معلمان در جهت اثرگذاری بر دیدگاه های سیاسی شاگردان تلاش می کنند
۴۶		مجموع

جدول ۹: درگیری و دخالت معلمان در فعالیت های سیاسی در لیسه ها، بنا بر اظهارات فعالان شاگرد: شهر کابل در مقابل مزار شریف

کابل	مزار	
۰٪	۱۲.۵٪	معلمان در جهت جلب و جذب شاگردان در گروه های سیاسی تلاش می کنند
۸.۳٪	۳۷.۵٪	معلمان در جهت اثرگذاری بر دیدگاه های سیاسی شاگردان تلاش می کنند
۱۲	۱۶	تعداد

۴. باز تولید نظام سیاسی: فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام

احزاب سیاسی وابسته به نظام نیاز دارند تا نسل جدیدی از فعالان و اعضا را به منظور مشارکت در مبارزات آینده و گسترش یا تحکیم حضور ساحوی شان استخدام کنند. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مطالعه قبلی خود درباره فعالیت های سیاسی در میان محصلان پوهنتون ها دریافت که احزاب سیاسی وابسته به نظام در جذب محصلان به صفوف شان بسیار فعال و حتی مایل بودند که منابع عمده را به منظور نیل به این هدف اختصاص دهند.^{۱۴} پس چرا احزاب وابسته به نظام حتی تمایل دارند که شاگردان لیسه ها را به کار گمارند؟

ما در نمونه گیری خود دریافتیم که فعالانی که مورد سروی قرار گرفتند، بسیار به ندرت تغییر سازمان دادند یا عضویت در دیگر احزاب را مورد توجه قرار دادند. یک فعال جنبش از جمله استثناها بود که گفت قبلا در نظر داشت که به جمعیت بیوندد [۲۹، فعال جنبش، مزار شریف]. ثبات عضویت حزبی احتمالا مستلزم آن است که فعالان بزرگسال و رهبران حزب منتهای تلاش خود را انجام دهند که اعضای بالقوه را در نوجوانی شان و قبل از آن که حزب دیگری مورد توجه آن ها قرار گیرد، جلب و جذب کنند. هم چنین از یافته های این تحقیق چنین برمی آید که پدر و مادرها و شاگردان یا خود در احزاب سیاسی زاده شده اند یا این که خود حتی قبل از این که احزاب توجه آن ها را جلب کنند، سعی دارند تا به احزاب بپیوندند.

۴.۱ الگوهای عضوگیری

اکثریت قاطع فعالان شاگرد بیان کردند که همقطاران شان اکثرا علاقه یی به سیاست ندارند. شاگردانی که متعلق به خانواده های مستضعف و محروم هستند، معمولا به احزاب ملحق نمی شوند:

شاگردان مکتب ما فقیر و مسکین اند. اکثرشان از خانواده های بی بضاعت و محتاج هستند. کارگری می کنند و سعی دارند تا به کسب درآمد فامیل خود کمک کنند. به همین خاطر، آن ها نمی توانند به ما ملحق شوند. باور من این است که اگر شخصی مشکلات داشته باشد، سخت است که آن شخص درباره توسعه جامعه فکر کند [۱۸، فعال محاذ ملی، مزار شریف].

یکی از جنبه های تعیین کننده جلب و جذب در احزاب وابسته به نظام، این دیدگاه است که پیوستن به این احزاب می تواند راهی برای تأمین اشتغال در آینده باشد. برخی از مصاحبه شوندگان این نکته را به صراحت اظهار داشتند:

این اولین گام من برای پیوستن به یک حزب سیاسی است. در آینده، من سخت کوشش خواهم کرد که شخص مشهوری شوم تا بتوانم به عنوان کاندید در انتخابات پارلمانی شرکت کنم. این امید من است که نماینده مردم باشم. از طریق سیاست، من به نفع مردم کار خواهم کرد [۱۲، فعال حزب وحدت، کابل].

من واقعا می خواهم تا یک سیاستمدار مشهور و مهم در سیاست آینده افغانستان باشم. می دانم که به اهداف خود دست خواهم یافت. همواره علاقه زیادی به سیاست داشته ام و در آینده هم اینگونه خواهم بود. خدمت رسانی به جامعه و کشورم مایه خرسندی من است [۱۰، فعال روند سبز، کابل].

هدف شخصی ام این است که درباره اوضاع افغانستان آگاه و باخبر باشم. می خواهم بدانم که در کشورم چه اتفاق می افتد. من در جامعه احساس مسولیت می کنم. ما نسل بعدی هستیم. اگر شخصی بخواهد جزو حکومت باشد، بهتر است که کار را از قبل شروع کند. من علاقه مند سیاست بودم و بنابراین، تصمیم گرفتم تا حرفه سیاسی خود را با پیوستن به یک حزب سیاسی آغاز کنم [۱۹، فعال جنبش، مزار شریف].

سواى آرزوی آغاز کار سیاسی، برخوردارى از منافع بالقوه عضویت در یک شبکه حمایتی، ملاحظه دیگری در پیوستن به احزاب وابسته به نظام است. یک معلم گفت:

شاگردان می خواهند تا یک حامی سیاسی به منظور کسب فرصت ها و بورسیه های آموزشی و نیز یافتن شغل از طریق آن ها داشته باشند [۵۵، معلم، جلال آباد].

سایر معلمان بعضا فعالیت سیاسی شاگردان را انکار کردند، زیرا شغل یابی هدف اصلی این شاگردان است:

شاگردان عمدتا به منظور یافتن شغل یا مساعدسازی زمینه تحصیلات عالی شان به احزاب سیاسی ملحق می شوند [۶۴، معلم، غزنی].

اکثر جوانان به منظور کسب درآمد و دستیابی به اهداف شخصی مثل به دست آوردن بورسیه تحصیلی به احزاب سیاسی می پیوندند [۶۹، معلم، پکتیا].

آن ها معلمان را مجبور می کنند که به آن ها نمرات عالی بدهند. بعضا آن ها مشکلاتی را در مکتب ایجاد می کنند [۶۸، معلم، پکتیا].

۱۴ جیستازی، "قیمومیت و ترمذ".

جنبه تعیین کننده دیگر جلب و جذب در احزاب وابسته به نظام این است که این امر بسیار به ندرت نمایانگر شکاف نسلی است. در واقع، از جمله ۲۰ شاگرد، ۱۷ نفر از آن‌ها (۸۵ درصد) که به سوال مربوطه جواب دادند، گفتند که آن‌ها توسط فامیل‌های شان تشویق شدند که به سازمان‌های مشخصی ملحق شوند. اکثر ۲۸ فعال شاگرد (۷۸٫۶ درصد) تصدیق کردند که فامیل‌های شان دارای دیدگاه‌های سیاسی همسانی هستند. معمولاً این شاگردان دنباله‌رو پدرهای شان هستند [۴۵، معلم، کاپیسا] (جدول ۱۰). یک نقل قول معمول در این زمینه قرار ذیل است:

پدرم مرا تشویق کرد که این راه را در پیش بگیرم. او نیز عضو جنبش است او می‌داند که اگر من کار سیاسی خود را با جنبش ادامه دهم، در آینده موفق خواهم بود. وقتی خیلی جوان بودم، منظورم این است که وقتی صنف دهم بودم، پدرم به من گفت تا به این حزب بپیوندم. بنابراین، من فعالیت سیاسی ام را با این حزب شروع کردم [۱، فعال جنبش، مزار شریف].

جدول ۱۰: رابطه فعالان شاگرد با اعضای فامیل‌های شان

همه		غیرقانونی		قانونی، ضد نظام		قانونی، وابسته به نظام	
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی
۳۶	۷۸٫۳	۸	۶۶٫۷	۱۰	۱۰۰٫۰	۱۸	۷۵٫۰
۴۶		۱۲		۱۰		۲۴	

نتیجه این است که در برخی از مکتب‌های واقع در ساحاتی که احزاب وابسته به نظام حضور قوی‌تری در آن دارند، ممکن است کلیه شاگردان به یک حزب بپیوندند:

تعداد شاگردان صنف ما تقریباً ۵۰ نفر است و ۲۰ نفر از آن‌ها فعال جمعیت اسلامی هستند. ممکن است برخی از فعالان به حیث معلم در مکتب ما کار کنند. فکر می‌کنم، اما در مورد آن مطمئن نیستم [۱۴، فعال جمعیت، مزار شریف].

در صنفی که من هستم، تقریباً شش شاگرد برای جمعیت فعالیت می‌کنند. به طور دقیق نمی‌دانم که چند نفر در مکتب ما برای این حزب فعالیت می‌کنند. شش نفری که همصنفی من هستند، دوستان من هم هستند [۸، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

جلب و جذب افقی (جلب و جذب شاگردان توسط شاگردان) صورت می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد که دست کم تا جایی که به جلب و جذب اعضا در مکتب‌ها مربوط می‌شود، چنین امری در رابطه با احزاب وابسته به نظام به ندرت اتفاق بیفتد. مواردی از جلب و جذب افقی اطلاع داده شد:

من درباره سیاست فکر می‌کردم و همصنفی‌هایم توجه ام را به این حزب سیاسی جلب کردند. آن‌ها مرا به عضویت این گروه درآوردند. بر علاوه، من به مسایل سیاسی هم علاقه مند بودم و تا هنوز هم علاقه مند هستم [۱۴، فعال جمعیت، مزار شریف].

با این وجود، حتی در صورتی که جلب و جذب افقی صورت گیرد، به نظر می‌رسد که تشویق خانواده یا دست کم داشتن رابطه‌های قبلی عامل تعیین کننده باشد. بنابراین، بعضی از مصاحبه‌شوندگانی که توسط دوستان و همسالان جلب و جذب شده بودند، گفتند:

خوب، خانواده ام مرا تشویق کرد. آن‌ها می‌خواهند که من از طریق سیاست برای این کشور کار کنم. می‌دانم که آن‌ها در مورد آن چه برای من و برای کشورم خوب است، فکر می‌کنند. وقتی صنف یازده بودم، شخصی را می‌شناختم که برای حزب سیاسی محاذ ملی کار می‌کرد؛ او در صنف دیگری بود. من از او خواستم که اهداف این حزب را به من توضیح دهد. او برایم توضیح داد و من آن را برای آینده خیلی خوب یافتم. بنابراین، تصمیم گرفتم که به آن‌ها بپیوندم. سپس او مرا به قوماندان اختر محمد، نماینده این حزب معرفی کرد و من عضویت این حزب را به دست آوردم [۱۸، فعال محاذ ملی، مزار شریف].

من یک همصنفی به نام وسیع الله داشتم که برای این حزب سیاسی کار می‌کرد؛ او مرا به این گروه جذب کرد. او همه چیز راجع به این حزب را برایم توضیح داد. من اهداف این حزب سیاسی را برای نسل جدید افغانستان بسیار مفید و سودمند یافتم. بنابراین، تصمیم گرفتم که به آن‌ها ملحق شوم. بر علاوه، من به سیاست علاقه دارم و می‌خواهم که از این طریق به کشورم خدمت کنم. من همواره از کار برای حزب جنرال دوستم خوشم می‌آمده است و دوست داشتم که روزی عضو این حزب باشم [۹، فعال جنبش، مزار شریف].

در بیرون از مکتب‌ها، احزاب وابسته به نظام به طور فزاینده‌تری بر مراکز آموزشی به حیث راهی برای برقراری رابطه با جوانان و ایجاد فرصت‌های جلب و جذب آن‌ها اتکا کرده‌اند. احتمالاً جنبش اولین حزبی بود که به طور قابل توجه‌ای بر مراکز آموزشی در کنار لیسه‌ها برای عضوگیری اتکا کرد [۱، ۲۰]. برخی از مصاحبه‌شوندگان اذعان کردند که از طریق مراکز آموزشی جلب و جذب شده‌اند:

حزب جنبش ملی اسلامی برنامه های آموزشی خوبی را برای جوانان فراهم آورده است. این برنامه ها علاقه مرا به این حزب جلب کرد و تصمیم گرفتم که به جوانان افغانستان از طریق این حزب خدمت کنم. من در دوره های آموزشی کوتاه مدت آن ها اشتراک کرده ام/۵/.

حتی در صورتی که این دوره های آموزشی به صورت مستقیم با عضوگیری مربوط نبوده، این امر نشانگر تعهد جنبش نسبت به آموزش به حیث مسیر رسیدن به یک افغانستان مدرن است:

هدف اصلی این حزب این است که سطح آموزش در میان جوانان ارتقا یابد. در واقع، نه تنها آموزش، بلکه توسعه و ترقی جوانان در همه عرصه ها. این امر برای نسل جوان افغانستان امیدوارکننده است و تسهیلاتی را در اختیار آن ها قرار می دهد. این هدف واقعا توجه مرا به خودش جلب کرده است [۱۹، فعال جنبش، مزار شریف].

به نظر می رسد که سایر احزاب نیز این الگو را موفقیت آمیز تلقی کرده اند و سعی در تقلید از آن دارند:

حزب ما عمدتا تلاش هایش را از طریق یافتن راهی برای بهبود آموزش در جامعه نشان می دهد. ارایه دوره های آموزشی، بخشی از برنامه های حزب است. ما از شاگردان برای اشتراک در دوره های آموزشی دعوت می کنیم. آن ها بعد از اشتراک در دوره های آموزشی ما درمی یابند که ما برای خیر و منفعت این کشور کار می کنیم. سپس ممکن است آن ها به ما بپیوندند [۱۸، فعال محاذ ملی، مزار شریف].

هدف اصلی ما این است که نسل جوان را برای آموزش تشویق کنیم. ما هم چنین کارزارهایی را در قریه ها درباره کانکور به راه می اندازیم و دلیلش این است که جوانان ساکن در قریه ها در این باره اطلاع زیادی ندارند. ما هم چنین بعضی از دوره های آموزشی را برای جوانان ارایه می دهیم. این فعالیت ها توسط حزب سازماندهی می شود [۱۱، فعال جمعیت، کابل].

آن چه در این قسمت بحث شد، نشان می دهد که احزاب وابسته به نظام عمدتا مورد علاقه و توجه طبقه متوسط مسلکی و مشتاق قرار دارند؛ منظور از طبقه متوسط مسلکی و مشتاق، خانواده هایی است که آموزش را ابزار ترقی اجتماعی می دانند و هم چنین آگاه اند که آموزش به خودی خود راه پیشرفت در جامعه مملو از زد و بند در افغانستان نیست. بلندپروازی ها و آرزوی های حداقلی این شاگردان این است که در اداره های دولتی صاحب کار و شغل شوند و در بهترین صورت، از سلسله مراتب اجتماعی از طریق عضویت حزبی بالا بروند. یک فعال معمول عضو یک حزب وابسته به نظام می خواهد که به آموزش خود ادامه دهد، به پوهنتون راه یابد و به صورت ایده آل در خارج از کشور تحصیل کند. این شخص آشکارا منتقد نظام آموزشی افغانستان نیست (زیرا چنین کاری می تواند مشروعیت تلاش هایش را از بین ببرد)، ادعای خوشبینی درباره آینده مملکت دارد و از وضعیت موجود در کشور حمایت می کند (جدول ۱۱). اغلب این شاگردان اعضای "میراثی" حزب اند، زیرا بزرگسالان فامیل های شان از گذشته عضویت حزب را داشته اند.

جدول ۱۱: دیدگاه ها و انتظارات فعالان شاگرد درباره آموزش

قانونی، وابسته به نظام	قانونی، ضد نظام		غیرقانونی		همه			
	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی		
۱۵	۶۲.۵	۴	۴۰.۰	۰	۰	۱۹	۴۱.۳	راضی از نظام آموزشی افغانستان
۲۱	۸۷.۵	۷	۷۰.۰	۸	۶۶.۷	۳۶	۷۸.۳	خوشبینی در مورد آینده
۱۹	۷۹.۲	۸	۸۰.۰	۸	۶۶.۷	۳۵	۷۶.۱	داشتن قصد تحصیل در خارج از کشور
۲۴	۱۰۰.۰	۹	۹۰.۰	۹	۷۵.۰	۴۲	۹۱.۳	تمایل برای رفتن به پوهنتون
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶		مجموع

۴.۲ اهداف

تقاضا از فعالان شاگرد برای اظهار نظر صریح در مورد اهداف احزاب شان بیش از آن چه انتظار می رفت، سخت و دشوار بود. بیشترین عبارات مبهمی چون رفاه افغانستان به کار می رفت. بر علاوه خجالت و کمرویی، فرض بر این بود که بسیاری از این فعالان به صورت سطحی در حزب دخیل بودند و به درستی برنامه ها و دیدگاه های حزب را درون سازی نکرده بودند؛ به نظر می رسد که این امر موید این ایده است که پیوستن به احزاب وابسته به نظام اغلبا یک انتخاب پراگماتیک و عمل گرایانه است که هدف از آن، کسب حمایت از تحصیل و زندگی آینده شاگردان است.

در هنگام پاسخ دهی، چنین به نظر می آمد که استدلال فعالان احزاب سکولار در مورد چرایی حمایت شان از وضعیت جاری در افغانستان، آسان تر و سهل تر بود. یک فعال جنبش اظهار داشت:

در واقع، مردم در گذشته به آموزش و توسعه جامعه علاقه بی نداشتند. اکنون می دانم که تغییرات عمده بی در اذهان آن ها به میان آمده است. آن ها نیز می خواهند که بخشی از آبادی و ترقی [افغانستان] باشند. در واقع، بعضی از کشورهای خارجی مروج نژادپرستی در میان مردم افغانستان بودند. مردم خیلی نژادپرست بودند. اما حالا آن ها تحصیل کرده شده اند و نژادپرستی مثل گذشته در جامعه وجود ندارد [۱]، فعال جنبش، مزار شریف].

قابل ذکر است که سهم جنبش در غنایم پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با احزاب اسلامی بی چون جمعیت اسلامی، ناچیز بوده است. با این وجود، در میان احزاب وابسته به نظام، فعالان جنبش در مجموع به بارزترین شکل از وضعیت جاری در کشور حمایت کرده اند. مصاحبه شونده معمولی جنبش یک از یک از شمال غرب افغانستان است و به خوبی آگاهی دارد که این بخش از کشور به طور عمده بی از نظام پس از سال ۲۰۰۱ بهره مند و مستفید شده، اگرچه خود حزب جنبش منافع اندکی را از طریق نظام سیاسی متمرکز بر کابل به دست آورده است.

فعالان وابسته به احزاب اسلام گرای وابسته به نظام تلاش بیشتری را از خود در جهت تشریح مفصل اهداف احزاب شان به خصوص در رابطه به وضعیت جاری در کشور نشان دادند؛ رهبران این احزاب منافع قابل ملاحظه را از وضعیت جاری به دست آورده اند، اگرچه نظام پس از سال ۲۰۰۱ فاصله زیادی از آرمان حکومت اسلامی این احزاب داشته است. برای مثال، دیدگاه هایی که اعضای جمعیت اسلامی اظهار کردند، در بین عبارت مبهم تعهد در قبال رفاه افغانستان و تاسیس دولت اسلامی در افغانستان در نوسان بود [۳۹]، فعال جمعیت اسلامی؛ ۱۴، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف]. مفصل ترین تشریح اهداف جمعیت اسلامی قرار ذیل بود:

توسعه و ترقی افغانستان تحت صلاحیت جمهوری اسلامی افغانستان. اجرای شریعت اسلامی و محو فساد اداری و نیز توسعه بخش آموزشی [۲۲]، فعال جمعیت اسلامی، لوگر].

مصاحبه شوندهگان نیاز تشریح کیفی منظورشان از "دولت اسلامی" را احساس کردند: "هدف ما یک نظام اسلامی است که از نظام اسلامی طالبان بسیار متفاوت است" [۳۱]، جمعیت اسلامی، بغلان؛ این حکومت اسلامی خواهان روابط حسنه با سایر کشورهای جهان است [۳۵]، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف]. این تشریحات کیفی بسیار جالب است، زیرا نحوه تلاش و ادعای احزاب اسلام گرای وابسته به نظام را در مورد تشکیل یک نظام اسلامی به حیث هدف اصلی این احزاب خاطر نشان می سازد و بنابراین، این احزاب را از گروه های افراطی و تندرو تفکیک می کند. هم چنین احزاب اسلام گرای وابسته به نظام مجبوراند توضیح دهند که چرا باوجود سهمیم بودن در حکومت از سال ۲۰۰۱ به این سو، نتوانسته اند به پیشرفت مهمی در اسلامی سازی نظام دست یابند؛ خلاف آن، لیبرالیزه و آزاد ساختن نظام سیاسی زیر نظر و ریاست آن ها صورت گرفته است. نکته بی که مخصوصا برای این احزاب درد سرساز است، این است که آن ها از مداخله غرب در افغانستان حمایت کرده اند (به معلومات آتی نگاه کنید).

۴.۳ فعالیت ها

بر اساس اظهارات ۹۲٫۳ درصد از معلمان مصاحبه شده، اکثر فعالیت شاگردان که معلمان آن را مشاهده می کنند، مشاخره های سازمان نیافته و ظاهراً خودجوش است. یکی از معلمان گفت:

بله، من شاهد فعالیت های سیاسی غیرمنظم در میان شاگردان بوده ام و این امر در لیسه های افغانستان طبیعی است. شاگردان درگیر فعالیت های سیاسی در صنف های درسی می شوند. برای مثال، آن ها درباره مسایل سیاسی مختلف در کشور جنجال می کنند [۴۱]، معلم، تگاب؛ همچنین ۴۲، معلم، پروان].

"مشاخره ها" معمول ترین فعالیت سیاسی در مکتب ها بود که هم شاگردان و هم معلمان آن را اطلاع دادند (جدول ۶ و جدول های ۱۱ و ۱۲ در ضمیمه).

قسما دلیل این امر این است که مشاهده کنندگان خارجی تنها سطحی ترین علایم فعالیت سیاسی در لیسه ها را می بینند. با این وجود، هم چنین به نظر می رسد که برخی از احزاب وابسته به نظام مطالبه های زیادی از شاگردان عضو ندارند و دلیل آن شاید سن و سال کم این اعضا باشد:

شخصا خوش دارم با مردم درباره مسایل سیاسی بحث کنم. من وظیفه مشخصی ندارم که آن را انجام دهم؛ همین که ما به حزب پیوستیم، برای حزب ما کافی است. بعد از فراغت از مکتب، ما می توانیم در فعالیت های سیاسی بیشتری اشتراک کنیم. فعلا تمام شاگردان مکتب فقط عضویت حزب را قبول می کنند، اما بعد از فراغت و رفتن به پوهنتون، ما فعالیت های خود را آغاز خواهیم کرد [۸]، فعال جمعیت، مزار شریف].

با این حال، این امر در رابطه که تمام احزاب جزو نظام صدق نمی کند. به نظر می رسد که حتی بعضی از احزاب قانونی دارای ساختار همرمی شکل قوی بی هستند که از انظار عامه پنهان است و این احزاب دارای سیاست ها و اهداف مخفی هستند:

خوب، ممکن است مهم ترین اهداف مخفی باشد و تاکنون فاش نشده باشد. با این وجود، تا جایی که من می دانم، حزب به ما دستور داده که شاگردان را تشویق کنیم تا به حزب ملحق شوند. این نشان می دهد که حزب ما می خواهد که نسل جدید درگیر سیاست شود. بنابراین، ما سخت کوشش داریم که شاگردان را جذب کنیم [۱۵]، فعال حزب وحدت، کابل].

من نمی توانم تمام اهداف را فاش کنم و شاید هم تمامش را ندانم، اما می دانم که این حزب ما را تشویق می کند که در سیاست سهم بگیریم. بعضی از برنامه های آموزشی را اجرا می کنند. حزب وحدت از شاگردان می خواهد که از مسایل سیاسی آگاه باشند، زیرا فردا ما با این مسایل رو به رو خواهیم شد و باید بتوانیم با آن ها کنار بیاییم. ما باید بدانیم که در سیاست افغانستان چه می گذرد. به نظر من، ما نه تنها باید در رابطه با اوضاع کنونی باخبر باشیم، بلکه باید کتاب های تاریخی را هم مطالعه کنیم که درباره اوضاع گذشته در افغانستان نیز آگاه شویم و قادر باشیم که دشمنان گذشته و جدید خود را بشناسیم [۱۲]، فعال حزب وحدت، کابل].

اکثر اوقات این بستگی به وضعیت افغانستان دارد: ما از دفتر مرکزی هدایت می گیریم. آن ها به ما می گویند که چه کاری را باید انجام دهیم. من خودم همیشه به دوستانم مشوره می دهم که از سیاست آگاه باشند و در رابطه با وضعیت کشور باخبر باشند، زیرا این برای ما بسیار مهم است. ما باید در این مورد آگاه باشیم، زیرا ما نسل بعدی هستیم. ما کسانی هستیم که باید وضعیت را در آینده کنترل کنیم. من اکثراً مشغول جلب و جذب اعضا برای حزب هستم [ع] حزب وحدت].

۴.۴ دیدگاه های سیاسی

حضور غربی ها و غربی شدن

فعالان وابسته به احزاب سکولار وابسته به نظام به حضور غربی ها و آنچه مخالفان مسلح آن را "غربی شدن" می خوانند، به طور بسیار مثبتی نگاه می کنند (جدول ۱۲):

ما به کمک جامعه بین المللی و ایالات متحده نیاز داریم، مگر این که حکومت افغانستان روی پای خود ایستاد شود [۲۸]، فعال جنبش، بلخ].

با این حال، شک و تردیدهایی در میان فعالان جوان سکولار در مورد برخی از عواقب اتکای بیش از حد بر حضور و حمایت غربی ها وجود دارد:

فکر می کنم بهتر است روی پای خود ایستاد شویم. منظورم این است که نباید بی کار بنشینیم و به غربی ها متکی باشیم. ما باید سخت کار کنیم. امیدوارم که شاهد این باشیم که نیروهای افغان مسولیت امنیت را طوری به عهده گیرند که نیازی به قوای خارجی نباشد. همان طور که همه می دانند، آن ها به خاطر اهداف خود این جا هستند. می دانم که به مجردی که اهداف خود را برآورده کنند، این جا را ترک می کنند. بنابراین، ما نیاز داریم که آمادگی مواجه با این وضعیت را داشته باشیم [۱]، فعال جنبش، مزار شریف].

جدول ۱۲: ارزیابی فعالان شاگرد در مورد نفوذ کشورهای خارجی

قانونی، وابسته به نظام		قانونی، ضد نظام		غیرقانونی		همه		
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	
۲۰	۸۳.۳	۵	۵۰.۰	۰	۰.۰	۲۵	۵۴.۳	نفوذ مثبت غرب
۰	۰.۰	۱	۱۰.۰	۳	۲۵.۰	۴	۸.۷	نفوذ مثبت پاکستان
۱	۴.۲	۱	۱۰.۰	۳	۲۵.۰	۵	۱۰.۹	نفوذ مثبت ایران
۰	۰.۰	۳	۳۰.۰	۴	۳۳.۳	۷	۱۵.۲	نفوذ مثبت عربستان سعودی
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶		مجموع

فعالان وابسته به گروه های اسلامی وابسته به نظام اغلب این دیدگاه را اظهار کردند که آن ها حامی غربی شدن مورد ادعای مخالفان مسلح نیستند، بلکه می خواهند اسلامی واقعی را که مخالف تعبیر طالبان از اسلام است، احیا کنند و تصویر مثبتی را از اسلام در غرب ترویج کنند. اسلام گراهای وابسته به نظام باید موازنه حساسی را برقرار کنند که طی آن، آن ها به صراحت غربی شدن را رد کنند و در عین زمان، از حضور نظامی و حمایت مالی غرب دفاع کنند:

باور ما این است که اسلام هیچ کاری با غرب ندارد، بلکه غربی شدن بعضاً مداخلاتی را در دین ما به عمل می آورد... البته که ما بحث هایی راجع به حضور قوای خارجی در افغانستان داریم. به نظر من، حضور آن ها برای قوای امنیتی و اقتصاد ما سودمند است. مردم بسیار زیاد از عقب نشینی آن ها نگران بودند، اما وقتی که موافقتنامه امنیتی امضا شد، راضی شدند [۳]، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

نظر من درباره مداخله سایر کشورها این است که آن‌ها نمی‌خواهند کشور ما بهبود یابد. آن‌ها در گذشته ناکام ماندند و نتوانستند اذهان مردم را معشوش سازند. اکنون آن‌ها می‌خواهند که عینا همین کار را انجام دهند. در قدم اول، آن‌ها می‌خواهند دین ما را از بین ببرند و بعداً می‌خواهند زمینه نفاق و خصومت را در کشور ما به میان آورند. با این وجود، آن‌ها قادر به انجام این کارها نخواهند بود، زیرا نسل جدید از این وضعیت آگاهی دارد... اگر خارجی‌ها این‌جا باقی بمانند، آن‌ها قادر خواهند بود تا فکر و دین ما را تغییر دهند. در قدم دوم، ما می‌دانیم که اگر خارجی‌ها این‌جا را ترک کنند، ما دچار مشکلاتی خواهیم شد. همان‌طور که می‌دانیم، طالبان و سایر شورشیان در افغانستان فعال اند... [۱۳]، فعال جمعیت، کابل.]

این فقط فعالان وابسته به جمعیت اسلامی نیستند که با این معمای ایدیولوژیک مواجه اند. شاخه قانونی حزب اسلامی نیز باید به همین مسایل رسیدگی کند و این مسایل برای این حزب از آن‌جا پیچیده تر است که یک شاخه از این حزب در مورد حضور غربی‌ها در کشور اعلام جهاد کرده است. مثل فعالان جمعیت اسلامی، فعالان حزب اسلامی اهداف اصلاح طلبانه مشابهی را مطرح می‌کنند، حال آن‌که آن‌ها به شاخه غیرقانونی این حزب وابستگی دارند که تا هنوز درگیر شورشگری مسلحانه علیه نظام است:

جامعه ما یک جامعه اسلامی است، اما متأسفانه بعضی‌ها در مورد اسلام واقعی آگاهی ندارند. امیدوارم آن‌ها بتوانند در مورد فرهنگ پرپر اسلام آگاهی حقیقی کسب کنند و مسیرشان را تغییر دهند [۳۰]، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، بغلان.]

توصیف فعالان این شاخه از حزب اسلامی درباره نقش شان در شورشگری این است که آن‌ها دارای اهداف بسیار محدودی هستند:

من مخالف هیچ یک از این احزاب سیاسی نیستم، اما جنگ علیه حکومت در این مقطع از زمان درست نیست. امیر ما [گلبدین حکمتیار] علیه قوای خارجی اعلام جهاد کرده است، نه علیه حکومت افغانستان [۳۰]، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، بغلان.]

تفاوت میان اعضای شاخه‌های قانونی و غیرقانونی حزب اسلامی این است که اعضای شاخه قانونی می‌خواهند که اهداف خود ("ما خواهان برقراری نظام مبتنی بر اسلام و قرآن کریم هستیم") را با نیاز به برخورداری از حمایت ناشی از حضور غربی‌ها در کشور سازگار سازند:

حضور غربی‌ها تأثیرات مثبت و منفی بی‌را بر کشور ما دارد. از آن‌جا که ما نیازمند حمایت مالی و نظامی آن‌ها هستیم، ما باید از آن‌ها حمایت کنیم [۲۷]، فعال حزب اسلامی (شاخه قانونی)، بلخ.]

مصاحبه شونده با چنین پاسخی نشان می‌دهد که او هنوز هم حکمتیار را به حیث رهبر خود می‌شناسد، با وجود این واقعیت که رهبر این حزب متعهد به شورشگری است و شاخه قانونی این حزب را به رسمیت نمی‌شناسد. به نظر می‌رسد که این فعال با نقل قول از حکمتیار می‌خواهد بیان کند که جهاد علیه قوای نظامی غربی مشروع است، حال آن‌که جنگ علیه نیروهای حکومت افغانستان مشروعیت ندارد. با این حال، اعضای شاخه قانونی حزب بخشی از کابینه را در جریان سال‌های حضور سنگین نظامی غرب در افغانستان تشکیل می‌دادند. این تناقضات حل نشده توضیح می‌دهد که چرا گروه‌های افراطی جدید می‌توانند در عرصه سیاسی بی‌بتازند که گروه‌های اسلام‌گرا و بنیادگرا قبلاً بر آن تسلط و چیرگی دارند (به قسمت ۶ در ذیل نگاه کنید).

حقوق زنان

فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام یا در رابطه به مسئله حقوق زنان ابراز نظر نکردند یا حمایت شان را از گسترش حقوق زنان اظهار کردند (۲۸ درصد از مصاحبه شوندگان)، اگرچه آن‌ها اکثر اظهارات مبهمی نظیر مثال‌های ذیل را ارائه دادند:

البته که ما درباره حقوق زنان بحث و مشاجره می‌کنیم. شخصاً من در این مورد حساس هستم. امروز حقوق زنان اغلب تلف می‌شود. ما می‌خواهیم حقوق آن‌ها برابر با حقوق مردان باشد. آن‌ها هم انسان هستند. ما در این رابطه برنامه‌هایی داریم [۹]، فعال جنبش، مزار شریف.]

ما همواره موضوع حقوق زنان را مطرح می‌کنیم. ما نمی‌خواهیم حقوق زنان ضایع شود. زنان افغانستان متحمل درد و رنج‌های بسیاری شده‌اند و ما باید جلوی آنانی را که علیه زنان خشونت می‌کنند، بگیریم [۱۹]، فعال جنبش، مزار شریف.]

بله، ما در رابطه با حقوق زنان نیز بحث و مشاجره می‌کنیم. این بسیار مهم است، زیرا حقوق زنان در سراسر افغانستان تلف شده است. آن‌ها از حقوق خود محرومند. امیدوارم شاهد آن باشیم تا حقوق آن‌ها برابر با حقوق مردان باشد [۱۸]، فعال محاذ ملی، مزار شریف.]

ما درباره حقوق زنان نیز بحث و مشاجره می‌کنیم. همان‌طور که می‌دانیم، از حقوق زنان تخطی می‌شود... [۱۶]، فعال جمعیت اسلامی، کابل.]

ما بعضی اوقات در مورد حقوق زنان نیز صحبت می کنیم. ما باید این حقوق را زیاد مد نظر داشته باشیم، زیرا امروزه از حقوق زنان در جامعه افغانستان چشم پوشی و غفلت می شود. ما نمی خواهیم این وضعیت در آینده ادامه داشته باشد. حقوق زنان باید برابر با حقوق مردان باشد [۱۵]، فعال وحدت، کابل/.

امروزه زنان فقیرترین قشر جامعه افغانستان را تشکیل می دهند. آن ها دارای حقوق نیستند. حکومت ما باید اقداماتی را در این زمینه روی دست گیرد. همان طور که شما می دانید، تعداد قضایای تجاوز جنسی روز به روز در حال افزایش است. ما این موضوع را هم مورد بحث قرار می دهیم، زیرا می خواهیم حکومت حقوق زنان را درک کند و به آن توجه کند [۱۲]، فعال وحدت، کابل/.

دانستن این که این فعالان (همه مرد) فقط می خواستند که از لحاظ سیاسی اظهار نظر درست کنند یا واقعا منظورشان همین است، دشوار است؛ با این حال، جنبش و وحدت^{۱۵} سابقه بی در حمایت از قانونگذاری به طرفداری از زنان دارد. تنها یک فعال پذیرفت که نتیجه و تاثیر این "نگرانی ها" بسیار اندک و ناچیز بوده است:

امروز زنان افغانستان درگیر مشکلات هستند، زیرا هیچ کس توجهی به حقوق آن ها ندارد. ما بعضی وقت ها در مورد این مسله بحث می کنیم که راه حلی را پیدا کنیم. واقعیت این است که ما قادر نیستیم که همه مردم را در مورد حقوق زنان آگاه سازیم، اما البته که منتهای تلاش خود را انجام می دهیم که مردم حقوق آن ها را درک کنند [۱]، فعال جنبش، مزار شریف/.

نگرش ها در باره شورشیان

تمام احزاب وابسته به نظام شدیداً مخالف و منتقد شورشگری مسلحانه هستند. اگرچه فعالان جمعیت اسلامی به خصومت علیه گروه های مخالف مسلح گرایش دارند، اما دست کم یک فعال مصالحه با گروه های مخالف را به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت و کامیابی دولت شناسایی کرد:

اگر دولت با مخالفان مصالحه و فساد اداری را محو کند، آینده دولت روشن خواهد بود. اگر چنین کاری نکند، دولت خوبی نخواهد بود [۲۲]، فعال جمعیت اسلامی، لوگر/.

نقش ملاها

آن چه موجب تناقض است، این است که فعالان وابسته به احزاب سکولار کم ترین تمایل را در انتقاد علنی از ملاها داشتند:

ملاها تا هنوز به خصوص در ساحات دورافتاده نفوذ دارند. آن ها در مورد اسلام مطلع هستند. اگر طالبان خود را ملا بخوانند، این به صورت کل غلط است. آن ها آبروی اسلام را برده اند [۱]، فعال جنبش، مزار شریف/.

ملاها یا علمای دین مخصوصاً آنانی که تفکر مثبتی درباره توسعه و تکنالوژی دارند، واقعا به خاطر خیر و منفعت این مملکت کار می کنند. آن ها تاثیر و نفوذ خوبی در این عرصه دارند. با این وجود، طالبان تلاش دارند که اسلام را بدنام سازند و علمای دین هم در این راستا تلاش دارند، اما آن ها نمی توانند این کار را انجام دهند. ما همواره به ملاها احترام داریم. آن ها رهبر و پیشوای دینی ما هستند. ما از آن ها پیروی می کنیم [۵]، فعال جنبش، مزار شریف/.

واضح به نظر می رسد که رهبران سیاسی به فعالان خود دستور داده اند که محتاطانه در مورد ملاها صحبت کنند—آن ها می دانند که سکولارها نسبتاً در افغانستان منزوی هستند و تحت محاصره جمع انبوهی از اسلام گراها و بنیادگراها قرار دارند. بر خلاف، انتقاد علنی از ملاها اغلباً از میان احزاب اسلام گرای مختلف در جریان مصاحبه ها شنیده شد:

اکثر ملاهای افغانستان، بی سواد و غافل اند. هیچ اطلاعی از سیاست ندارند. آن ها باید از وضعیت باخبر باشند. در ساحات دوردست، طالبان خرج ملاها را می دهند و این ملاها نسل جوان را تشویق می کنند که به طالبان ملحق شوند. البته که ملاهای روشن و آگاه هم وجود دارند. نفوذ کنونی این ملاها معمولی است. نه خیلی زیاد و نه خیلی کم [۳]، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف/.

فکر می کنم که نقش ملاها در وضعیت جاری افغانستان خوب نیست، زیرا آن ها می خواهند افکارشان را بر مردم تحمیل کنند. همان طور که می دانیم، جایگاه ملاها در میان مردم در ولایات غربی و شرقی افغانستان بهتر از جایگاه رئیس جمهور یا والی است. چون ملاها معلومات و تحصیلات ندارند، می خواهند افغانستان را به قهقرا ببرند [۱۳]، فعال جمعیت اسلامی، کابل/.

۱۵ حزب وحدت که در سال ۱۹۸۸ با ترکیب هشت حزب شیعه مذهب طرفدار اندیشه خمینی تشکیل شد، یکی از بازیگران مهم جنگ های داخلی دهه ۱۹۹۰ میلادی و یکی از اشترک کنندگان اصلی تهاجم سال ۲۰۰۱ به منظور ساقط کردن رژیم طالبان بوده است. این حزب به نظام برخاسته از توافقنامه بن پیوست و برخی از اعضای آن تقریباً در همه کابینه های پس از سال ۲۰۰۱ حضور داشته اند. این حزب در طی سالیان دستخوش انشعاب شده است، اما الی اواخر سال ۲۰۱۴، شاخه اصلی این حزب تحت رهبری محمد محقق بوده که در سال ۲۰۱۴ هم پیمان داکتر عبدالله بود و پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، معاون او شد.

خوب، ملاها نفوذ کمی در جامعه دارند. آن‌ها نقش بزرگی را در اجتماع ایفا نمی‌کنند. فقط می‌خواهند افکارشان را بر مردم تحمیل کنند و این کار موثر نیست. مردم تحصیلکرده توجه‌ای به ملاها ندارند. نباید فراموش کنیم که بعضی از ملاها نفوذ زیادی در قریه‌های دورافتاده دارند [۱۱]، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

در واقع، تنها یکی از فعالان جمعیت اسلامی از نقش ملاها در جامعه دفاع کرد:

ملاها معلمان واقعی ما هستند. ما به آن‌ها احترام داریم، چون آن‌ها بیشتر از ما درباره اسلام آگاهی دارند. ما باید از آن‌ها پیروی کنیم، اما ما باید مطمئن باشیم که آن‌ها حامی طالبان نیستند، به خاطری که برخی از ملاها در ساحات دورافتاده برای طالبان کار می‌کنند و مردم را تشویق می‌کنند که علیه دولت موضع‌گیری کنند [۱۴]، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

اسلام‌گراها گرایش دارند که ملاهای مدرن را که تحصیلات بهتری دارند و در معرض علوم و تکنالوژی قرار گرفته‌اند، از ملاها دهاتی که تحصیلات اندکی دارند، تفکیک کنند. این که ممکن است احزاب اسلام‌گرای سنی مذهب به نوعی از مخالفت با ملاها متمایل باشند، زیاد تعجب‌آور نیست. در واقع، اسلام‌گراهای پیرو سنت اخوان المسلمین خود را به شکلی از اشکال مدرنیست یا تجددگرا می‌پندارند:

به نظر من، افغانستان شاهد بروز یک فرهنگ متفاوت در جامعه است. در گذشته، ما فرهنگ کهن خود را داشتیم، اما این فرهنگ اکنون تغییر کرده است. سنت‌هایی که برای مردم مدرن، علاقه برانگیز نباشد، تغییر خواهد کرد [۱۳]، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

کادرهای تحصیلکرده احزاب اسلام‌گرا با ملاها بر سر نفوذ در میان مردم و مشروعیت اسلامی در حال رقابت می‌استند. این موضوع در رابطه به گروه شیعه مذهبی چون حزب وحدت صدق می‌کند که عملاً از جانب روحانیون (نظیر محقق) رهبری می‌شود:

ملاها دیگر نقش مهمی را در کابل ایفا نمی‌کنند. مردم حالا تحصیل کرده‌اند و می‌توانند از شعور خود کار بگیرند. ملاها به حیث رهبران ساحات دورافتاده عمل می‌کنند. در قریه‌ها، مردم همان کاری را که ملاها بگویند، انجام می‌دهند. آن‌ها فکر می‌کنند که ملاها همه چیز را می‌دانند. اما شما می‌دانید که ملاها به پایین‌ترین اقشار جامعه تعلق دارند. امروزه ملاها در فعالیت‌های سیاسی نیز سهم می‌شوند و از همین خاطر است که من به آن‌ها اعتماد ندارم و سایر مردم نیز به آن‌ها اعتماد ندارند [۱۵]، فعال وحدت، کابل].

بله، این بستگی به منطق ما دارد. مردمی که از شعور خود کار نمی‌گیرند، همان کاری را می‌کنند که ملاها بگویند. در مجموع، ملاها نقش‌شان را به خصوص در ساحات مرکزی از دست داده‌اند. حالا نفوذ زیادی ندارند. ملاها نقش مهمی را در جامعه در جریان حکومت طالبان ایفا می‌کردند [۱۲]، فعال وحدت، کابل].

ملاها در جامعه نقش دارند، اما نقش مهمی را در مراکز چون ولایت کابل ایفا نمی‌کنند. آن‌ها فقط در قریه‌های دوردست نقش دارند، زیرا مردم بی‌سواد ملاها را رهبر خود قرار می‌دهند. آن‌ها همان کاری را می‌کنند که ملاها بگویند و ملاها افکارشان را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند. خلاصه این که ملاها نفوذ زیادی در ساحات دورافتاده دارند و نفوذ زیادی در ساحات مرکزی ندارند [۱۶]، فعال وحدت، کابل].

از میان ۴۶ فعال شاگردی که با آنها مصاحبه شد، ۲۸٫۳ درصد از آن‌ها از ملاها انتقاد کردند. با این وجود، این درصدی در میان فعالان وابسته به گروه‌های غیرقانونی (اسلام‌گراها یا بنیادگرای افراطی) ۸٫۳ درصد و در میان فعالان وابسته به گروه‌های قانونی مخالف نظام ۴۰ درصد بود (عمدتاً فعالان وابسته به روند سبز، دیدگاه‌های منتقدانه‌ای را اظهار کردند) (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: دیدگاه‌های فعالان شاگرد درباره شورشیان و ملاها

قانونی، وابسته به نظام		قانونی، ضد نظام		غیرقانونی		همه		
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	
۲۲	۹۱٫۷	۶	۶۰٫۰	۱	۸٫۳	۲۹	۶۳٫۰	مخالف شورشیان
۹	۳۷٫۵	۴	۴۰٫۰	۱	۸٫۳	۱۳	۲۸٫۳	منتقد ملاها
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶		مجموع

انتقاد از دوره کزری

اگرچه کم تر از ۴۰ درصد از فعالان شاگردی که با آن ها مصاحبه شد، دیدگاه های مثبتی را درباره حکومت کزری اظهار کردند، اما این درصدی با حذف فعالان گروه های غیرقانونی از سروی به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت (جدول ۱۴). یک انتقاد معمول از حکومت کزری، گستردگی فساد اداری بود که تقریباً همه شاگردان در این رابطه اتفاق نظر داشتند. گرچه برخی از مصاحبه شوندهگان شخص کزری را در این مورد ملامت کردند، اما سایرین از او انتقاد کردند که افراد غیرصادق را در اطراف خود جمع کرده بود:

من در زمان کزری از حکومت افغانستان خیلی راضی نبودم. همان طور که قبلاً ذکر کردم، او کار را به اهل کار نمی سپرد. مقامات حکومتی درگیر ارتشا و سایر اشکال فساد اداری بودند. آن ها قوم و خویش خود را در مقام ها جابه جا می کردند و هیچ یک از آن ها تحصیلم کرده و مسلکی نبودند [۹، فعال جنبش، مزار شریف].

او مرد خوبی بود، اما کنترل کابینه خود را در دست نداشت. افراد و مقامات خودش باعث شدند که او ناکام شود. او نتوانست انتظارات مردم را برآورده کند. او ۱۳ سال ریاست جمهوری کرد، اما نتوانست کارهای کافی و خوبی را انجام دهد. نظریات من متفاوت است، اگرچه بعضی از مردم از عملکرد او رضایت دارند. اما من باور دارم که او مرد خوبی است، اما رهبر خوبی نیست [۳، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

جدول ۱۴: ارزیابی فعالان شاگرد از غنی و کزری

قانونی، وابسته به نظام		قانونی، ضد نظام		غیرقانونی		همه		
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	
۱۷	۷۰.۸	۴	۴۰.۰	۱	۸.۳	۲۲	۴۷.۸	ارزیابی مثبت از غنی
۱۴	۵۸.۳	۲	۲۰.۰	۲	۱۶.۷	۱۸	۳۹.۱	ارزیابی مثبت از دوره کزری
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶		مجموع

نگرش ها درباره حکومت غنی

در زمان اجرای مصاحبه ها (اواخر سال ۲۰۱۴ الی اوایل سال ۲۰۱۵)، رئیس جمهور غنی کماکان دارای محبوبیت زیادی بود. بیش از نیمی از فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام دیدگاه های مثبتی را راجع به عملکرد رئیس جمهور غنی ابراز کردند (جدول ۱۴). حمایت از سوی احزابی که جزو ائتلاف غنی در جریان کارزار انتخاباتی بودند، واضح بود، اما او هم چنین دارای محبوبیت خوبی حتی در میان فعالان وابسته به جمعیت اسلامی و وحدت (احزاب جزو ائتلاف عبدالله) بود:

به نظر می رسد که غنی مسلکی باشد. فکر می کنم او توسعه و ترقی بیشتری را از لحاظ آموزش، اقتصاد و غیره در این کشور به میان خواهد آورد. خوب، به نظر من، او شخص صادقی است و تا جایی که بتواند، کار خواهد کرد... می دانم که تصمیم های او از تصمیم های کزری بهتر خواهد بود [۳، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

در واقع، حکومت افغانستان در بسیاری از زمینه ها ناکام است و تقرر افراد فاسد در مقام های مهم یکی از مثال های آن است، اما حکومت هر روز رو به بهبودی است. در حکومت کزری، یک ناکامی وجود داشت و آن این بود که افراد کمی نسبت به کزری صادق بودند، حالانکه که بقیه فقط به نفع خود کار می کردند. این دلیل فساد اداری در حکومت افغانستان بود. اما باید بگویم که فساد اداری به زودی محو خواهد شد. می توانم به شما در این مورد اطمینان دهم [۱۴، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

به نظر من، رئیس جمهور جدید افغانستان داکتر اشرف غنی تاکنون کارهای خوبی را انجام داده است. اگرچه من حامی او در انتخابات ریاست جمهوری نبودم و از داکتر عبدالله طرفداری می کردم، اما اکنون باور دارم که اشرف غنی شایستگی آن را دارد تا رئیس جمهور افغانستان باشد. او نظریات خوبی برای نسل جدید دارد و این کشور را به طور بهتری رهبری خواهد کرد. او سعادت را به کشور ما خواهد آورد [۱۱، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

ممکن است به طور قسمی این ارزیابی های مثبت، ناشی از تشکیل حکومت وحدت ملی بوده باشد:

خوب، در واقعیت، من از او در جریان انتخابات ریاست جمهوری حمایت نکردم. من طرفدار داکتر عبدالله بودم. واقعا می خواستم که او رئیس جمهور ما باشد. با این وجود، هر دوی آن ها بر سر یک حکومت متحد توافق کرده اند. باور دارم که آن ها کار فوق العاده بی را با هم انجام خواهند داد. رئیس جمهور غنی هم چنین یک شخص صاحب نظر است. او هم قادر است که این کشور را رهبری کند. او کارش را به خوبی آغاز کرده است. ما منتظر نتایج کار آن ها هستیم. تاریخ در مورد او قضاوت خواهد کرد [۱۰، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

یکی از مصاحبه شونده‌گان هشدار داد که ممکن است که غنی و حکومت وحدت ملی بسیار بلندپروازانه عمل کنند و از واقعیت‌های سخت و دشوار کشور غافل باشند:

هنگامی که امان‌الله خان استقلال افغانستان را به دست آورد، او به جای آن که اردو را تقویت کند، آغاز به بهبود وضعیت مردم کرد. از همه مهم‌تر، ما نیاز داریم که یک اردو، پولیس و نیروی امنیتی قوی در افغانستان داشته باشیم. ما باید در ابتدا اوضاع امنیتی کشور را بهبود بخشیم و بعداً به بهبود وضعیت مردم بپردازیم [۱۳]، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

در مجموع، به نظر می‌رسد که فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام بیشتر از هر حزب یا گروه دیگری در مورد حفظ نظام و ثبات سیاسی کشور نگرانی داشته باشند. برای فعالان اسلام‌گرا، ایجاد حکومت و نظام اسلامی یک هدف در آینده بسیار دور است.

سرخوردگی از نظام آموزشی

اکثریت قاطع مصاحبه شونده‌گان وابسته به احزاب وابسته به نظام، دیدگاه‌های مثبتی را در خصوص نظام آموزشی اظهار کردند. تنها از میان مصاحبه شونده‌گان وابسته به جمعیت اسلامی، صداهای منتقد نظام آموزشی شنیده شد:

تا جایی که من شناخت دارم، نظام آموزشی افغانستان خوب نیست، زیرا ما توقعات بیشتری از حکومت خود داریم. نظام فعلی بسیار ضعیف است. در واقعیت، اکثر معلمان شایستگی تدریس متعلمان را ندارند. بعضی از آنها تازه از لیسه فارغ شده‌اند، اما به حیث معلم در مکتب‌ها مقرر شده‌اند. ما شاهد این معلمان بی‌استعداد در مکتب خود ما هستیم. حکومت ما باید اقدامات جدی‌تری را در این رابطه روی دست گیرد، زیرا نظام آموزشی برای شاگردان بسیار مهم است. آن‌ها باید به این مسله رسیدگی کنند [۱۱]، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

صادقانه بگویم که من از نظام آموزشی افغانستان راضی نیستم. ما مطابق با معیارهای جهانی درس نمی‌خوانیم. معلومات جدید در کتاب‌های ما شامل نمی‌شود. ما باید مثل شاگردان غربی باشیم. آن‌ها کتاب‌های مدرن دارند و درس‌شان مدرن است. بر علاوه، معلمان ما باید تحصیلم کرده و مسلکی باشند [۳]، فعال جمعیت اسلامی، مزار شریف].

یکی از این مصاحبه شونده‌گان آن قدر سرخورده بود که اعتراض علنی شاگردان به معلمان را توجیه می‌کرد:

شاگردان به معلمان اعتراض می‌کنند، اما نه به همه معلمان. ما فقط به معلمانی اعتراض داریم که استعداد و شایستگی معلم بودن را ندارند، به خصوص آن‌هایی که با واسطه مقامات حکومتی عالی رتبه مقرر شده‌اند [۱۱]، فعال جمعیت اسلامی، کابل].

شاید این شاگردان تاجیک شهرنشین از همقطاران شان که در ساحات با دسترسی اندک به آموزش الی سال ۲۰۰۱ زندگی می‌کنند (شاگردان ازبک و هزاره ساکن در شمال غرب کشور)، انتظارات و توقعات بیشتری در زمینه آموزش دارند.

۵. معترضان از درون نظام

یافتن فعالان وابسته به احزاب قانونی راجستر شده که مخالف نخبگان حاکم باشند، سخت و دشوار بود. تیم پژوهشی سه نوع از "معترضان از درون نظام" سیاسی را پیدا کرد. دو نوع از این معترضان ادعا داشتند که به طیف های کلی اسلام سیاسی وابستگی دارند: بنیادگرایان محافظه کار وابسته به اتحاد/دعوت اسلامی^{۱۶} و «حزب جدید» روند سبز. گروه سوم مربوط به سازمانی تحت عنوان جمعیت اصلاح^{۱۷} می شود که یک سازمان غیرسیاسی اعلام شده است که ارزش های اسلامی را ترویج می دهد:

هدف ما این است که به تمام مسلمانان افغانستان به خصوص جوانان از طریق دوره های آموزشی جمعیت اصلاح که در سراسر کشور برگزار می شود، آموزش دهیم. ما دوره های آموزشی خود را در زمینه های تفسیر قرآن، حفظ قرآن و مطالعات در عرصه های حدیث و فقه برگزار می کنیم... این فعالیت، سیاسی نیست [۴۸، فعال جمعیت اصلاح، قندوز].

در عمل، فعالیت ها و اهداف این حزب دارای ماهیت شدیداً سیاسی است:

اکثر شاگردان به دیدگاه های سیاسی ما علاقه مند هستند. بعضی از شاگردان از خانواده های کمونیستی هستند که با دیدگاه های سیاسی ما مخالفت می کنند و افغان هایی هستند که برای امریکایی ها و سایر غربی ها کار می کنند... ما همکاری های نزدیکی با تمام برادران مسلمان در مکتب ها و سایر بخش های جامعه افغانستان داریم. ما برادران جوان از حزب، جمعیت، اتحاد و تحریر داریم که با هم به منظور ارتقای آگاهی اسلامی در میان شاگردان جوان افغانستان کار می کنیم... من اعتراضاتی را علیه تجاوز اسرائیل به سرزمین مقدس و امضای توافقنامه امنیتی دوجانبه (BSA) میان افغانستان و امریکا سازماندهی کرده ام [۴۸، فعال جمعیت اصلاح، قندوز].

حزب التحریر فعالیت زیادی در مکتب ها دارد و دارای رابطه اخوت و برادری با اصلاح است. یک مشکل در رابطه با تحریر وجود دارد: آن ها ثابت و راجستر نیستند و بنابراین، ریاست عمومی امنیت ملی و وزارت امور داخله (MOI) باعث آزار و اذیت آن ها می شوند و آن ها را به تروریسم متهم می کنند [۱۷، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

پدرم یکی از اعضای حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بود. یکی از دوستانش از حزب حالا عضو رهبری اصلاح در افغانستان است. بنابراین، او مرا تشویق کرد که به اصلاح بپیوندم، زیرا حزب و اصلاح دارای ایدئولوژی همسانی هستند... تقریباً همه رهبران جهادی به شمول طالبان ما را تشویق می کنند و می گویند که فعالیت های م اثاثیارت مثبتی را بر جوانان افغانستان داشته است [۲۰، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

برخی ها جمعیت اصلاح را فعال ترین و سازمان یافته ترین سازمان سیاسی در میان جوانان می دانند.^{۱۸}

هیچ یک از مصاحبه شوندگان در این پروژه تحقیقی به احزاب سکولاری که وابسته به نظام نیستند، وابستگی نداشتند. بنابراین، یک معلم در مورد این مسله چنین اظهار نظر کرد:

ایدئولوژی های لیبرال در مغایرت با ایدئولوژی های اسلامی قرار دارد و از همین بابت، گروه های لیبرال فعالیت های کم تری در مقایسه با گروه های اسلامی دارند. گروه های اسلامی فعال اند و شاگردان به این گروه ها گرایش دارند [۴۲، معلم، پروان].

این معلم به صراحت بیان داشت که گروه های سکولار با گرایش های فرهنگی و سیاسی حاکم همخوانی ندارند. یافته های سروی که واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان آن را به طور مجزا منتشر کرد، نیز مؤید این امر است. با این حال، باید به خاطر داشت که بسیاری از اشخاص سکولار تمایلی برای پیوستن به احزاب سیاسی یا تشکیل چنین احزابی ندارند و بعضاً تصمیم می گیرند که به سازمان های جامعه مدنی ملحق شوند.^{۱۹}

۱۶ دعوت اسلامی که قبلاً اتحاد اسلامی نامیده می شد، از سوی استاد رسول سیاف، یکی از رهبران جمعیت اسلامی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، در سال ۱۹۸۰ بنیان گذاری شد. مشخصه این گروه، داشتن دیدگاه هایی است که در مقایسه با سایر شاخه های اسلام گرای افغانستان به وهابیت عربستان سعودی بیشترین نزدیکی را دارد. این گروه در مقاومت دهه ۱۹۸۰ میلادی و در جنگ های داخلی دهه ۱۹۹۰ میلادی فعال بود. این گروه هم چنین جزو ائتلاف ضد طالبان در سال ۲۰۰۱ بود و در نتیجه، در ابتدا پاداش هایی در شکل مقرری ها در مقام های قدرت و نفوذ در سال های نخست حکومت کززی دریافت کرد. باوجود نزدیکی شخصی سیاف به رییس جمهور کززی، این حزب به تدریج از مقرری های رسمی قسماً به علت فشارهای غرب (ناسازگاری اغلب دیدگاه های این حزب با دیدگاه های اصلاح طلبان طرفدار غرب) کنار زده شد. الی اواخر سال ۲۰۱۴، دیگر این حزب را نمی توان جزو نظام توصیف کرد، زیرا اغلباً در مخالفت با نظام قرار دارد. در سال ۲۰۱۴، سیاف با طرح یک خط مشی شدیداً محافظه کارانه نامزد انتخابات ریاست جمهوری بود.

۱۷ نام کامل این حزب عبارت از جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان است و حدوداً در سال ۲۰۰۴ توسط عاطف الرحمن (از ولایت تخار) ایجاد شده است. این حزب از موج انتقادهای در خصوص انشعاب گرای جنبش اسلام گرای افغانستان بروز کرد - انتقادهایی که به اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی برمی گردد. این سازمان به طور بدنامی دارای امکانات مالی است و چندین رسانه را اداره می کند که شامل یک شبکه تلویزیونی در هرات و یک شبکه رادیویی اسلامی در کابل می شود. این سازمان هم چنین دارای یک انستیتوت تربیه معلم خصوصی (راجستر شده) است. این حزب از بازماندگان سنت اخوان المسلمین است و به نظر می رسد که بسیاری از اعضا و حامیان حزب اسلامی را به خود جذب کرده است. این حزب عمدتاً شامل یک شاخه جوانان به نام نهاد جوانان مسلمان می شود.

۱۸ کیسی جانسون (انستیتوت صلح ایالات متحده)، مکاتبه شخصی، جولای ۲۰۱۵.

۱۹ کیسی جانسون (انستیتوت صلح ایالات متحده)، مکاتبه شخصی، جولای ۲۰۱۵. این ملاحظات بیشتر در مورد محصلان پوهنتون ها صدق می کند تا متعلمان لیسه ها.

۵.۱ الگوهای عضوگیری

یافتن فعالان وابسته به احزابی که وابسته به نظام نیستند، به مراتب دشوارتر از یافتن فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام است، حال آن که این احزاب ثبت و راجستر هستند و فعالیت شان کاملاً قانونی است. به نظر می رسد که ترس از تلافی جویی مقامات آموزشی مانع از آن می شود که بعضی از شاگردان به این احزاب بپیوندند:

خوب، بلی، آن ها از برخی از دیدگاه های سیاسی ما خوششان می آید، اما نمی خواهند به ما بپیوندند، زیرا دچار مشکلات خواهند شد. برخی ها مشکلات شخصی دارند، حال آن که بعضی ها ادعا می کنند که این کار غیرقانونی است و از همین خاطر، درگیر نمی شوند. آن ها باید ریسک این کار را مثل من قبول کنند [۱۶، فعال روند سبز، کابل].

از آن جایی که تعداد کمی از مصاحبه شوندگان در این مقوله قرار می گیرند، گمانه زنی در مورد معمول ترین الگوهای عضوگیری مناسب به نظر نمی رسد. با این وجود، دست کم در مورد احزاب جدید، احتمالاً عضوگیری افقی در مقایسه با احزاب وابسته به نظام که قدامت نسبی دارند، معمول تر است، زیرا کادرهای کهنه کار زیادی وجود ندارند که اطفال شان را به عضویت احزاب درآورند:

خوب، تعداد کمی از افراد عضو روند سبز هستند. آن ها در صنف های مختلفی هستند. یکی از آن ها مرا به این حزب جذب کرد؛ من قبلاً هیچ چیزی در مورد آن نمی دانستم. او اهداف این حزب را برایم تشریح کرد و آگاهی ام افزایش یافت و بنابراین، من به این حزب پیوستم [۱۶، فعال روند سبز، کابل].

۵.۲ دیدگاه های سیاسی

حضور غربی ها

بنیادگرایان ضد نظام به نفوذ غرب به حیث عامل فساد نگاه می کنند [۳۲، فعال دعوت اسلامی، بغلان]:

جامعه افغانستان باید تغییر کند. تغییرات کنونی بی نهایت منفی است. تغییرات سال های اخیر باید خنثی شود... غربی ها مشکل اصلی افغانستان هستند. آن ها به این جا آمده اند که جامعه ما را تباہ کنند و ما نباید به غربی ها اجازه دهیم دیگر در افغانستان باقی بمانند. هر روز ناامنی و کشتار اتفاق می افتد، چون غربی ها در افغانستان حضور دارند. آن ها باید همین حالا کشور را ترک کنند [۴۸، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

غربی ها به این جا آمده اند که به اهداف دینی، فرهنگی و سیاسی شان از طریق تخریب فرهنگ و دین ما دست یابند. ما محتاج حمایت غربی ها در افغانستان نیستیم [۱۷، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

ما شاهد این هستیم که رسانه های افغانستان بیش از حد غرب زده شده اند. تعداد آوازخوان ها و برنامه های مزخرف در تلویزیون بسیار زیاد شده که باعث اتلاف وقت مردم می شود [۲۰، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

بعضی از فعالان اذعان کردند که مداخله غرب خوبی هایی برای افغانستان داشته، اما با این حال، آن ها به این نظر بودند که ضرر مداخله غرب در افغانستان بیشتر از فایده آن بوده است:

غربی ها در بعضی از زمینه ها به ما کمک کردند، اما آن ها واقعا جامعه ما را خراب کردند. ما یک جامعه اسلامی هستیم و می خواهیم یک جامعه اسلامی باقی بمانیم، اما غربی ها به گروه های حقوق زنان و جامعه مدنی کمک می کنند که صداهای شان را علیه دین و فرهنگ خود بلند کنند [۲۰، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

بر خلاف، فعالان وابسته به روند سبز دارای دیدگاه همسان با اسلام گرایان وابسته به احزاب جزو نظام اند و بر این نظراند که حضور غرب یک ضرورت است:

آرزوی من همین است که نیروهای امنیتی ما بتوانند روی پای خود ایستاد شوند و دیگر نیازی به حضور قوای خارجی نباشد. در حال حاضر، فکر می کنم حضور آن ها خوب باشد تا ما بتوانیم بر سایر مسایل تمرکز کنیم [۱۶، فعال روند سبز، کابل].

این فعالان ادعا دارند که دارای یک دیدگاه جایگزین و بدیل در مورد اسلام هستند که هم نمایانگر اسلام حقیقی است و هم پذیرش بیشتری برای غرب دارد:

امروزه بر طبق نظریه های توطئه، مسلمان ها مسول حملات تروریستی اند... با این حال، این حقیقت ندارد و ما این را می دانیم. اگر امروز طالبان حملات تروریستی را انجام می دهند، این خواسته اسلام نیست. آن ها باید بدانند که طالبان یک حرکت دست نشانده است و حتی از اسلام بی خبر است. آن ها کوشش می کنند که اسلام را بدنام سازند. امید من است که من بتوانم در آینده شخص بانفوذی در سیاست افغانستان شوم و آن وقت معنی حقیقی اسلام را به تمدن غرب نشان دهم. آن ها باید بدانند که اسلام یعنی صلح، نه جنگ [۱۰، فعال روند سبز، کابل].

حقوق زنان

همان طور که قابل پیشبینی است، مصاحبه شوندگان بنیادگرا به هر گونه پیشرفت در عرصه حقوق زنان مبتنی بر دیدگاه غرب به حیث یک تحول منفی نگاه کردند:

جامعه افغانستان یک جامعه دینی است. مردم نسبت به هر چیزی که مخالف ارزش های اسلامی باشد، عکس العمل نشان می دهند. ما می بینیم که دولت به زنان آزادی می دهد و این نادرست است و تحولات نامناسبی آغاز شده است... ما انتقادی از نظام آموزشی نداریم، اما دخترها و بچه های جوان با هم در پوهنتون درس می خوانند و حجاب اسلامی نادیده گرفته می شود [۳۲، فعال دعوت اسلامی، بغلان].

یکی از مصاحبه شوندگان، مدافعان حقوق زنان را به حیث افرادی که دنبال سود و منفعت خود هستند، تقبیح کرد:

بله، من فعالیت های این سازمان های جامعه مدنی و گروه های حقوق زنان را دیده ام، اما آن ها فقط از سفارتخانه ها پروژه می گیرند تا پول پیدا کنند. آن ها دیدگاه های اسلامی یا ایدئولوژیک ندارند [۲۰، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

جمعیت اصلاح حتی دارای یک شاخه زنان است که بسیار فعال است و خواهران اصلاح نام دارد، اما از موضع گیری های بسیار محافظه کارانه در رابطه به امور زنان دفاع می کند.^{۲۰} بر خلاف، دیدگاه فعالان وابسته به روند سبز با دیدگاه اسلام گراها وابسته به نظام همسانی دارد:

ما هم چنین در مورد حقوق زنان بحث می کنیم؛ زیرا نمی خواهیم که حقوق شان نقض شود. حکومت باید حقوق شان را مد نظر قرار دهد. امروزه، زنان به خصوص در ساحات روستایی در وضعیت اسف باری زندگی می کنند [۷، فعال روند سبز، کابل].

نگرش ها در مورد حکومت های غنی و کرزی

بنیادگرایان ضد نظام، رئیس جمهور غنی را به حیث یک شخص سکولار مردود می دانند و بعضا حتی با کرزی ابراز همفکری می کنند. کرزی در حد فاصل سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۴ به طور پیوسته بی با به اصطلاح "مجاهدین" رابطه بی دردسر داشت (هم چنین به جدول ۱۴ نگاه کنید):

غنی ایدئولوژی غربی دارد. او جایگاه عمده بی در جامعه افغانستان ندارد... کرزی شخص خوبی است، چون رابطه حسنه ای با مجاهدین داشت، اگرچه دستاوردهای قابل ملاحظه بی در احیا و بازسازی افغانستان نداشت [۳۳، فعال دعوت اسلامی، بغلان].

بر خلاف، به نظر می رسد که این فعال روند سبز از عملکرد اولیه غنی متعجب شده است:

صادقانه بگویم که مطابق با تحقیق ما، غنی نیز قادر است تا این کشور را رهبری کند، اما من در انتخابات به دکتر عبدالله عبدالله رأی دادم... بر او حساب نمی کردم که بتواند این کشور را رهبری کند. اما حالا، فکر می کنم او بهتر [از عبدالله] باشد. فکر می کنم قضاوت در مورد او بسیار زود باشد. بیابید بعد از پنج سال در مورد او قضاوت کنیم و کارهایی را که او برای این کشور انجام داده، مورد بحث قرار دهیم. با این وجود، امیدوارم که او بتواند زمینه پیشرفت بیشتری را در افغانستان مساعد کند، چون افغانستان نیازمند پیشرفت و ترقی است [۷، فعال روند سبز، کابل].

نگرش ها در مورد شورشیان

فعالان روند سبز شدیداً مخالف شورشیان هستند و دلیل این مخالف، مواضع رهبرشان امرالله صالح است که رئیس پیشین ریاست عمومی امنیت ملی بوده است. برخلاف، باوجود جایگاه قانونی جمعیت اصلاح، فعالان این حزب با همفکری با شورشیان بیگانه نیستند - فعالان این حزب ۴۰ درصد از مجموع شاگردان ضد نظام را تشکیل می دادند که شورشیان را محکوم نکردند (جدول ۱۳):

ما حامی هر نوع مقاومت نظامی علیه تجاوزگران هستیم. ما در جمعیت اصلاح همواره در مورد جنگ آن ها علیه نیروهای امنیتی ملی افغانستان مشاجره می کنیم، اما نمی توانیم در مورد این جنگ اظهار نظر کنیم، اما ما از مقاومت شان علیه رهبری نیروهای امنیتی ملی افغانستان حمایت می کنیم [۴۸، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

۲۰ کیسی جانسون (انستیتوت صلح ایالات متحده)، مکاتبه شخصی، جولای ۲۰۱۵.

اگر علیه متجاوزان غربی جهاد و مقاومت کنند، در این صورت جهاد و مقاومت شان قابل توجیه و برحق است [۱۷]، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

اگر آن‌ها با امریکایی‌ها جنگ کنند، پس مقاومت مسلحانه شان قابل توجیه است [۲۰]، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

نقش ملاها

در رابطه به نقش ملاها در جامعه، روند سبز با اکثر احزاب اسلام‌گرای وابسته به نظام هم نظر است:

خوب، ملاها تا هنوز نقش عمده‌ی در قریه‌ها دارند. مردمی که تحصیل و منطق ندارند، هنوز هم از ملاها پیروی می‌کنند. ملاها فقط سعی دارند که افکارشان را بر مردم تحمیل کنند. در کابل، مزار، هرات و شهرهایی که مردم شان تحصیل کرده هستند، آن‌ها دیگر از ملاها و نظریات شان پیروی نمی‌کنند. در واقعیت، ما باید از منطق خود کار بگیریم، نه از منطق دیگران. البته، ملاهایی هم هستند که ذهن روشن و باز دارند، اما ما باید قبل از پیروی از آن‌ها اول خودمان فکر کنیم [۷]، فعال روند سبز، کابل].

حالا مردم تحصیل کرده هستند، ذهن شان باز شده و می‌دانند که چه کاری را باید انجام دهند. بنابراین، دیگر نیازی به رهبری ملاها نیست. در گذشته، مردم امورشان را تحت دستور ملاها انجام می‌دادند. حالا مردم از منطق خود کار می‌گیرند. ملاها شاید نقش عمده‌ی در قریه‌های دورافتاده داشته باشند، زیرا مردم آن‌ها تا هنوز تحصیل کرده نیستند [۱۶]، فعال روند سبز، کابل].

با این حال، طیف‌های مختلفی از اسلام‌گرای افراطی دارای دیدگاه‌های متفاوتی اند و ادعا می‌کنند که حامی ملاهای محافظه‌کار هستند:

البته که علمای دین باید سیاست را رهبری کنند. ما سیاست را به طریقه اسلامی پیش می‌بریم. اگر مردم هوشیارانه فکر کنند، آن‌ها پی خواهند برد که حزب اسلامی تنها حزبی است که به خاطر خیر و منفعت این کشور کار می‌کند. ما تنها کاری را انجام می‌دهیم که به صلاح این کشور و مردم آن است [۲]، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف].

ملاها در افغانستان و در تمام جامعه اسلامی اثرگذار و بانفوذ هستند. ما دو نوع ملا در افغانستان داریم. اول، ملاهایی که از طریق ریاست عمومی امنیت ملی و جامعه مدنی افغانستان استخدام شده‌اند و برای دستگاه‌های استخباراتی غربی‌ها کار می‌کنند. دوم، ملاها و علمای واقعی اسلام که هدف شان، تعلیم و خدمت‌گزاری به مردم افغانستان است. آن‌هایی که هدف شان کار برای دستگاه‌های استخباراتی افغانستان و غربی‌هاست، نفوذ کم‌تری دارند، اما آن‌هایی که علمای واقعی اسلام هستند، بانفوذ هستند و باید نقش شان در جامعه افغانستان ارتقا یابد [۱۷]، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

حزب اسلامی در نزدیک به ده سال نخست از موجودیت و فعالیت اش شهرتی را در زمینه مخالفت با روحانیت به دست آورده بود. امروزه، می‌توان روابط نزدیک این حزب با روحانیان و مدرسه‌ها را مشاهده کرد، طوری که احتمالاً این حزب تغییر رویه داده است. نقل قول فوق نشان‌دهنده استیلاي متداوم این حزب بر روحانیان است.

۵.۳ دو مخالفت

در مجموع، "معترضان از درون نظام" به صراحت در دو اردوگاه قرار می‌گیرند. از یک سو، فعالان "حزب جدید" روند سبز بر این نظر هستند که نظام دچار ضعف مدیریتی است و به اندازه کافی شایسته سالار نیست. آن‌ها در بسیاری از زمینه‌ها به فعالان وابسته به جمعیت اسلامی نزدیکی دارند، اما از درگیری جمعیت در زدوبندهای سیاسی ناخرسند اند. از سوی دیگر، بنیادگراها، مخالف وضعیت جاری هستند، اما امیدوارند قادر شوند که از نظام به منظور تقویت نقش شریعت استفاده کنند؛ آن‌ها نمی‌خواهند که نظام را در کل ساقط کنند، زیرا خودشان هم از نظام سود می‌برند. آن‌ها به اندازه روند سبز و فعالان وابسته به نظام، مشتاق توسعه آموزش هستند.

۶. معترضان علیه نظام: فعالان وابسته به گروه های مخالف افراطی

دشوارترین وظیفه در این پژوهش، مصاحبه با فعالان مخفی سازمان های غیرقانونی بود. آنانی که موفقانه مورد تماس قرار گرفتند، اکثراً فعالان حزب التحریر (هفت مصاحبه شونده) بودند. بر علاوه، با یک فعال حزب اسلامی، سه فعال طالبان و یک عضو سازمان غیرحزبی به نام فیضانی ها ۲۱ موفقانه تماس گرفته شد. در مجموع، با دوازده فعال وابسته به سازمان های غیرقانونی مصاحبه صورت گرفت.

۶.۱ عضوگیری

عضوگیری برای یک سازمان غیرقانونی به مراتب دشوارتر از عضوگیری برای یک سازمان قانونی مخصوصاً یک حزب وابسته به نظام است. همه مصاحبه شوندهگان در گروه "معترضان علیه نظام" اظهار داشتند که باید در جلب و جذب اعضای بالقوه بسیار محتاطانه عمل کنند:

ما از افرادی تقاضا می کنیم که واقعا به آن ها اعتماد داریم. از همه نمی خواهیم که به ما بپیوندند، زیرا این کار بسیار خطرناک است، چون مردم و حکومت به گروه ما به حیث یک گروه خطرناک نگاه می کنند. اما ما خطرناک نیستیم؛ ما فقط در راستای آوردن یک حکومت اسلامی و منطبق با شریعت کار می کنیم... ما فقط از آن هایی دعوت می کنیم که به آن ها اعتماد کامل داریم و به مدت طولانی دوست ما بوده اند، نه هر شاگردی... باور کنید که ما باید دو یا سه ماه بر سر یک نفر کار کنیم تا او را جذب کنیم و کاملاً مطمئن شویم که او صادق است و برای ما در آینده مشکلات درست نمی کند. بعداً ما از او دعوت می کنیم که به گروه ما بپیوندد. ما نمی توانیم از همه دوستان در یک زمان دعوت کنیم. کار ما طوری است که با آن شخص حداقل برای دو ماه دوست باشیم و مطمئن شویم که آن شخص صادق است. سپس ما از او در گروه خود دعوت می کنیم [۲۱]، فعال حزب التحریر، مزار شریف.

عضوگیری در گروه هایی مثل حزب التحریر یا نتیجه تلاش معلمان است (به قسمت ۳ در بالا نگاه کنید) یا به طور افقی صورت می گیرد:

یک دوست من... از ولایت بدخشان است. ما بعضی وقت ها در مورد اسلام و به خصوص راجع به اسلام در افغانستان صحبت می کردیم و من انگیزه های خود راجع به اسلام در افغانستان را به او می گفتم. او بعداً از من خواست که به حزب التحریر بپیوندم. من قبل از آن از حزب التحریر آگاهی نداشتم. وقتی او فعالیت های حزب التحریر را برایم تشریح کرد، من علاقه مند به پیوستن به این حزب شدم و از نحوه کارشان در افغانستان خوشم آمد [۴]، فعال حزب التحریر، مزار شریف.

در رابطه با حزب التحریر که سازمان جدیدی در افغانستان است، این احتمال که پدران بچه های شان را در این حزب جلب و جذب کنند، اندک و ناچیز است. در واقعیت، تنها در میان این دسته از شاگردان مصاحبه شده بود که ما ماجراهایی را در مورد درگیری فعالان با والدین شان شنیدیم:

وقتی پدر و خانواده ام به این موضوع پی بردند، آن ها عصبانی شدند و مرا غرض ادامه تحصیل به مزار فرستادند که از حزب التحریر دور باشم، اما به خاطری که به گروه حزب التحریر قول داده بودم که شخص صادقی باشم، من نمی توانم این گروه را ترک کنم. وقتی به مزار آمدم، من با مقامات حزب در بدخشان تماس گرفتم و ماجرای آمدنم به مزار را برای شان شرح دادم. سپس آن ها مرا به کادر حزب التحریر که مسولیت مزار را به عهده دارند، معرفی کردند. بنابراین، من حالا فعال حزب التحریر در مزار هستم [۲۱]، فعال حزب التحریر، مزار شریف.

اگرچه احزاب وابسته به نظام عمدتاً همدیگر را تحمل می کنند، اما فعالان افراطی ادعا دارند که رابطه شان با احزابی نظیر جمعیت اسلامی، شاخه قانونی حزب اسلامی و حتی دعوت اسلامی نسبتاً خصمانه است:

این گروه های اسلامی فکر می کنند که ما می خواهیم جای آن ها را بگیریم و اعضای شان را در گروه خود جلب و جذب کنیم. هدف ما این است که هر شخصی را که در ایدیولوژی ما شریک باشد، جلب و جذب کنیم [۲۶]، فعال حزب التحریر، کابل.

فعالی که در بالا از او نقل قول شده، قبلاً عضو دعوت اسلامی بوده و تجربه های مستقیمی در این رابطه داشته که حزب التحریر اعضای سایر گروه ها را سرقت می کرده است. یک مصاحبه شونده دیگر گفت که می خواسته قبل از این که حزب التحریر را انتخاب کند، به حزب اسلامی بپیوندد:

من در مورد پیوستن به یک حزب سیاسی فکر می کردم، اما بدبختانه هیچ یک از احزاب سیاسی مثل جمعیت، جنبش، وحدت و سایرین به نفع افغانستان و اسلام کار نمی کنند. آن ها فقط در خصوص جایگاه خود و داشتن مقام در حکومت فکر می کنند. آن ها هرگز در مورد تحقق اسلام واقعی و کامل یا نحوه رشد مردم به حیث مسلمانان کامل فکر نمی کنند... من قبل از پیوستن به حزب التحریر، در مورد حزب اسلامی فکر می کردم، زیرا معلومات چندانی در خصوص حزب التحریر نداشتم. تنها چیزی که از حزب اسلامی خوشم

۲۱ گروهی که پیرو مولانا محمد عطالله فیضانی بنیانگذار حزب توحید می باشند، فیضانی به دلیل دست داشتن در اقدام به کودتا در دهه ۱۹۷۰ میلادی اعدام شد، اما برخی از پیروان او از آزار و اذیت ها جان به سلامت بردند. فیضانی تلاش کرد که عناصری از تصوف و مدرنیته علمی-تکنالوژیکی را تلفیق و استدلال کند که تنها یک عالم فرهیخته دینی می تواند راه نیل به این هدف را نشان دهد. پیروان فیضانی شامل شیعه ها و سنی ها می شوند. او با جوانان مسلمان نزدیک بود، اما به نظر می رسد که دیگر چنین رابطه ای در بین فیضانی ها امروزی و احزابی که ریشه در جوانان مسلمان دارند، وجود ندارد. بعضی از پیروان امروزی فیضانی، او را "معاون مسیح" می دانند و در انتظار بازگشت او به سر می برند.

نمی آید، این است که این حزب با استفاده از زور و جنگ، راه اسلام واقعی را به مردم نشان می دهد. در اسلام، هنگامی که شما می خواهید مردم را به اسلام دعوت کنید یا هنگامی که می خواهید راه واقعی و کامل مسلمان شدن را به مردم نشان دهید، باید با مردم صحبت کنید، بحث کنید و دلایل و علل این که اسلام بهترین دین در دنیا است، را به آن ها ارائه دهید. شما نمی توانید مردم را از طریق زور، جنگ و کشتار دعوت کنید [۴]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

علی رغم دشواری ها، فعالان افراطی ادعا دارند که تلاش های عضوگیری شان به طور تعجب آوری موفقیت آمیز بوده است:

قبیل از این که از جمله اعضای ارشد حزب التحریر در افغانستان شدم، فکر می کردم حزب التحریر در کشوری مثل افغانستان نخواهد توانست تا در مدت زمان کوتاهی اعضای زیادی را جذب کند، اما نه، من عضو ارشد حزب التحریر شدم و تعداد جوانانی که به حزب التحریر در شهرها و روستاها پیوستند، برایم حیرت برانگیز بود. بنابراین، حالا هدف ما ۵۰/۵۰ است... در ابتدا، تمرکز ما بیشتر بر روستاهای افغانستان بود، اما حالا تمرکز ما بر شهرها نیز است [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل].

۶.۲ اهداف

حزب التحریر نسبتاً بی نظیر است، زیرا این حزب هم مخالف حکومت افغانستان و هم مخالف طالبان است. این حزب به حکومت افغانستان به حیث یک حکومت غیراسلامی و به طالبان طوری نگاه می کند که در جستجوی شان برای استقرار یک امارت اسلامی در افغانستان، کوتاه نظر هستند. از لحاظ ایدئولوژیک، حزب التحریر مخالف کلیه اشکال حکومت اسلامی است که با الگوی سختگیرانه خلافت اسلامی مغایر باشد. گفتمان این حزب طوری است که نگرانی هایش بر افغانستان متمرکز نباشد.^{۲۲} به طور خلاصه، مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که هدف میان مدت حزب التحریر این است که جامعه افغانستان را به سوی رعایت شریعت رهنمون سازد [۵۰]، فعال حزب التحریر، قندوز و سایرین که از آن ها در ذیل نقل قول شده:

ما باید شریعت را برای مردم تامین کنیم. ما باید جلوی افغان هایی را بگیریم که در کشورهای غربی بودند و حالا با دیدگاه های متفاوتی به افغانستان برگشته اند و می خواهند دیدگاه مردم افغانستان را نیز تغییر دهند... من یک شخص مذهبی هستم و هدف اصلی ام این است که اسلام واقعی و کامل را در افغانستان استقرار کنم. من می دانستم که نمی توانم این کار را به تنهایی انجام دهم. من نیاز داشتم که به یک گروه بپیوندم تا با هم در راستای یک افغانستان اسلامی و بهتر کار کنیم. شما باید وضعیت جاری افغانستان را درک کنید. ممکن است شما از وضعیت خبر داشته باشید، اما مردم افغانستان در حال فراموش کردن دین واقعی شان هستند و روز به روز از دین غرب تقلید می کنند [۴]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

ما عساکر پیامبر اسلام حضرت محمد هستیم و رسالت ما این است که مردم مسلمان را به سنن اسلامی شان بازگردانیم و شریعت را در افغانستان مستقرسازیم. هدف شخصی من از عضویت در حزب التحریر این است که از سایر همکارانم به منظور تحقق اهداف شان در افغانستان حمایت کنم [۲۱]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

جامعه افغانستان باید به صورت اساسی تغییر کند. ۹۹٫۹ درصد از مردم افغانستان، مسلمانان سنی مذهب هستند. بنابراین، ما باید ارزش های اسلامی خود را دوباره در جامعه افغانستان معرفی کنیم و تغییراتی را بر اساس معیارهای اسلامی پیشنهاد کنیم. تمام تغییراتی که در سالیان اخیر انجام شده، باید به هر قیمتی که شده، خنثی شود. شعار ما از اول این بوده که باید امریکایی شدن و غربی شدن افغانستان متوقف گردد [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل].

هدف من از پیوستن به این گروه اسلامی این است که دولت اسلامی در افغانستان استقرار یابد، به مداخله کشورهای غربی در افغانستان پایان داده شود، از به بیراه رفتن مردم جلوگیری شود و به خاطر استقرار دین الله فعالیت شود [۴]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

این اهداف حزب التحریر تفاوت زیادی با اهداف گروه های غیرحزبی ندارد:

هدف ما برقراری حکومت اسلامی در روشنائی قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) است. ما برنامه های آموزشی را راه اندازی می کنیم. ما مثل دیگر احزاب نیستیم که رفتار احساساتی دارند [۲۳]، فعال وابسته به فیضانی ها، بغلان].

اهداف جمعیت اصلاح مشابه است:

فعالیت های ما در راستای افزایش آگاهی و کمک به جوانان افغان برای کسب تعلیم اسلامی انجام می شود که آن ها بتوانند علیه تجاوز دینی و فرهنگی غرب در افغانستان از طریق مشاجره های روشنفکرانه مقابله کنند [۱۷]، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

با این وجود، هدف درازمدت حزب التحریر به طور قابل توجهی از انجمن‌های دینی تفاوت دارد، زیرا این حزب ادعا دارد که در راستای استقرار مجدد خلافت اسلامی کار و فعالیت می‌کند:

هدف ما برقراری خلافت اسلامی در دنیای اسلام و سایر بخش‌های جهان است. در حزب التحریر، ما نظام‌های اجتماعی-اقتصادی و مالی خود را در چهارچوب قرآن و حدیث و از طریق قطع نظام‌های اجتماعی و مالی غربی از دنیای اسلام معرفی می‌کنیم. این هدف ماست [۳۶، فعال حزب التحریر، کابل].

تفاوت اصلی در درون این گروه از "معترضان" در بین بنیادگراها و اسلام‌گراها وجود دارد:

در لیسه‌ها، ما اهمیت زیادی به مضامین اسلامی می‌دهیم، اما شاگردان حزب اسلامی اهمیت زیادی به مضامین ساینسی می‌دهند... ما هم چنین مخالف نصاب تعلیمی وزارت معارف افغانستان هستیم، اما حزب اسلامی مخالفتی با آن ندارد [۷۳، فعال طالبان، ننگرهار].

۶.۳ فعالیت‌ها

فعالیت‌های معمول احزاب افراطی عبارت از عضوگیری و برگزاری جلسات منظم حزبی به منظور هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها می‌باشد؛ به نظر می‌رسد که فعالان افراطی بیشتر از فعالان وابسته به احزاب وابسته به نظام تشکیل جلسه می‌دهند و با هم دیدار و ملاقات می‌کنند [۲۱، فعال حزب التحریر، مزار شریف]. مثل احزاب اسلام‌گرای دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، حزب التحریر از یک الگوی کلاسیک فعالیت حلقوی کار می‌گیرد. حلقات متشکل از ۱۰-۱۵ عضو تحت رهبری یک مشرف (مرشد یا رهبر) قرار دارد. از آن جایی که حزب التحریر در حکومت افغانستان ثبت و راجستر نشده و طالبان به آن به حیث رقیب خود نگاه می‌کنند، فعالیت‌های این حزب به درجه‌های مختلفی در ولایات تحت پوشش سروری به صورت مخفی و پنهانی انجام می‌شود. حزب التحریر بیشترین فعالیت را در ننگرهار دارد و جلسات مطالعه گروهی را در مساجد مشهور این ولایت برگزار می‌کند و نیز در محوطه پوهنتون ننگرهار فعال است. در خارج از ولایات تحت پوشش سروری، حزب التحریر حضور بیشتری در ساحات خارج از مناطق مورد حمایت سنتی طالبان قرار دارد؛ قوی‌ترین حضور آن در بدخشان، کاپیسا، پنجشیر و پروان است و حمایت کم‌تری در جنوب شرق و جنوب کشور دارد. [۳۳ بر علاوه، فعالان افراطی یا به صورت گروهی نماز برپا می‌کنند که هدف آن گسترش رویه‌های دینی در میان شاگردان است [۲۳، فعال وابسته به فیضانی‌ها، بغلان] یا در جهت نفوذ در نظام آموزشی و تأثیرگذاری بر نسل جدید کار و فعالیت می‌کنند(همان‌طور که در مورد فعالان حزب التحریر صدق می‌کند):

قطب بخشی از این جامعه مسلمان راه و طریقه خود را از دست داده و از سنن و فرهنگ غرب تقلید می‌کند. ما باید به منظور بازگرداندن این مردم مسلمان به سنن و فرهنگ افغانستان کار کنیم؛ این وظیفه گروه ماست [۲۱، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

طالبان در این زمینه یک استثنا است، زیرا مقصود اولیه آن‌ها از فعالیت در مکتب‌ها این است که به جلب و جذب پیکارجویان و حامیان غیرنظامی از شورشگری شان بپردازند [۷۲، ۷۳، ۷۴، فعالان وابسته به طالبان در ننگرهار، وردک و زابل].

۶.۴ دیدگاه‌های سیاسی

حضور غربی‌ها

این که فعالان اسلام‌گرا از حضور غرب در افغانستان خوششان نمی‌آید، جای تعجب ندارد. برخی از اظهارات معمول علیه مداخله غرب در افغانستان به شرح زیر است:

نیازی به حضورشان در افغانستان نیست. آن‌ها این‌جا آمده‌اند که ارزش‌های غربی را در جامعه ما ترویج دهند و ارزش‌های امپریالیستی غرب را در میان مسلمان‌ها اشاعه کنند... آن‌ها به کشور ما به منظور ترویج ارزش‌ها و منافع‌شان تجاوز می‌کنند و به این‌جا آمده‌اند که فرهنگ امپریالیستی‌شان را در جوانان افغانستان از طریق ایجاد و حمایت از نهادهای آموزشی لیبرال تلقین کنند [۴۹، فعال حزب التحریر، قندوز؛ هم چنین ۵۰، فعال حزب التحریر، قندوز].

ما ده‌ها تن از اطفال، زنان و مردان مسلمان را در افغانستان به دلیل حضور قوای خارجی از دست داده ایم. یکی از ماموریت‌های اصلی گروه ما این است که قوای خارجی را از افغانستان خارج کنیم... قوای خارجی و کشورهای غربی فعلاً کنترل افغانستان را در دست دارند. آن‌ها رییس‌جمهور، وزرا و والیان افغانستان را تعیین می‌کنند. نفوذشان بیش از حد است [۲۱، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

هدف یا انگیزه اصلی ما در این برهه از زمان این است که قوای خارجی را از افغانستان بیرون کنیم. ما مخالف حضور قوای خارجی در افغانستان هستیم. ما مخالف این حکومت فاسد و ساخته آمریکایی‌ها هستیم. هدف ما این است که مانع از آن شویم که مردم مسلمان افغانستان به رویه‌های غیراسلامی روی آورند [۴، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

فعالان وابسته به طالبان حتی اظهارات تندتری را در مورد حضور غرب در افغانستان ارایه دادند [۷۲، ۷۳، ۷۴]. فعالان وابسته به طالبان در ننگرهار، وردک و زابل. در مجموع، فعالان افراطی در مورد هر آن چه که غربی باشد یا رابطه یی با غرب داشته باشد، تنفر و انزجار دارند. بر علاوه، آن ها احزاب اسلام گرای قدیمی و سایر احزاب وابسته به نظام را به فساد، سوء استفاده و خیانت به اسلام متهم می کنند:

من هرگز در مورد پیوستن به سایر احزاب سیاسی مثل جمعیت، جنبش، وحدت و غیره فکر نکرده ام، زیرا آن ها جنایتکارانی اند که مرتکب جنایات زیادی در افغانستان شده اند. رهبران همین احزاب سیاسی بودند که زمینه حضور قوای خارجی و امریکایی ها را در افغانستان فراهم کنند؛ همین رهبران بودند که باعث شدند که امریکایی ها به افغانستان بیایند و آذهان مردم مسلمان را تغییر دهند [۴]. فعال حزب التحریر، مزار شریف؛ هم چنین ۲۶. فعال حزب التحریر، بغلان.

فعالان افراطی استدلال می کنند که غربی شدن به معنی پیشرفت نیست:

جامعه افغانستان مخالفت زیادی با مردم غیرمذهبی و آنانی دارد که حجاب را رعایت نمی کنند. یک گروه از مردم که ارزش های اسلامی شان را از دست داده اند، به این معنی نیست که غربی ها ادعا کنند که دستاوردهایی را کسب کرده اند... اسلام مخالف فرهنگ غرب است. اسلام دینی است که برای کلیه جوانب زندگی ما برنامه هایی دارد. ما نیاز به فرهنگ مزخرفی نداریم که غربی ها برای ما می آورند [۲۵]. فعال حزب التحریر، بغلان.

به نظر من، مردم افغانستان، مردم مسلمان اند، اما بعضی از سازمان ها که خود را جامعه مدنی می نامند و سایرین تلاش دارند که مردم را از راه بیرون کنند و سعی دارند که مسیحیت را در میان مردم ترویج کنند. وظیفه حرکت ما این است تا جلو همکاری مردم با این سازمان ها را بگیریم و قانون شریعت را در جامعه بیاوریم و تأمین کنیم [۴]. فعال حزب التحریر، مزار شریف.

غربی شدن مخالف کشور و دین ماست. ما واقعا از غربی ها متنفریم. آن ها این جا نیامده اند که به افغان ها کمک کنند، بلکه این جا آمده اند که به اهداف سیاسی خود دست یابند. آن ها بر اسلام تأثیرات منفی داشته اند. آن ها به ضرر مردم کار می کنند... جامعه افغانستان تقریباً فاسد شده است. مردم توجه زیادی به اسلام ندارند. این چیزی است که خارجی ها برای این کشور به ارمغان آوردند. برای مثال، مردم به جای نماز و عبادت الله، تلویزیون تماشا می کنند و به موسیقی گوش می دهند. این جامعه باید تغییر کند. اسلام باید بیش از پیش گسترش یابد. تا زمانی که خارجی ها این جا هستند و مردم ما غافل اند، ما نمی توانیم توقع یک جامعه کاملاً اسلامی را داشته باشیم... ما نمی خواهیم آن ها این جا باشند [۲]. فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف.

فعالان افراطی احساس می کنند که وضعیت کشور در حال تغییر به نفع آن هاست:

نفوذ [غربی ها] قبلاً بسیار قوی بود، اما از وقتی که قوای خارجی کشور را ترک کرده اند، نفوذشان در حال تضعیف شدن است و ما از طریق ترویج اسلام در میان مردم در حال برنده شدن هستیم [۴]. فعال وابسته به حزب التحریر، مزار شریف.

حقوق زنان

هیچ یک از مصاحبه شوندگان به این سوال جواب ندادند؛ یکی از آن ها توضیح داد که حقوق زنان موضوع مورد بحث در میان فعالان اسلامی نیست:

اکثر مشاجره های ما درباره کفار است. ما درباره حقوق زنان صحبت نمی کنیم. ما همواره سعی داریم راهی را برای اخراج خارجی ها از کشور پیدا کنیم [۲]. فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف.

یک فعال وابسته به طالبان توضیح داد:

ما هیچ بحث و مشاجره یی درباره حقوق زنان نداریم. مسایل مهم تری وجود دارد که ما باید اول در مورد آن ها بحث کنیم. رهبران ما نیز به ما اجازه نمی دهند که در این باره بحث کنیم... آزادی های زنان که امریکایی ها و غربی ها آورده اند، باید خاتمه یابد. ما خواستار نقش هایی برای زنان هستیم که در زمان طالبان وجود داشت [۷۲]. فعال وابسته به طالبان، دایچوپان/زابل.

یک فعال دیگر وابسته به طالبان این مسله را با ظرافت بیشتری مطرح کرد:

ما مخالف حقوق زنان نیستیم. ما نیز حقوق زنان را قبول داریم. اما آن چه که امریکایی ها و سایر کشورهای خارجی و اروپایی در مورد حقوق زنان می گویند، در واقع حقوق زنان نیست. حقوق زنان، حقوقی است که اسلام به زنان می دهد. ما مخالف هر آن چه هستیم که فراتر از این باشد [۷۴]. فعال وابسته به طالبان، وردک.

نقش ملاها

برای اسلام گراهای افراطی، انتقاد از ملاها در زمینه مداخله غرب در کشور از لحاظ سیاسی چندان درست و صحیح نیست:

ملاهای ما همواره به ما کمک می کنند، اما آن ها به حیث معلم در مکتب ما اجرای وظیفه نمی کنند. همان طور که گفتیم، ملاها می توانند رهبران بهتری از دیگر مردم باشند. رهبران ما، ملاها و علمای دین هستند. باید بگوییم که ملاها مایه افتخار ما هستند. ما بدون آن ها هیچی نیستیم. آن ها مردم بسیار ارزنده یی برای ما هستند. آن ها چراغ دین ما هستند. به عبارت دیگر، آن ها زندگی ما را روشن می سازند و بدون آن ها ما در تاریکی به سر می بریم [۲]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

به همین ترتیب، فعالان وابسته به طالبان قویا از ملاها حمایت می کنند [۷۲، ۷۳، ۷۴]، فعالان وابسته به طالبان در ننگرهار، وردک و زابل. وقتی این فعالان از ملاها انتقاد می کنند، دلیل انتقادشان از دلیل انتقاد گروه های وابسته به نظام و روند سبز از ملاها متفاوت است: ملاها بعضا معاش بگیر امریکایی ها یا حکومت دست نشانده شان هستند.

من آن ها را امام می نامم، زیرا آن ها در جامعه ما صاحب نفوذ هستند. مشکل امام های افغان ما این است که آن ها به خوبی تحصیل نکرده اند و به خوبی آگاه نیستند. امریکایی ها و حکومت افغانستان معاش آن ها را می دهند تا آن ها پیرو اهداف سیاسی آن ها باشند و این منصفانه نیست. آن ها باید امام های حقیقی باشند و از سازمان های استخباراتی افغانستان پول نگیرند [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل].

نگرش ها در مورد حکومت های غنی و کرزی

دیدگاه های فعالان افراطی در مورد رییس جمهور پیشین حامد کرزی تا حدی متفاوت است. برخی از این دیدگاه ها بسیار منفی و بعضی دیگر نسبتا مثبت اند. انتقاد معمول از کرزی این بود که او دست نشانده امریکایی ها بود:

رییس جمهور کرزی، سگ وفادار کشورهای غربی بود، به خصوص سگ وفادار امریکا. او امریکایی ها را به افغانستان آورد. او کسی بود که اسلام را در افغانستان در معرض خطر قرار داد. تیم یا گروه ما نیز مخالف رییس جمهور کرزی بود [۲۱]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

حامد کرزی مزدور سی آی ای بود. اظهارات ضد امریکایی او یک فکاهی است. به او دستور داده شده بود تا ضد امریکا باشد [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل].

یک انتقاد معمول دیگر این بود که او منافع شخصی خود را بالاتر از منافع کشور قرار داده بود:

کرزی به هیچ چیزی غیر از پول و قدرت باور ندارد. توافقنامه امنیتی دوجانبه را که با غربی ها امضا نکرد، به خاطر الله نبود، بلکه به این خاطر بود که امریکایی ها مطالبات شخصی او را قبول نکردند [۲۵]، فعال حزب التحریر، بغلان].

با این وجود، بعضی از فعالان افراطی از موضع ضد امریکایی کرزی در سال های اخیر حکومتش قدردانی می کنند:

کرزی در آخر وقتی که توافقنامه امنیتی دوجانبه را امضا نکرد، کار بسیار خوبی انجام داد [۲۶]، فعال حزب التحریر، بغلان].

باید بگوییم که رییس جمهور کرزی به خوبی به این کشور و مردم آن خدمت کرد. ما نباید کارهای خوبی را که او برای افغانستان انجام داده، فراموش کنیم. اما این قابل ذکر است که ما از او نمی خواستیم که اجازه ورود خارجی ها به این کشور را بدهد. این یک نوع بی احترامی به دین مقدس اسلام است. این خارجی ها اجازه پیشرفت را به مردم افغانستان نمی دهند. آن ها از همه فرصت ها سواستفاده می کنند. او باید آن ها را از این جا خارج می کرد، اما این کار را نکرد. ما مخالف این تصمیم او هستیم [۲]، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف].

همان طور که پیشینی می شد، کلیه فعالان حزب التحریر همفکری اندکی با رییس جمهور غنی داشتند:

یک رییس جمهور بیهوده و غیرمسلمان. رییس جمهور غنی، مسلمان نیست. زن او مسیحی است و خودش هم قبلا مسیحی بوده است. چطور امکان دارد که یک فامیل مسیحی، رییس جمهور یک حکومت اسلامی شود؟ ما هرگز از او حمایت نکردیم و ما مخالف او هستیم [۲۱]، فعال حزب التحریر، مزار شریف].

غنی به درد یک جامعه اسلامی نمی خورد. او خدمت گزار غربی ها و جنایتکاران است [۲۶]، فعال حزب التحریر، بغلان].

او به اصطلاح رییس جمهور افغانستان است، اما در واقع مزدور سی آی ای است [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل].

طالبان اندازه بی از همفکری با رییس جمهور غنی را در جریان کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۴ نشان داده بودند،^{۲۴} اما این همفکری الی سال ۲۰۱۵ کاملاً از میان رفته بود. سه مصاحبه شونده متعلق به این گروه، اظهارات منفی را در مورد غنی ارایه دادند که یک مثال آن چنین است:

ما نظر مثبتی راجع به رییس جمهور غنی نداریم. امریکایی ها او را تعیین کردند. ما فکر می کردیم که او پشتون خوبی است، اما نیست. او قدرت و اقتدار را با حزب شمال (عبدالله) شریک کرد، حزبی که هزارها هزار پشتون را کشته است. بدترین چیز در مورد غنی این است که او یک قرارداد ستراتیژیک را با امریکا امضا کرد [۷۳]، فعال وابسته به طالبان، ننگرها را.

تنها یک فعال حزب اسلامی (از شاخه غیرقانونی این حزب) ارزیابی محتاطانه را در مورد غنی ارایه داد:

در مجموع، حکومت افغانستان نیازمند اشخاص صادق است. در حال حاضر، افراد فاسد مقام ها را در اختیار خود دارند. آن ها فقط به خاطر جیب خود کار می کنند. همان طور که شما می دانید، همه آن ها صاحب مال و ملک در افغانستان و خارج از کشور هستند. این نشان می دهد که آن ها از مردم رشوه می گیرند. آن ها در غم هیچ کس غیر از خود نیستند. بنابراین، ما از اشرف غنی می خواهیم که اشخاص صادق و مسلکی را در مقام ها تعیین کند. او باید مسلکی بودن مقام ها را مد نظر قرار دهد [۲]، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف.

در مجموع، اسلام گراهای افراطی به حکومت کنونی افغانستان به حیث یک حکومت "غیراسلامی، فاسد، نامشروع و غرب زده" نگاه می کنند [۵۰]، فعال حزب التحریر، قندوز که "با محروم سازی مردم خود به منافع خارجی ها خدمت می کند" [۴۹]، فعال حزب التحریر، قندوز. سایر فعالان افراطی مثل طالبان دارای دیدگاه های همسانی هستند [۷۳]، فعال وابسته به طالبان، ننگرها را.

دیدگاه های افراطی فعالان حزب التحریر به کشورهای همسایه نیز تسری می یابد:

کشورهای مسلمان به طریقه نادرست بانفوذ هستند، طوری که اسلام و مسلمانان را نجات نمی دهند. علمای دینی سایر کشورهای اسلامی به طور مثبتی در افغانستان بانفوذ هستند، اما حکومت های ایران، پاکستان و عربستان سعودی مخالف اسلام اند... حکومت های کشورهای اسلامی نباید در افغانستان نفوذ داشته باشند، زیرا آن ها نیز دست نشاندهان غرب هستند. علمای دینی این کشورها باید در افغانستان نفوذ داشته باشند [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل.

دیدگاه ها در مورد شورشیان

اگرچه هیچ یک از فعالان وابسته به احزاب ثبت شده تمایلی برای نشان دادن همفکری با شورشیان نداشتند، اما خلاف این موضوع در رابطه با فعالان افراطی صدق می کند، زیرا آن ها اظهار همبستگی با شورشگری مسلحانه را از جمله وظایف و وجایب خود می دانند. اگرچه این امر در مورد فعالان وابسته به طالبان آشکار بود، اما همین امر در مورد فعالان حزب التحریر چندان واضح نبود، زیرا این حزب درگیر مبارزه مسلحانه نیست. تنها ۸٫۳ درصد از "فعالان افراطی" از خود در برابر شورشیان خصومت نشان دادند (جدول ۱۳). اگرچه حزب التحریر در مخالفت مسلحانه درگیر نیست، اما دیدگاه معمولی که فعالان وابسته به این حزب اظهار داشتند، قرار ذیل بود:

فکر می کنم که طالبان و حزب اسلامی حکمتیار دیدگاه مشابه با گروه ما داشته باشند، زیرا آن ها نیز در راستای احیای شریعت در افغانستان جنگ می کنند، اما راه جنگ آن ها و طریقه که ما در پیش می گیریم، متفاوت است. ما از طریق بحث و استدلال می جنگیم، اما راه جنگیدن طالبان و حزب اسلامی از طریق کشتار مردم صورت می گیرد. از همین خاطر است که ما حامی سیاست طالبان و حزب اسلامی نیستیم [۲۱]، فعال حزب التحریر، مزار شریف.

آنانی که با این حکومت و متجاوزان غربی می جنگند، از نگاه ما مجاهد هستند؛ آن ها طالبان، حزبی ها، القاعده یا داعش نیستند. آن ها مجاهد و مسلمان واقعی هستند. ما از آن ها حمایت می کنیم و مقاومت نظامی و ایدیولوژیک آن ها برای حزب التحریر موجه است... ما رابطه بسیار خوبی با طالبان، جمعیت اصلاح و تبلیغی جماعت^{۲۵} افغانستان و پاکستان و سایر تبلیغی های مستقل داریم [۳۶]، فعال حزب التحریر، کابل.

حرکت ما از نظریات طالبان و نقش آن ها حمایت می کند، زیرا طالبان نیز پیرو شریعت هستند، اما ما مخالف فعالیت های نظامی هستیم که در اثر آن مردم بی گناه افغانستان کشته می شوند. به همین دلیل است که ما از طالبان به حیث یک سازمان حمایت نمی کنیم [۴]، فعال حزب التحریر، مزار شریف.

^{۲۴} انتونیو جیستازی، "طالبان و انتخابات سال ۲۰۱۴ در افغانستان" (واشنگتن دی سی: انستیتوت صلح ایالات متحده، ۲۰۱۴) <http://www.usip.org/sites/default/files/PW94-The-Taliban-and-the-2014-Elections-in-Afghanistan.pdf>
دی سی: انستیتوت صلح ایالات متحده، ۲۰۱۵) <http://www.usip.org/sites/default/files/PW103-Violence-the-Taliban-and-Afghanistan-S-2014-Elections.pdf>

^{۲۵} این گروه که به حیث یک حرکت دینی در سال ۱۹۲۷ از سوی محمد الیاس کاندهلوی در هند تشکیل شد، هدف تأمین اصلاحات معنوی "از متن جامعه" را دنبال می کند. این گروه که اصالتاً با حرکت دیوند مرتبط است، در سال های اخیر به افغانستان آمده است.

فعال حزب اسلامی از احتیاط بیشتری در اظهاراتش کار گرفت:

این مشوره من به آن هاست. اگر می‌خواهید افغانستان آینده روشنی داشته باشد، پس آن‌ها باید به سایر برادران ملحق شوند و راه حل مشکلات را پیدا کنند. ما باید فعالیت‌های خود را با طریقه اسلامی پیش ببریم، آن‌ها باید با دشمنان شان صلح کنند. اسلام فضای صلح است. البته که ما باید علیه کفار بجنگیم، زیرا آن‌ها به دین و کشور ما ضرر و زیان می‌رسانند و این وظیفه ماست تا جلوی آن‌ها را بگیریم [۲]، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف/.

حتی اکثریت مصاحبه‌شوندگان حزب التحریری تمایل داشتند که از شورشیان دست کم در رابطه به تاکتیک‌های کورکورانه که آن‌ها از آن در جنگ استفاده می‌کنند، فاصله بگیرند. با این وجود، در مجموع، آن‌ها با شورشیان همفکری داشتند تا این که آن‌ها را محکوم کنند.

۷. آیا شاگردان لیسه ها در حال افراطی شدن اند؟

در مجموع، موضوع سیاسی شدن لیسه ها، وضعیت به یک دیگ پر از آب می ماند که تحت فشار فزاینده قرار دارد، اما تاکنون به نقطه اوج نرسیده است. علایم آشکار سرخوردگی مفرط شاگردان نظیر تظاهرات و اعتراض ها نسبتا نادر است و در صورتی که به وقوع بپیوندد، چندان گسترده و وسیع نیست: حتی در میان فعالان، فقط ۱۷،۴ درصد از آن ها بروز چنین رویدادهایی را اطلاع دادند (جدول ۵). هنگامی که کسب معلومات در خصوص ماهیت این اعتراضات ممکن بود، معلوم شد که اعتراضات سیاسی بوده و راجع به وضعیت نظام آموزشی نبوده اند، بلکه مطالبه ها برای آزادی زندانیان، اعلام همبستگی با حرکت های اسلامی و غیره در این اعتراضات مطرح شده است.

یک بار حکومت افغانستان بعضی از شاگردان مکتب ما را دستگیر کرد، چون آن ها برای طالبان کار می کردند، اما ما اعتراض ها و دادخواهی های اداری را علیه این اقدام به راه انداختیم. بنابراین، حکومت افغانستان شاگردان را آزاد کرد [۷۳]، فعال وابسته به طالبان، ننگرها[۱].

برای مثال، در ولایت زابل برای موتورسایکل ها محدودیت وضع شده بود. طالبان به ما گفتند که ما به حکومت افغانستان بگوییم که ما با موتورسایکل به مکتب می رویم تا حکومت محدودیت بر موتورسایکل ها را لغو کند و این کار شد. یا وقتی که یک قوماندان عمده طالبان از سوی حکومت افغانستان و امریکایی ها دستگیر شده بود، ما اعتراض های بیشتری را به خاطر آزادی او به راه انداختیم [۷۲]، فعال وابسته به طالبان، دایچوپان/زابل[۱].

تنها مورد اعتراضی که مشخصا در رابطه به مسایل آموزشی به راه انداخته شده بود، اعتراضی بود که طی آن، مطالبه آموزش به زبان پشتو مطرح شده بود:

در ابتدا، همه مضامین به زبان دری بود و تنها یک مضمون به زبان پشتو بود - خود مضمون زبان پشتو - اما تعداد شاگردان پشتو زبان بیشتر از شاگردان دری زبان بودند. بنابراین، ما فشارهای زیادی را وارد کردیم و نصاب تعلیمی به زبان پشتو را برای خود به دست آوردیم [۷۴]، فعال وابسته به طالبان، وردک[۱].

۷.۱ منازعات در میان شاگردان

یک منبع ادعا کرد که شاهد موارد نسبتا مکرر بروز خشونت در میان شاگردان وابسته به گروه های مختلف وابسته به نظام، به خصوص در جریان کارزار انتخاباتی بوده است:

در جریان انتخابات، آن هایی که به جمعیت تعلق داشتند، از جنرال عطا و داکتر عبدالله حمایت و دفاع می کردند، اما آن هایی که به جنبش تعلق داشتند، از اشرف غنی و جنرال دوستم حمایت می کردند. بعضا اختلاف شان به درگیری منجر می شد [۴]، فعال حزب التحریر، مزار شریف[۱].

با این وجود، به ندرت دیده شد که فعالان درگیری شان را با فعالان دیگر احزاب اطلاع دهند (دو استثنا عبارت بودند از ۲۹، فعال جنبش، مزار شریف و ۷۴، فعال طالبان، وردک که هر دو گفتند که با فعالان حزب وحدت درگیر شده اند). بعضا این درگیری ها دارای پس منظر قومی یا فرقه یی بوده است (هم چنین به پاراگراف قبلی نگاه کنید):

وقتی که شاگردان حزب محقق [وحدت] عکس خمینی را بر دیوار نصب کردند، ما با شاگردان حزب اسلامی و ملی تحریک^{۲۶} در این مورد صحبت کردیم، ما به آن ها گفتیم که این عکس را از دیوار خواهیم کند و بعدا همه جمع شدیم و عکس را پاره پاره کردیم [۷۴]، فعال وابسته به طالبان، وردک[۱].

البته باید یادآور شد که در پی سال ها جنگ میان هزاره ها و پشتون ها بر سر علفچرها در وردک، این ولایت یکی از نقاط اصلی تنش های قومی در افغانستان به شمار می رود.

هیچ یک از مصاحبه شوندگان از احزاب وابسته به نظام اظهار نداشتند که مسایل لسانی موضوع مشاجره های سیاسی آن هاست، اگرچه سروی دریافت که این مسایل در جر و بحث ها در میان شاگردان مطرح می شود (جدول ۱۵ و جدول ۴ در ضمیمه). استدلال های معمول در مورد این که چرا مسایل زبانی موضوع مشروعی برای مشاجرات تلقی نمی شود، عبارت بودند از صدمه که این مسایل می تواند به وحدت ملی وارد سازد ("اگر درباره مسایل پشتو یا دری صحبت کنیم، این مسله ما را از هم می پاشاند") [۹]، فعال جنبش، مزار شریف] و ترس از متهم شدن به نژادپرستی [۱]، فعال جنبش، مزار شریف؛ ۱۶، فعال جمعیت اسلامی، کابل[۱].

^{۲۶} این حزب اخیرا توسط اسماعیل یون تاسیس شده، یک حرکت ملی گرای افراطی پشتون است و در ابتدا از اشرف غنی در انتخابات سال ۲۰۱۴ حمایت کرد. با این حال، غنی مجبور شد که به علت دیدگاه های بحث برانگیز اسماعیل یون از این گروه فاصله بگیرد. اسماعیل یون هم چنین یک شبکه تلویزیونی دارد که نظریات سیاسی اش را پخش می کند. این حزب عمدتا در شرق و جنوب شرق افغانستان حضور دارد.

جدول ۱۵: فعالان شاگرد و مشاجرات درباره دری و پشتو

قانونی، وابسته به نظام		قانونی، ضد نظام		غیرقانونی		همه		
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	
۵	۲۰.۸	۳	۳۰	۴	۳۳.۳	۱۲	۲۶.۱	بحث در مورد مسایل زبانی
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶		مجموع
قانونی، وابسته به نظام		قانونی، ضد نظام		غیرقانونی		همه		
تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	تعداد	درصدی	
۵	۲۰.۸	۳	۳۰	۴	۳۳.۳	۱۲	۲۶.۱	بحث در مورد مسایل زبانی
۲۴		۱۰		۱۲		۴۶		مجموع

در کل، اکثریت قاطع مصاحبه شونده‌گان بیان داشتند که رابطه آن‌ها با فعالان دیگر احزاب در مکتب‌ها شان دوستانه است و در بدترین وضعیت، نسبت به آن‌ها بی تفاوت و بی اعتنا هستند. جنگ با سایر شاگردان می‌تواند به اخراج از مکتب منجر شود و معمولاً فعالان لیسه‌ها آرزوهای شان فراتر از این است که از مکتب اخراج شوند.

۷.۲ علل سیاسی شدن لیسه‌ها

یک تناقض آشکار میان آزادسازی سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ و تلاش برای دور نگه داشتن لیسه‌ها از سیاست وجود دارد [۶۱، معلم، ننگرهار؛ ۵۲، معلم، مزار]:

علتش تعداد رو به افزایش شبکه‌های تلویزیونی است که مشاجره‌های سیاسی زیادی را پخش می‌کنند و این مشاجره‌ها در تمام طبقات اجتماعی رخنه کرده و ریشه دوانده است. در عین زمان، احزاب سیاسی در جلب و جذب اذهان جوان و تازه در جامعه فعال اند [۴۳، معلم، گلپهار/پروان].

به نظر می‌رسد این یک ملاحظه عقلانی باشد. در واقع، اغلب مصاحبه شونده‌گان اظهار داشتند که کارزار انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴، فعالیت سیاسی زیادی را در مکتب‌ها تحریک کرد و این انتخابات یکی از معمول‌ترین موضوعات مشاجره‌های سیاسی در مکتب‌ها بوده است (نگاه کنید به جدول ۱۲ در ضمیمه). یک معلم اضافه کرد که تصور بی‌عدالتی در نهادهای آموزشی نیز یکی از عوامل جلب و جذب شاگردان در گروه‌های سیاسی است [۵۶، معلم، جلال‌آباد؛ هم چنین به قسمت ۳،۷ در مورد عضوگیری شورشیان از شاگردان در ذیل نگاه کنید]. به گفته یک معلم، دست کم در ولایت ننگرهار، فعالیت‌های سیاسی بیشتر در میان شاگردان در ولسوالی‌ها شیوع دارد تا در جلال‌آباد [۵۵، معلم، جلال‌آباد]. به نظر می‌رسد این امر مؤید این دیدگاه باشد که سرخوردگی از عدم داشتن فرصت تحصیلات بیشتر یک علت عمده در سیاسی شدن شاگردان لیسه‌ها است. در مجموع، به نظر می‌رسد که ۴۶ مصاحبه با فعالان شاگرد این ملاحظه‌ها را تایید می‌کند: تنها ۴۱،۳ درصد از فعالان شاگرد رضایت شان را از نظام آموزشی افغانستان ابراز کردند و این درصدی به ۴۰ درصد در رابطه با فعالان وابسته به گروه‌های قانونی ضد نظام و به صفر درصد در ارتباط با فعالان گروه‌های غیرقانونی کاهش یافت (جدول ۱۱). اگرچه احتمال دارد که جواب‌های ارایه شده توسط فعالان گروه‌های غیرقانونی به گونه مغرضانه منفی باشد، اما این احتمال هم وجود دارد که این جواب‌ها نشانگر سرخوردگی شان از نظام آموزشی باشد. سایر پاسخ‌هایی که در همین راستا است، درصدی نسبتاً پایین شاگردان گروه‌های غیرقانونی است که قصد یا امید ادامه تحصیل در پوهنتون (۷۵ درصد در مقابل ۱۰۰ درصد در رابطه با شاگردان طرفدار نظام) یا در خارج از کشور (۶۶،۷ درصد در مقابل ۱۰۰ درصد در رابطه با شاگردان طرفدار نظام) را دارند، اگرچه این درصدی‌ها به خودی خود خیلی بالا است.

۷.۳ عضوگیری شورشیان از شاگردان

با وجود "تبعیض" که در قسمت ۲،۳ در بالا مورد بحث قرار گرفت، در مجموع، حتی در رابطه با سازمان‌های ممنوع، به نظر می‌رسد که وزارت معارف قادر نیست که از فعالیت‌های سیاسی و عضوگیری در مکتب‌ها جلوگیری کند. حتی برخی از معلمان شاهد پیوستن شاگردان به طالبان بوده‌اند:

من یک شاگرد نوجوان را می‌شناسم که به طالبان پیوسته است. وقتی خانواده اش پی برد، او را از کوه‌ها به خانه برگرداندند [۴۳، معلم، گلپهار/پروان].

من شاگردان بسیاری را دیده‌ام و در مورد شاگردان بسیاری شنیده‌ام که به طالبان و حزب اسلامی پیوسته‌اند و علیه حکومت افغانستان و امریکایی‌ها جنگ می‌کنند [۴۴، معلم، لغمان].

بله، ما بسیاری از آن ها را دیده ایم که به گروه طالبان ملحق شده اند. قوماندان فعلی طالبان، شاگرد این مکتب بود [۵۴، معلم، مزار].

در کل، از مجموع ۲۶ معلم، ۹ نفر از آن ها اطلاع داشتند که شاگردان به گروه های شورشی ملحق شده اند (۳۴،۶ درصد)، اگرچه در برخی از موارد، فامیل های این شاگردان بعدا آن ها را مجبور به ترک این گروه ها کرده بودند:

بله، من بعضی از شاگردان را دیده ام که به گروه های مسلح پیوسته و علیه حکومت ایستاد شده اند... اکثر وقت ها خانواده های شان آن ها را تهدید می کنند که این گروه های افراطی را ترک کنند [۵۹، معلم، پکتیا].

در ابتدا، آن ها بدون اجازه فامیل های شان به گروه های افراطی می پیوندند. وقتی که فامیل های شان از این کارشان باخبر می شوند، آن ها را مجبور به ترک این گروه ها می کنند [۵۷، معلم، بهسود].

سه فعال وابسته به طالبان که با آن ها مصاحبه شد، ادعا کردند که شاگردان را به منظور جنگیدن نزد طالبان فرستاده اند [۷۲، ۷۳، ۷۴، فعالان وابسته به طالبان در ننگرهار، وردک و زابل]. بر علاوه تبلیغ سیاسی گروه های مسلح در مکتب ها، تنها دلیل دیگری که برای توضیح چرایی پیوستن شاگردان به این گروه ها ارایه شد، سرخوردگی این شاگردان از ناکامی شان در پذیرش در تحصیلات عالی در پوهنتون های کشور بیان شده است

بعضی از شاگردانی که نمی توانند به پوهنتون راه یابند، به گروه های مسلح ملحق می شوند [۷۱، معلم، پکتیا].

یک شاگرد هوشیار و ذکی نتوانست به پوهنتون راه یابد، زیرا بچه های زورمندان تنها کسانی هستند که به پوهنتون راه می یابند و این نشانگر وسعت فساد اداری است. حالا آن شاگرد جزو گروه طالبان است [۶۴، معلم، غزنی].

بر علاوه کمبودها و نارسایی ها در نظام آموزشی افغانستان که می تواند به صورت مستقیم شاگردان را به سوی شورشگری براند، شک و تردیدی وجود ندارد که "معترضان علیه نظام" همراه با "معترضان درون نظام" بر این نظرند که نظام آموزشی افغانستان بی کیفیت و ضعیف است:

باید به شما بگویم که اگر این نظام آموزشی ادامه یابد، ما بی سواد و تحصیل نکرده خواهیم ماند، چون ما مضامین بامعنی و امکانات خوب نداریم. ما باید در نظام آموزشی مضامین بهتر و برنامه های اسلامی داشته باشیم [۲، فعال حزب اسلامی (حکمتیار)، مزار شریف].

فکر نمی کنم اصلا نظام آموزشی در این کشور موجود باشد. نصاب تعلیمی بیهوده و عبث است. غربی ها ارزش های شان را از طریق کتاب های مکتب ها به ما تحمیل کرده اند که جوانان افغانستان در تاریکی و ظلمت باشند. ما تعهد داریم که این وضعیت را از طریق فعالیت اسلامی تغییر دهیم [۳۶، فعال حزب التحریر، کابل].

غربی ها به افغانستان تحت نام آوردن سیستم آموزش و صحت خوب تجاوز کردند، اما فقط به آن چه امروز در نظام آموزشی در حال رخ دادن است، نگاه کنید. بدتر از زمان کمونیست ها، مجاهدین و طالبان است [۱۷، فعال جمعیت اصلاح، کابل].

۸. جمع بندی

این مطالعه و سروی همراه آن (توضیح نامه) رشته‌یی از تحولات را نمایان ساخته که سیاستگذاران و ناظران در تمام عرصه‌ها عمدتاً تاکنون از آن‌ها چشم‌پوشی کرده‌اند. اولین تحول، وسعت فعالیت سیاسی در میان شاگردان لیسه‌هاست که اگرچه شاید تعجب‌آور باشد، اما می‌توان به آن به حیث یک تحول مثبت نگاه کرد، زیرا نشان‌دهنده زنده بودن نظام سیاسی افغانستان است. دومین تحول، حضور گسترده فعالان افراطی در میان توده وسیع فعالان سیاسی در لیسه‌هاست. این فعالان افراطی به درجه‌های مختلفی با شورشیان همفکری دارند. جای تردیدی نیست که بخشی از شاگردان لیسه‌ها توسط شورشیان طالبان جلب و جذب شده‌اند. اگرچه لیسه‌های افغانستان تاکنون به مرحله بسیج و اعتراض گسترده نرسیده‌اند، اما به نظر می‌رسد که آن‌ها در همین مسیر قرار داشته باشند. این احتمال که چنین وضعیتی در لیسه‌ها پیش بیاید، در صورتی وجود دارد که اقتصاد بهبود نیابد و فرصت‌های شغلی بیشتر نشود.

گزارش حاضر، توضیحات احتمالی عوامل سیاسی شدن شاگردان لیسه‌ها را مورد بررسی قرار داد. آن‌چه واضح است، این است که این وضعیت قسمتی‌پایه طبیعی معرفی یک نظام سیاسی باز و رقابتی از سال ۲۰۰۱ به این سو در کشور است. از آن جایی که شاگردان لیسه‌ها به سن رأی‌دهی می‌رسند، طبیعی است که آن‌ها مشاغل پیرامون مسایل سیاسی، از جمله در مکتب‌ها را آغاز می‌کنند. از این دیدگاه، می‌توان استدلال کرد که ممنوعیت کنونی فعالیت سیاسی در لیسه‌ها، اثر کهنه دوره استبداد و استیلاطلبی است. با این وجود، دلایل دیگری نیز در خصوص روند جاری سیاسی شدن لیسه‌ها وجود دارد.

به نظر می‌رسد یکی از این دلایل این باشد که بسیاری از شاگردان لیسه‌ها آن قدر از ماهیت نظام سیاسی افغانستان آگاه‌اند که اشتیاق دارند که در یکی از شبکه‌های سیاسی حاکم از سن بسیار پایین شامل باشند. به نظر می‌رسد آن‌ها باور دارند که بدون داشتن حمایت یک شبکه سیاسی، قادر نخواهند بود که نمرات خوبی را به دست آورند، به پوهنتون راه یابند و در نهایت شغل خوبی را برای خود تأمین کنند.

این‌ها شاگردانی هستند که باور دارند که نظام سیاسی دچار زدوبند، همان‌طور که از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۵ ادامه یافته، در آینده نیز دوام خواهد داشت. در جریان مصاحبه‌ها، چندین شاگرد با زبان اصلاح طلبانه صحبت می‌کردند: مرگ بر فساد اداری! مرگ بر خویش‌خوری! با این وجود، آن‌ها به طور عجیبی به همین احزاب و گروه‌هایی پیوستند که طی چند سال گذشته دچار خویش‌خوری و زدوبندهای گسترده‌یی بوده‌اند. رییس‌جمهور سابق کززی اغلباً مسول فساد اداری در گذشته دانسته می‌شد، حال آن‌که بقیه نظام سیاسی به صورت کلی تیره می‌گردید. اما واکنش این شاگردان در صورتی که امیدهای شان در مورد دوام نامحدود روند جاری سیاسی شکسته شود، چگونه خواهد بود؟ علی‌رغم خبرهای منفی در عرصه‌های اقتصادی و نظامی کشور، اکثریت قاطع مصاحبه‌شوندگان در این گروه (۲۴ فعال وابسته به احزاب وابسته به نظام) یک نوع خوشبینی کورکورانه را در مورد آینده ابراز کردند.

اکثریت شاگردان از لحاظ سیاسی فعال، متعلق به همین گروه‌اند که در بالا مورد بحث قرار گرفت: فرصت طلبانی که سعی دارند در مسیر جاری نظام سیاسی حرکت دارند، مسیری که آغشته به خویش‌خواری و زدوبندها است. با این وجود، اقلیتی از شاگردان، این نظام را مردود می‌دانند، زیرا یا باور دارند که قادر به حرکت در "مسیر جاری نظام سیاسی" به آسانی همقطاران واسطه‌دارشان نیستند یا این که اصولاً موضع شان رد آن‌چه است که آن‌ها را یک نظام فاسد می‌دانند. این‌ها افرادی‌اند که اغلباً از مناطق و محلات دورافتاده، فقیر و بی‌واسطه‌اند و در راستای جلب توجه و لطف نظام تقلا و رقابت می‌کنند.

بخش عمده از این اقلیت ناراضی-که می‌تواند در بخش‌هایی از کشور اکثریت را به خود اختصاص دهند-به گروه‌ها و سازمان‌هایی گرایش دارند که نظام را در کل رد می‌کنند. در مورد افغانستان سال ۲۰۱۵، به نظر می‌رسد این به معنی گروه‌های اسلامی افراطی‌یی باشد که دچار انشعاب‌ها مختلفی شده‌اند. در مجموع، این گروه از شاگردان خویش‌خواری، فساد اداری و غرب‌زدگی را محکوم می‌کنند. به نظر می‌رسد که هیچ ایدیولوژی سیاسی سکولاری نتواند با این باور و عقیده رقابت کند که بازگشت به اجرای سختگیرانه شریعت می‌تواند جامعه منصفانه‌تر و کارآمدتری را تأمین کند. حتی به نظر می‌رسد که گروه‌های اسلام‌گرای وابسته به نظام سعی دارند که جایگزین‌ها و بدیل‌های عملی را ارایه دهند. در واقع، آن‌ها اکثراً با نظام موجود سازش و مصالحه کرده‌اند. ادعاهای آن‌ها در مورد قصدشان به منظور تاسیس یک دولت "اسلامی" حقیقی در آینده، با در نظر داشت این‌که آن‌ها طی ۱۴ سال گذشته وابسته به نظام بوده‌اند و به پیشرفت اندکی در این راستا دست یافته‌اند، پوچ و میان‌تهی به نظر می‌رسد. از آن جایی که "رد پای غربی‌ها" در نظام کنونی بسیار قوی است، طبیعی است که جوانان ناراضی به سوی گروه‌های ردگرایی کشانده شوند که می‌خواهند نظام را از نفوذ غرب پاکسازی کنند. از آن جایی که این گروه‌ها نیز خود را احیاگران اسلامی می‌دانند، بسیاری از معلمانی که ریشه در احزاب اسلام‌گرا و بنیادگرایی جنگ‌های دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی دارند، گرایش دارند که تهدیدهایی را که نسل جدید گروه‌های اسلام‌گرا و بنیادگرایی افراطی می‌توانند علیه نظام سیاسی کنونی به راه‌اندازند، کم‌اهمیت جلوه دهند. اظهارات ذیل از یک معلم نشانگر این ذهنیت است:

افغانستان یک کشور اسلامی است و خطری در ایدیولوژی اسلامی وجود ندارد / ۱۶ معلم، ننگرهار.

در واقع، نظام سیاسی افغانستان که ادعا دارد مشروعیتش را هم از جهاد دهه ۱۹۸۰ میلادی و هم از اسلام گرفته، برای مقاومت علیه فشار گروه‌هایی که طرفدار شریعت بیشتر و نفوذ کم‌تر غرب هستند، مجهز نیست.

۸.۱ پیشنهادات برای پالیسی

روند جاری سیاسی شدن شاگردان لیسه ها تاکنون به نقطه خطرناکی نرسیده است که بتواند به طور قطع باعث بی ثباتی کشور شود. به جای آن که منتظر چنین رخدادی باشند، مقامات ذیصلاح باید سیاست های آموزشی به خصوص ممنوعیت فعالیت سیاسی در لیسه ها را مورد تجدیدنظر قرار دهند. اگر این ممنوعیت لغو شود، دست کم یک زمینه برابر برای فعالیت سیاسی در لیسه ها فراهم آورده می شود و احزاب و سازمان های مختلفی می توانند در جهت جلب توجه و وفاداری نسل جوان به کار و فعالیت خود آغاز کنند. تاکنون، این ممنوعیت عمدتاً در دور نگهداشتن گروه های میانه رو و مترقی از لیسه ها موفق بوده است.

اگرچه ممنوعیت فعالیت سیاسی در لیسه ها می تواند به آسانی ملغا شود، اما بهبود کیفیت آموزش در لیسه ها یک وظیفه به مراتب پیچیده تر است، به خصوص اگر تعداد شاگردانی که همه ساله ثبت نام می کنند، مد نظر قرار داده شود. در وضعیت اقتصادی کنونی، غیرمحمتمل است که بودجه بیشتری برای بهبود آموزش اختصاص داده شود. اگرچه این مطالعه به مسایل مربوط به گزینش معلمان لیسه ها و مشوق هایی که می تواند معلمان واجد شرایط را به لیسه ها جذب کند، توجه ندارد، اما این ها عرصه هایی اند که حکومت می تواند به آن ها به حیث دستاوردهای نسبتاً ارزان نگاه کند و در این عرصه ها کار کند. اگر کاری به منظور مهار سرخوردگی شاگردان لیسه ها انجام نشود، می توان منتظر بسیج گسترده شاگردان در آینده بود.

۹. ضمیمه

۹.۱ جدول های سروی

جدول ۱ الف: زمان فعالیت های سیاسی بی که مصاحبه شوندگان شاهد آن ها بوده اند

تعداد پاسخ ها	سوال ۲.۲ الف: چه زمانی شما علایم فعالیت سیاسی را مشاهده کردید؟					ولایت
	بدون پاسخ	بیش از یک سال قبل	طی سال گذشته	طی ۲-۳ ماه گذشته	طی ماه گذشته	
۲۳	۰.۰٪	۸۵.۷٪	۱۴.۳٪	۰.۰٪	۰.۰٪	زابل
۳۵	۰.۰٪	۷۷.۱٪	۲۰.۰٪	۲.۹٪	۰.۰٪	قندهار
۱۷	۰.۰٪	۸۸.۲٪	۵.۹٪	۵.۹٪	۰.۰٪	هلمند
۱۶	۱۸.۸٪	۵۰.۰٪	۳۱.۳٪	۰.۰٪	۰.۰٪	غزنی
۲۲	۷۰.۰٪	۱۰.۰٪	۱۰.۰٪	۱۰.۰٪	۰.۰٪	پکتیا
۱۶	۱۲.۵٪	۸۱.۳٪	۶.۳٪	۰.۰٪	۰.۰٪	لوگر
۲۰	۲۰.۰٪	۴۵.۰٪	۳۰.۰٪	۵.۰٪	۰.۰٪	وردک
۴۰	۰.۰٪	۲۰.۵٪	۵۳.۸٪	۲۵.۶٪	۲.۶٪	ولسوالی های کابل
۲۲	۹.۱٪	۵۰.۰٪	۳۶.۴٪	۴.۵٪	۰.۰٪	شهر کابل
۱۲	۹.۱٪	۱۸.۳٪	۴۵.۵٪	۲۷.۳٪	۰.۰٪	کاپیسا
۱۶	۱۱.۱٪	۵۵.۶٪	۳۳.۳٪	۰.۰٪	۰.۰٪	پروان
۳۰	۰.۰٪	۱۳.۳٪	۵۶.۷٪	۳۰.۰٪	۰.۰٪	تخار
۳۰	۶.۷٪	۱۶.۷٪	۵۳.۳٪	۲۳.۳٪	۰.۰٪	قندوز
۳۰	۰.۰٪	۳۰.۴٪	۴۷.۸٪	۲۱.۷٪	۳.۰۴٪	بغلان
۲۱	۰.۰٪	۱۰.۵٪	۴۲.۱٪	۴۷.۴٪	۵.۳٪	بدخشان
۲۲	۳۲.۱٪	۰.۰٪	۲۸.۶٪	۳۹.۳٪	۰.۰٪	بلیخ
۱۶	۰.۰٪	۷۵.۰٪	۱۸.۸٪	۶.۳٪	۰.۰٪	هرات
۱۶	۶.۳٪	۸۱.۳٪	۱۲.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	کنر
۲۶	۲۵.۰٪	۶۲.۵٪	۱۲.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	لغمان
۲۱	۲۳.۸٪	۵۷.۱٪	۱۹.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	ننگرهار
۱۲۶	۱۰.۳٪	۵۴.۰٪	۲۳.۰٪	۱۲.۷٪	۰.۰٪	مکتب های ساحات روستایی
۲۲۷	۵.۳٪	۴۴.۳٪	۳۱.۱٪	۱۶.۲٪	۳.۱٪	مکتب های شهرهای کوچک
۷۸	۲.۶٪	۵۹.۰٪	۲۵.۶٪	۱۲.۸٪	۰.۰٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۴۳۱	۶.۳٪	۴۹.۸٪	۲۷.۸٪	۱۴.۶٪	۱.۶٪	همه مکتب ها

جدول ۱ ب: گستردگی فعالیت های سیاسی بی که مصاحبه شوندگان شاهد آن ها بوده اند

تعداد پاسخ ها	سوال ۲.۲ ب: هر چند وقت یک بار شاهد موارد فعالیت سیاسی بودید؟					ولایت
	بدون پاسخ	بیش از ۱۰ بار	۴-۱۰ بار	۲-۳ بار	فقط یک بار	
۲۳	۰.۰٪	۷۶.۳٪	۴.۸٪	۱۴.۳٪	۹.۵٪	زابل
۳۵	۰.۰٪	۸۵.۷٪	۸.۶٪	۲.۹٪	۲.۹٪	قندهار
۱۷	۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	هلمند
۱۶	۱۸.۸٪	۶۲.۵٪	۶.۳٪	۱۲.۵٪	۰.۰٪	غزنی
۲۲	۲۰.۰٪	۸۰.۰٪	۱۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰.۰٪	پکتیا
۱۶	۱۲.۵٪	۸۷.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	لوگر
۲۰	۲۰.۰٪	۵۰.۰٪	۱۰.۰٪	۲۰.۰٪	۰.۰٪	وردک
۴۰	۰.۰٪	۲.۵٪	۴۰.۰٪	۳۵.۰٪	۲۲.۵٪	ولسوالی های کابل

۲۲	۹.۱٪	۵۴.۵٪	۳۱.۸٪	۴.۵٪	۰.۰٪	شهر کابل
۱۲	۰.۰٪	۹.۱٪	۷۲.۷٪	۱۸.۲٪	۰.۰٪	کاپیسا
۱۶	۰.۰٪	۲۲.۲٪	۳۳.۳٪	۴۴.۴٪	۰.۰٪	پروان
۳۰	۰.۰٪	۳۰.۰٪	۵۰.۰٪	۲۰.۰٪	۰.۰٪	تخار
۳۰	۶.۷٪	۲۶.۷٪	۳۶.۷٪	۳۰.۰٪	۰.۰٪	قندوز
۳۰	۰.۰٪	۲۳.۳٪	۳۶.۷٪	۳۰.۰٪	۱۰.۰٪	بغلان
۲۱	۰.۰٪	۲۰.۰٪	۵۰.۰٪	۲۵.۰٪	۱۰.۰٪	بدخشان
۲۲	۳۲.۱٪	۰.۰٪	۴۲.۹٪	۲۵.۰٪	۰.۰٪	بلخ
۱۶	۰.۰٪	۷۵.۰٪	۱۸.۸٪	۶.۳٪	۰.۰٪	هرات
۱۶	۶.۳٪	۸۷.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۶.۳٪	کنر
۲۶	۳۱.۳٪	۶۲.۵٪	۶.۳٪	۰.۰٪	۰.۰٪	لغمان
۲۱	۲۳.۸٪	۵۷.۱٪	۱۹.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	ننګرهار
۱۲۶	۷.۹٪	۴۸.۴٪	۳۱.۰٪	۱۰.۳٪	۲.۴٪	مکتب های ساحات روستایی
۲۲۷	۵.۳٪	۴۹.۱٪	۲۶.۸٪	۱۵.۸٪	۳.۱٪	مکتب های شهرهای کوچک
۷۸	۲.۶٪	۶۰.۳٪	۲۵.۶٪	۱۰.۳٪	۱.۳٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۴۳۱	۵.۶٪	۵۰.۹٪	۲۷.۸٪	۱۳.۲٪	۲.۵٪	همه مکتب ها

جدول ۲ الف: زمان فعالیت های سیاسی بی که مصاحبه شوندگان از طرف های ثالث شنیده اند

ولایت	سوال ۴.۲ الف: چه زمانی شما از سایرین در مورد علایم فعالیت های سیاسی شنیده اید؟					تعداد پاسخ ها
	طی ماه گذشته	طی ۲-۳ ماه گذشته	طی سال گذشته	بیش از یک سال قبل	بدون پاسخ	
زابل	۰.۰٪	۰.۰٪	۲۱.۷٪	۷۸.۳٪	۰.۰٪	۲۳
قندهار	۲.۹٪	۰.۰٪	۸.۸٪	۹۱.۲٪	۰.۰٪	۳۵
هلمند	۰.۰٪	۵.۹٪	۵.۹٪	۸۸.۲٪	۰.۰٪	۱۷
غزنی	۰.۰٪	۶.۳٪	۳۱.۳٪	۴۳.۸٪	۱۸.۸٪	۱۶
پکتیا	۲۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۸۰.۰٪	۲۰.۰٪	۲۲
لوګر	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۲.۵٪	۸۷.۵٪	۰.۰٪	۱۶
وردک	۰.۰٪	۵.۰٪	۳۰.۰٪	۴۵.۰٪	۲۰.۰٪	۲۰
ولسوالی های کابل	۵.۳٪	۲۸.۹٪	۵۰.۰٪	۲۱.۱٪	۰.۰٪	۴۰
شهر کابل	۰.۰٪	۰.۰٪	۴.۵٪	۲۷.۳٪	۵۹.۱٪	۲۲
کاپیسا	۰.۰٪	۱۸.۲٪	۵۴.۵٪	۱۸.۲٪	۹.۱٪	۱۲
پروان	۰.۰٪	۳۳.۳٪	۵۵.۶٪	۱۱.۱٪	۰.۰٪	۱۶
تخار	۰.۰٪	۳۳.۳٪	۶۰.۰٪	۶.۷٪	۰.۰٪	۳۰
قندوز	۰.۰٪	۳۳.۳٪	۵۰.۰٪	۱۰.۰٪	۶.۷٪	۳۰
بغلان	۰.۰٪	۲۶.۷٪	۵۶.۷٪	۱۶.۷٪	۰.۰٪	۳۰
بدخشان	۵.۰٪	۷۰.۰٪	۲۰.۰٪	۱۰.۰٪	۰.۰٪	۲۱
بلخ	۰.۰٪	۴۶.۴٪	۲۸.۶٪	۰.۰٪	۲۵.۰٪	۲۲
هرات	۰.۰٪	۰.۰٪	۳۷.۵٪	۵۶.۳٪	۶.۳٪	۱۶
کنر	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۲.۵٪	۸۱.۳٪	۶.۳٪	۱۶
لغمان	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۸.۸٪	۷۵.۰٪	۶.۳٪	۲۶
ننګرهار	۰.۰٪	۰.۰٪	۲۵.۰٪	۷۵.۰٪	۰.۰٪	۲۱
مکتب های ساحات روستایی	۰.۸٪	۱۵.۹٪	۲۶.۲٪	۵۳.۲٪	۴.۰٪	۱۲۶
مکتب های شهرهای کوچک	۱.۸٪	۱۸.۹٪	۳۲.۵٪	۴۴.۳٪	۲.۶٪	۲۲۷
مکتب های شهرهای بزرگ	۰.۰٪	۱۵.۴٪	۲۶.۹٪	۵۵.۱٪	۲.۶٪	۷۸
همه مکتب ها	۱.۲٪	۱۷.۴٪	۲۹.۶٪	۴۸.۸٪	۳.۰٪	۴۳۱

جدول ۲ ب: گستردگی فعالیت های سیاسی بی که مصاحبه شوندگان از طرف های ثالث شنیده اند

ولایت	سوال ۴.۲ ب: هر چند وقت یک بار موارد فعالیت سیاسی مشاهده شدند؟					تعداد پاسخ ها
	فقط یک بار	۲-۳ بار	۴-۱۰ بار	بیش از ۱۰ بار	بدون پاسخ	
زابل	۴.۳%	۱۳.۰%	۸.۷%	۷۳.۹%	۰.۰%	۲۳
قندهار	۰.۰%	۵.۷%	۱۱.۴%	۸۲.۹%	۰.۰%	۳۵
هلمند	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۱۷
غزنی	۰.۰%	۱۸.۸%	۱۲.۵%	۵۰.۰%	۱۸.۸%	۱۶
پکتیا	۸.۳%	۰.۰%	۰.۰%	۷۵.۰%	۱۶.۷%	۲۲
لوگر	۰.۰%	۰.۰%	۱۸.۸%	۸۱.۳%	۰.۰%	۱۶
وردک	۰.۰%	۱۵.۰%	۱۵.۰%	۵۰.۰%	۲۰.۰%	۲۰
ولسوالی های کابل	۲۲.۵%	۳۷.۵%	۳۵.۰%	۵.۰%	۰.۰%	۴۰
شهر کابل	۹.۱%	۰.۰%	۴.۵%	۴۰.۹%	۴۵.۵%	۲۲
کاپیسا	۰.۰%	۱۸.۲%	۷۲.۷%	۰.۰%	۹.۱%	۱۲
پروان	۰.۰%	۴۴.۴%	۳۳.۳%	۱۱.۱%	۰.۰%	۱۶
تخار	۰.۰%	۲۰.۰%	۵۰.۰%	۳۰.۰%	۰.۰%	۳۰
قندوز	۰.۰%	۳۰.۰%	۳۶.۷%	۲۳.۳%	۶.۷%	۳۰
بغلان	۱۰.۰%	۳۳.۳%	۴۰.۰%	۱۶.۷%	۰.۰%	۳۰
بدخشان	۹.۵%	۲۳.۸%	۴۲.۹%	۱۹.۰%	۰.۰%	۲۱
بلخ	۰.۰%	۳۹.۳%	۳۵.۷%	۰.۰%	۲۵.۰%	۲۲
هرات	۰.۰%	۱۲.۵%	۲۵.۰%	۵۶.۳%	۶.۳%	۱۶
کنر	۰.۰%	۰.۰%	۶.۳%	۸۷.۵%	۶.۳%	۱۶
لغمان	۰.۰%	۶.۳%	۱۸.۸%	۶۸.۸%	۶.۳%	۲۶
ننگرهار	۰.۰%	۰.۰%	۴۳.۸%	۸۷.۵%	۰.۰%	۲۱
مکتب های ساحات روستایی	۱.۶%	۱۵.۹%	۲۳.۰%	۵۵.۶%	۴.۰%	۱۲۶
مکتب های شهرهای کوچک	۱.۳%	۱۵.۸%	۳۰.۷%	۴۹.۶%	۲.۶%	۲۲۷
مکتب های شهرهای بزرگ	۰.۰%	۱۵.۴%	۳۲.۱%	۵۰.۰%	۲.۶%	۷۸
همه مکتب ها	۱.۲%	۱۵.۷%	۲۸.۷%	۵۱.۴%	۳.۰%	۴۳۱

جدول ۳: حضور انواع مختلف گروه های سیاسی بی که اطلاع داده شد

گروه های لیبرال و دموکرات	گروه های انشعایی از شبه نظامیان جنگ های داخلی	گروه های مائویستی و چپی	گروه های قومی-ملی گرا	گروه های اسلامی	
۴.۵%	۸۱.۰%	۹.۵%	۱۸.۲%	۹۵.۷%	زابل
۵.۸%	۸۰.۰%	۴۰.۰%	۶۸.۶%	۸۰.۰%	قندهار
۵.۹%	۹۴.۱%	۴۷.۱%	۶۴.۷%	۸۸.۲%	هلمند
۱۲.۵%	۷۵.۰%	۰.۰%	۱۲.۵%	۵۰.۰%	غزنی
۸.۳%	۵۸.۳%	۰.۰%	۴۱.۷%	۹۱.۷%	پکتیا
۰.۰%	۵۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۷۵.۰%	لوگر
۰.۰%	۹۵.۰%	۰.۰%	۲۵.۰%	۸۰.۰%	وردک
۰.۰%	۸۷.۵%	۰.۰%	۵.۰%	۷۲.۵%	ولسوالی های کابل
۵۴.۵%	۵۹.۰%	۴۵.۵%	۷۲.۷%	۹۰.۹%	شهر کابل
۰.۰%	۸۱.۸%	۰.۰%	۹.۱%	۱۰۰.۰%	کاپیسا
۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	پروان
۰.۰%	۵۰.۰%	۱۸.۸%	۵۰.۰%	۸۱.۳%	کنر
۶.۳%	۸۱.۳%	۰.۰%	۳۱.۳%	۶۲.۵%	لغمان
۰.۰%	۴۷.۶%	۱۹.۰%	۵۷.۱%	۶۱.۹%	ننگرهار
۰.۰%	۷۵.۰%	۳۲.۱%	۷.۱%	۶۷.۹%	بلخ

۲۳.۳%	۱۰۰.۰%	۱۰.۰%	۱۰۰.۰%	۱۰۰.۰%	تخار
۱۰.۰%	۹۰.۰%	۳.۳%	۸۶.۷%	۹۰.۰%	قندوز
۰.۰%	۱۰۰.۰%	۳.۳%	۹۶.۷%	۹۶.۷%	بغلان
۱۹.۰%	۹۰.۵%	۰.۰%	۷۱.۴%	۷۶.۲%	بدخشان
۱۸.۸%	۱۰۰.۰%	۱۲.۵%	۱۲.۵%	۸۱.۳%	هرات
۶.۳%	۷۶.۲%	۱۶.۷%	۴۶.۸%	۷۷.۸%	مکتب های ساحات روستایی
۹.۲%	۸۴.۶%	۱۴.۵%	۵۶.۲%	۸۴.۲%	مکتب های شهرهای کوچک
۱۹.۲%	۴۷.۴%	۴۴.۹%	۴۴.۹%	۸۲.۰%	مکتب های شهرهای بزرگ
۱۰.۴%	۷۵.۴%	۲۰.۶%	۵۱.۴%	۸۱.۹%	همه مکتب ها

جدول ۴: گروه های لیبرال و مترقی فعال در مکتب ها

سایرین	روند سبز (امرالله صالح)	حزب جمهوری خواهان	افغانستان د پرمختک	گروه تحلیل و آگاهی افغانستان	افغانستان ۱۴۰۰	حزب حق و عدالت	
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	زابل
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۵.۸%	قندهار
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	هلمند
۰.۰%	۱۲.۵%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	غزنی
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	لوگر
۰.۰%	۰.۰%	۸.۳%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	پکتیا
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	ولسوالی های کابل
۴.۵%	۹.۱%	۳۱.۸%	۰.۰%	۱۸.۲%	۲۲.۷%	۳۶.۴%	شهر کابل
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	وردک
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	کاپیسا
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	پروان
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	کنر
۰.۰%	۶.۳%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	لغمان
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	ننګرهار
۰.۰%	۱۰.۰%	۱۰.۰%	۰.۰%	۳.۳%	۰.۰%	۰.۰%	تخار
۳.۳%	۳.۳%	۳.۳%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۳.۳%	قندوز
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	بغلان
۱۴.۳%	۰.۰%	۹.۶%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	بدخشان
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	بلخ
۱۸.۸%	۶.۳%	۱۲.۵%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	هرات
۰%	۰%	۱%	۰%	۱%	۰%	۲%	مکتب های ساحات روستایی
۲%	۴%	۳%	۱%	۱%	۱%	۲%	مکتب های شهرهای کوچک
۳%	۴%	۱۰%	۰%	۵%	۶%	۱۳%	مکتب های شهرهای بزرگ
۱.۴%	۲.۵%	۳.۷%	۰.۵%	۱.۸%	۱.۶%	۳.۹%	همه مکتب ها

جدول ۵: گروه های اسلامی فعال در مکتب ها

سایرین	جندالله	طالبان	حزب التحریر	جمعیت الاصلاح	حزب اسلامی	
۰.۰%	۰.۰%	۸۷.۰%	۴.۳%	۴۳.۵%	۶۵.۲%	زابل
۵.۷%	۰.۰%	۶۸.۶%	۰.۰%	۱۴.۳%	۶۰.۰%	قندهار
۱۱.۸%	۰.۰%	۴۷.۱%	۰.۰%	۵.۹%	۸۸.۲%	هلمند
۲۵.۰%	۰.۰%	۴۳.۸%	۵۰.۰%	۳۱.۳%	۲۵.۰%	غزنی
۰.۰%	۰.۰%	۸۳.۳%	۸.۳%	۰.۰%	۶۶.۷%	پکتیا
۰.۰%	۰.۰%	۷۵.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۳۱.۳%	لوگر

۱۵.۰٪	۰.۰٪	۱۵.۰٪	۵۵.۰٪	۶۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	ولسوالی های کابل
۸۱.۸٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۵۴.۵٪	۵۹.۱٪	۹۰.۱٪	شهر کابل
۲.۵٪	۰.۰٪	۴۰.۰٪	۱۵.۰٪	۲۰.۰٪	۸۰.۰٪	وردک
۵۴.۵٪	۰.۰٪	۴۵.۵٪	۴۵.۵٪	۱۸.۲٪	۱۰۰.۰٪	کاپیسا
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۶۶.۷٪	۵۵.۶٪	۶۶.۷٪	پروان
۰.۰٪	۰.۰٪	۷۵.۰٪	۶.۳٪	۷۵.۰٪	۴۳.۸٪	کنر
۰.۰٪	۰.۰٪	۵۰.۰٪	۰.۰٪	۶.۳٪	۵۶.۳٪	لغمان
۰.۰٪	۰.۰٪	۴۷.۶٪	۰.۰٪	۱۹.۰٪	۴۷.۶٪	ننگرهار
۱۳.۳٪	۷۳.۳٪	۲۳.۳٪	۹۳.۳٪	۸۰.۰٪	۸۳.۳٪	تخار
۶۶.۷٪	۸۰.۰٪	۴۰.۰٪	۵۳.۳٪	۶۶.۷٪	۵۰.۰٪	قندوز
۲۰.۰٪	۹۶.۷٪	۲۶.۷٪	۹۶.۷٪	۴۶.۷٪	۹۶.۷٪	بغلان
۱۹.۱٪	۷۱.۴٪	۰.۰٪	۷۱.۴٪	۱۴.۳٪	۳۳.۳٪	بدخشان
۶۰.۷٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰.۷٪	۶۷.۹٪	بلخ
۶.۳٪	۰.۰٪	۴۳.۸٪	۶۲.۵٪	۱۲.۵٪	۱۲.۵٪	هرات
۱۴.۳٪	۱۱.۱٪	۴۵.۲٪	۲۰.۶٪	۲۷.۸٪	۵۳.۲٪	مکتب های ساحات روستایی
۱۳.۶٪	۲۸.۱٪	۴۳.۰٪	۳۵.۵٪	۳۵.۵٪	۶۳.۲٪	مکتب های شهرهای کوچک
۵۱.۳٪	۰.۰٪	۲۸.۲٪	۲۴.۴٪	۳۳.۳٪	۳۴.۶٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۲۰.۶٪	۱۸.۱٪	۴۱.۰٪	۲۹.۲٪	۳۲.۹٪	۵۵.۱٪	همه مکتب ها

جدول ۶: گروه های قومی-ملی گرای فعال در لیسه ها

سایرین	کنگره ملی	افغان ملت	تحریک ملی (اسماعیل یون)	ستم ملی (سازا)	
۰.۰٪	۰.۰٪	۹.۵٪	۴.۸٪	۰.۰٪	زابل
۲.۹٪	۰.۰٪	۶۸.۶٪	۰.۰٪	۰.۰٪	قندهار
۰.۰٪	۰.۰٪	۵۸.۸٪	۵.۹٪	۰.۰٪	هلمند
۱۲.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	غزنی
۰.۰٪	۰.۰٪	۴۱.۷٪	۰.۰٪	۰.۰٪	پکتیا
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	لوگر
۲.۵٪	۰.۰٪	۲.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	ولسوالی های کابل
۴۵.۵٪	۲۲.۷٪	۴۵.۵٪	۴.۵٪	۱۳.۶٪	شهر کابل
۰.۰٪	۰.۰٪	۲۵.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	وردک
۹.۱٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	کاپیسا
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	پروان
۰.۰٪	۰.۰٪	۴۳.۸٪	۳۷.۵٪	۰.۰٪	کنر
۰.۰٪	۰.۰٪	۲۵.۰٪	۲۵.۰٪	۰.۰٪	لغمان
۰.۰٪	۴.۸٪	۵۷.۱٪	۳۸.۱٪	۰.۰٪	ننگرهار
۰.۰٪	۰.۰٪	۷.۱٪	۰.۰٪	۰.۰٪	بلخ
۱۶.۷٪	۱۰.۰٪	۹۰.۰٪	۱۰.۰٪	۹۶.۷٪	تخار
۵۰.۰٪	۲۰.۰٪	۷۶.۷٪	۶.۷٪	۸۰.۰٪	قندوز
۳.۳٪	۰.۰٪	۸۳.۳٪	۰.۰٪	۶۶.۷٪	بغلان
۲۳.۸٪	۳۳.۳٪	۴.۸٪	۰.۰٪	۵۷.۱٪	بدخشان
۱۲.۵٪	۰.۰٪	۶.۳٪	۰.۰٪	۶.۳٪	هرات
۸.۷٪	۲.۴٪	۴۱.۳٪	۴.۸٪	۱۳.۵٪	مکتب های ساحات روستایی
۱۲.۳٪	۸.۰٪	۴۵.۲٪	۶.۷٪	۲۹.۴٪	مکتب های شهرهای کوچک
۱۶.۷٪	۶.۴٪	۲۸.۵٪	۶.۴٪	۳.۸٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۱۲.۰٪	۶۰.۸٪	۴۲.۹٪	۶۰.۹٪	۲۰.۲٪	همه مکتب ها

جدول ۷: گروه های چپی فعال در مکتب ها

گروه های انشعابی از خلق و پرچم	مائوستی (شعله جاوید و گروه های انشعابی)	
۹.۵%	۰.۰%	زابل
۳۴.۳%	۵.۷%	قندهار
۴۱.۱%	۱۱.۸%	هلمند
۰.۰%	۰.۰%	غزنی
۰.۰%	۰.۰%	پکتیا
۰.۰%	۰.۰%	لوگر
۰.۰%	۰.۰%	ولسوالی های کابل
۶۳.۶%	۴۰.۹%	شهر کابل
۰.۰%	۰.۰%	وردک
۰.۰%	۰.۰%	کاپیسا
۰.۰%	۰.۰%	پروان
۱۸.۸%	۰.۰%	کنر
۰.۰%	۰.۰%	لغمان
۱۹.۰%	۰.۰%	ننگرهار
۱۰.۰%	۰.۰%	تخار
۳.۳%	۰.۰%	قندوز
۳.۳%	۰.۰%	بغلان
۰.۰%	۰.۰%	بدخشان
۳۲.۱%	۰.۰%	بلخ
۰.۰%	۱۲.۵%	هرات
۱۵.۹%	۰.۸%	مکتب های ساحات روستایی
۱۳.۶%	۲.۳%	مکتب های شهرهای کوچک
۳۹.۷%	۱۴.۱%	مکتب های شهرهای بزرگ
۱۹.۰%	۳۷.۵%	همه مکتب ها

جدول ۸: گروه های انشعابی از جنگ هال داخلی که در مکتب ها فعالیت دارند

حزب اسلامی (محسنی، انوری)	جنبش ملی	حزب وحدت	حزب اسلامی	جمعیت اسلامی	
۲۸.۶%	۰.۰%	۰.۰%	۱۹.۰%	۶۱.۹%	زابل
۲۲.۹%	۲.۹%	۰.۰%	۷۱.۴%	۶۰.۰%	قندهار
۵.۹%	۱۱.۸%	۱۷.۶%	۸۸.۲%	۷۰.۶%	هلمند
۶۲.۵%	۰.۰%	۵۶.۳%	۵۶.۳%	۶۸.۸%	غزنی
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۵۸.۳%	۲۵.۰%	پکتیا
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۵۰.۰%	۳۱.۲%	لوگر
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۷.۵%	۸۲.۵%	ولسوالی های کابل
۲۲.۷%	۰.۰%	۱۸.۲%	۹.۱%	۲۷.۳%	شهر کابل
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۹۵.۰%	۲.۵%	وردک
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۵۴.۵%	۸۱.۸%	کاپیسا
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	پروان
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۴۳.۸%	۶.۳%	کنر
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۸۱.۳%	۱۸.۸%	لغمان
۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۴۷.۶%	۱۹.۰%	ننگرهار
۰.۰%	۹۶.۷%	۴۰.۰%	۷۰.۰%	۹۰.۰%	تخار
۰.۰%	۸۳.۳%	۲۰.۰%	۳۳.۳%	۸۳.۳%	قندوز

۰.۰٪	۶.۷٪	۲۰.۰٪	۹۶.۷٪	۶۰.۰٪	بغلان
۰.۰٪	۳۸.۱٪	۴.۸٪	۴۲.۹٪	۶۶.۷٪	بدخشان
۳۵.۷٪	۷۵.۰٪	۵۷.۱٪	۶۷.۹٪	۷۵.۰٪	بلخ
۱۸.۸٪	۱۲.۵٪	۷۵.۰٪	۲۵.۰٪	۹۳.۸٪	هرات
۱۵.۰٪	۲۰.۶٪	۱۱.۱٪	۶۴.۳٪	۵۰.۰٪	مکتب های ساحات روستایی
۱۰.۱٪	۲۷.۶٪	۱۴.۰٪	۶۴.۹٪	۶۴.۰٪	مکتب های شهرهای کوچک
۳۳.۳٪	۲۳.۱٪	۳۰.۸٪	۴۸.۷٪	۵۵.۱٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۱۵.۷٪	۲۴.۷٪	۱۶.۲٪	۶۱.۸٪	۵۸.۳٪	همه مکتب ها

جدول ۹: حضور سازمان های جامعه مدنی

سایرین	انجمن های دینی (تبلیغی جماعت)	گروه های مدافع حقوق زنان	سازمان های غیرحکومتی (انجوها)	
۰.۰٪	۵۷.۱٪	۰.۰٪	۸۱.۰٪	زابل
۲.۹٪	۳۴.۳٪	۵۴.۳٪	۹۷.۱٪	قندهار
۰.۰٪	۵۲.۹٪	۸۲.۴٪	۱۰۰.۰٪	هلمند
۰.۰٪	۴۳.۸٪	۶۲.۵٪	۱۰۰.۰٪	غزنی
۰.۰٪	۸.۳٪	۸۳.۳٪	۸۳.۳٪	پکتیا
۰.۰٪	۰.۰٪	۱۲.۵٪	۳۷.۵٪	لوگر
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	ولسوالی های کابل
۲۲.۷٪	۴۰.۱٪	۲۲.۷٪	۲۷.۳٪	شهر کابل
۰.۰٪	۵.۰٪	۰.۰٪	۵۵.۰٪	وردک
۰.۰٪	۹.۱٪	۹.۱٪	۹۰.۹٪	کاپیسا
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۷۷.۸٪	پروان
۰.۰٪	۱۲.۵٪	۱۲.۵٪	۴۳.۸٪	کنر
۰.۰٪	۳۱.۳٪	۴۳.۸٪	۸۱.۳٪	لغمان
۴.۸٪	۱۴.۳٪	۸۱.۰٪	۹۵.۲٪	ننگرهار
۳.۳٪	۹۳.۳٪	۳.۳٪	۳.۳٪	تخار
۳.۳٪	۸۶.۷٪	۰.۰٪	۳.۳٪	قندوز
۱۰.۰٪	۷۶.۷٪	۰.۰٪	۰.۰٪	بغلان
۴.۸٪	۱۰۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	بدخشان
۰.۰٪	۲۱.۴٪	۰.۰٪	۷۱.۴٪	بلخ
۱۰۰.۰٪	۸۱.۳٪	۶۸.۸٪	۱۰۰.۰٪	هرات
۱.۶٪	۳۲.۵٪	۲۵.۴٪	۵۶.۳٪	مکتب های ساحات روستایی
۲.۶٪	۵۲.۲٪	۲۷.۶٪	۵۱.۸٪	مکتب های شهرهای کوچک
۶.۴٪	۳۸.۵٪	۳۹.۷٪	۷۳.۱٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۲۹.۹٪	۴۴.۰٪	۲۹.۱٪	۵۷.۰٪	همه مکتب ها

جدول ۱۰: کارمندان تدریسی و تبلیغ سیاسی

تعداد پاسخ ها	سایرین	معلمان ساینس	معلمان تاریخ	معلمان دری و پشتو	معلمان مضامین دینی	
۲۳	۰.۰٪	۴.۸٪	۱۹.۰٪	۱۴.۳٪	۲۸.۶٪	زابل
۳۵	۵.۸٪	۲.۹٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۳۱.۴٪	قندهار
۱۷	۵.۹٪	۱۱.۸٪	۱۱.۸٪	۳۳.۵٪	۵۲.۹٪	هلمند
۱۶	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	غزنی
۲۲	۰.۰٪	۰.۰٪	۸.۳٪	۱۶.۷٪	۸.۳٪	پکتیا
۱۶	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۶.۳٪	لوگر
۲۰	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	ولسوالی های کابل
۴۰	۲۲.۷٪	۰.۰٪	۱۸.۲٪	۱۳.۶٪	۵۰.۰٪	شهر کابل

۲۲	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۱۵.۰%	وردک
۱۲	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۴۵.۵%	کاپیسا
۱۶	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	پروان
۳۰	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۳۱.۳%	کنر
۳۰	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۳۱.۳%	لغمان
۳۰	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۴.۸%	ننگرهار
۲۱	۶.۷%	۰.۰%	۳۰.۰%	۳۳.۳%	۹۰.۰%	تخار
۲۲	۰.۰%	۰.۰%	۱۶.۷%	۱۶.۷%	۵۳.۳%	قندوز
۱۶	۰.۰%	۱۳.۳%	۰.۰%	۳۶.۷%	۶۰.۰%	بغلان
۱۶	۴.۸%	۱۴.۳%	۴.۸%	۴.۸%	۹۰.۵%	بدخشان
۲۶	۳.۶%	۰.۰%	۷.۱%	۱۴.۳%	۱۴.۳%	بلخ
۲۱	۷۵.۰%	۰.۰%	۲۵.۰%	۰.۰%	۸۷.۵%	هرات
۱۲۶	۲.۴%	۰.۸%	۶.۳%	۱۳.۵%	۳۴.۹%	مکتب های ساحات روستایی
۲۲۷	۳.۵%	۱.۸%	۹.۲%	۱۲.۷%	۴۳.۴%	مکتب های شهرهای کوچک
۷۸	۱۲.۸%	۱.۳%	۹.۰%	۹.۰%	۳۳.۳%	مکتب های شهرهای بزرگ
۴۳۱	۴۵.۶%	۱۴.۲%	۸.۳%	۱۲.۳%	۳۹.۱%	همه مکتب ها

جدول ۱۱: انواع فعالیت سیاسی بی که اطلاع داده شد

جدل های لفظی	اعتراض متعلمین به معلمان	دیوارنویسی	عضوگیری	زده خوردهای فیزیکی	مشاجره ها	اعتراض ها	جلسات سیاسی	توزیع جزوه ها و نوشته های سیاسی	
۶۵.۲%	۴.۳%	۱۳.۰%	۶۹.۶%	۱۳.۰%	۸۷.۰%	۰.۰%	۳۴.۸%	۱۳.۰%	زابل
۹۴.۳%	۰.۰%	۰.۰%	۹۴.۳%	۸.۶%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۴۸.۶%	۸.۶%	قندهار
۸۴.۲%	۰.۰%	۰.۰%	۵۲.۹%	۵.۹%	۱۰۰.۰%	۵.۹%	۲۹.۴%	۱۷.۶%	هلمند
۳۷.۵%	۰.۰%	۰.۰%	۵۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۱۸.۸%	۱۸.۸%	غزنی
۶۶.۷%	۰.۰%	۸.۳%	۶۶.۷%	۸.۳%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۸.۳%	۲۵.۰%	پکتیا
۴۳.۸%	۰.۰%	۱۲.۶%	۶.۳%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۲۵.۰%	۱۲.۵%	لوگر
۱۰۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۴۲.۵%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	ولسوالی های کابل
۷۲.۷%	۱۱.۰%	۹.۱%	۷۷.۳%	۱۳.۶%	۱۰۰.۰%	۱۸.۲%	۲۲.۷%	۱۳.۶%	شهر کابل
۸۰.۰%	۰.۰%	۵.۰%	۳۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۲۵.۰%	۱۰.۰%	وردک
۹۰.۹%	۲۷.۳%	۹۰.۹%	۳۶.۴%	۰.۰%	۹۰.۹%	۰.۰%	۰.۰%	۱۸.۲%	کاپیسا
۱۰۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۲۲.۲%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	پروان
۷۵.۰%	۶.۳%	۰.۰%	۱۸.۸%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۳۱.۳%	۳۷.۵%	کنر
۵۶.۳%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۲۵.۰%	۳۸.۵%	لغمان
۸۱.۰%	۰.۰%	۰.۰%	۴.۸%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۲۸.۶%	۳۳.۳%	ننگرهار
۹۳.۳%	۲۰.۰%	۹۶.۷%	۹۰.۰%	۲۶.۷%	۹۶.۷%	۰.۰%	۱۳.۳%	۳۳.۳%	تخار
۹۶.۷%	۱۰.۰%	۳.۲%	۵۶.۷%	۶.۷%	۹۰.۰%	۰.۰%	۲۰.۰%	۲۰.۰%	قندوز
۱۰۰.۰%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۵۶.۷%	۰.۰%	۱۰۰.۰%	۱۰.۰%	۰.۰%	۴۶.۷%	بغلان
۱۰۰.۰%	۱۴.۳%	۸۱.۰%	۷۶.۲%	۱۴.۳%	۱۰۰.۰%	۰.۰%	۴.۸%	۱۹.۰%	بدخشان
۸۵.۷%	۲۸.۶%	۶۰.۷%	۳.۶%	۱۴.۳%	۸۲.۱%	۰.۰%	۰.۰%	۲۸.۶%	بلخ
۱۰۰.۰%	۶۲.۵%	۲۵.۰%	۱۰۰.۰%	۲۵.۰%	۱۰۰.۰%	۳۷.۵%	۵۰.۰%	۱۲.۵%	هرات
۱۹.۸%	۶.۳%	۳۰.۲%	۴۶.۸%	۶.۳%	۹۶.۸%	۰.۰%	۲۸.۶%	۱۹.۸%	مکتب های ساحات روستایی
۸۵.۵%	۶.۶%	۴۷.۸%	۵۶.۱%	۷.۹%	۹۶.۹%	۱.۳%	۱۹.۳%	۲۳.۲%	مکتب های شهرهای کوچک
۷۴.۴%	۳۰.۸%	۲۳.۱%	۵۰.۰%	۱۲.۸%	۹۶.۲%	۹.۰%	۲۵.۶%	۲۵.۶%	مکتب های شهرهای بزرگ
۶۴.۳	۱۰.۹	۳۸.۲	۵۲.۳	۸.۳	۹۶.۷	۲.۳	۲۳.۲	۲۲.۶	همه مکتب ها

جدول ۱۲: موضوعات در مشاجره های سیاسی

سایر موضوع ها	فساد سیاسی	مسائل زبانی (مثل پشتو در برابر دری)	حضور خارجی ها در افغانستان	اسلام در برابر غرب گرایی	حقوق زنان	مشاجره های سیاسی درباره انتخابات	
۰.۰٪	۲۶.۱٪	۴.۳٪	۹۱.۳٪	۶۵.۲٪	۴۳.۵٪	۸۲.۶٪	زابل
۰.۰٪	۳۱.۴٪	۵.۷٪	۹۱.۴٪	۴۸.۶٪	۴۵.۷٪	۹۴.۳٪	قندهار
۰.۰٪	۲۳.۵٪	۲۳.۵٪	۱۰۰.۰٪	۴۷.۱٪	۷۰.۶٪	۱۰۰.۰٪	هلمند
۰.۰٪	۰.۰٪	۱۸.۸٪	۷۵.۰٪	۱۲.۵٪	۶۲.۵٪	۱۰۰.۰٪	غزنی
۲۵.۰٪	۱۶.۷٪	۱۶.۷٪	۱۰۰.۰٪	۲۵.۰٪	۸.۳٪	۱۰۰.۰٪	پکتیا
۰.۰٪	۲۵.۰٪	۰.۰٪	۹۳.۸٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	لوگر
۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	۴۲.۵٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	ولسوالی های کابل
۱۰.۰٪	۷۷٪	۵۹٪	۸۲٪	۶۸٪	۲۳٪	۱۰۰٪	شهر کابل
۰.۰٪	۱۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	۰.۰٪	۲۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	وردک
۰.۰٪	۹۰.۹٪	۰.۰٪	۱۸.۲٪	۰.۰٪	۳۶.۴٪	۸۱.۸٪	کاپیسا
۰.۰٪	۸۸.۹٪	۳۳.۳٪	۱۰۰.۰٪	۱۱.۱٪	۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	پروان
۰.۰٪	۱۲.۵٪	۶.۳٪	۱۰۰.۰٪	۶.۳٪	۳۱.۳٪	۱۰۰.۰٪	کنر
۰.۰٪	۱۲.۵٪	۶.۳٪	۱۰۰.۰٪	۶.۳٪	۲۵.۰٪	۱۰۰.۰٪	لغمان
۹.۵٪	۱۴.۳٪	۱۴.۳٪	۹۵.۲٪	۰.۰٪	۳۸.۱٪	۱۰۰.۰٪	ننگرهار
۳.۳٪	۷۰.۰٪	۹۰.۰٪	۹۳.۳٪	۱۰۰.۰٪	۲۳.۳٪	۱۰۰.۰٪	تخار
۳.۳٪	۸۳.۳٪	۷۰.۰٪	۷۰.۰٪	۶۳.۳٪	۲۶.۷٪	۱۰۰.۰٪	قندوز
۰.۰٪	۹۶.۷٪	۹۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	۹۶.۷٪	۶.۷٪	۱۰۰.۰٪	بغلان
۰.۰٪	۹۰.۵٪	۳۸.۱٪	۹۰.۵٪	۸۵.۷٪	۱۴.۳٪	۱۰۰.۰٪	بدخشان
۰.۰٪	۷۱.۴٪	۷۵.۰٪	۳.۶٪	۰.۰٪	۳۵.۷٪	۱۰۰.۰٪	بلخ
۸۷.۵٪	۹۳.۸٪	۵۰.۰٪	۹۳.۸٪	۸۷.۵٪	۶۷.۸٪	۱۰۰.۰٪	هرات
۱.۶٪	۴۱.۳٪	۲۹.۴٪	۷۹.۴٪	۳۰.۲٪	۲۸.۶٪	۹۶.۰٪	مکتب های ساحات روستایی
۳.۱٪	۵۳.۱٪	۳۷.۱٪	۸۸.۵٪	۵۰.۰٪	۲۶.۸٪	۹۶.۹٪	مکتب های شهرهای کوچک
۳۸.۵٪	۵۷.۷٪	۴۶.۲٪	۶۰.۳٪	۳۷.۱٪	۴۱.۰٪	۹۷.۴٪	مکتب های شهرهای بزرگ
۹.۱	۵۰.۵	۳۶.۵	۸۰.۸	۴۱.۹	۲۹.۹	۹۶.۷	همه مکتب ها

Daily Outlook Afghanistan. "On Karzai's Discouragement of Students to Join Political Parties." 28 June 2012, http://outlookafghanistan.net/editorialdetail.php?post_id=4743#sthash.gO33USwV.dpuf, (accessed 1 May 2015).

Giustozzi, Antonio. "Between Patronage and Rebellion: Student Politics in Afghanistan." (Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2010 <http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/1004E-Between%20Patronage%20and%20Rebellion%20-%20Student%20Politics%20in%20Afghanistan%20BP%202010.pdf>).

Giustozzi, Antonio. "Nation-building is Not for All: The Politics of Education in Afghanistan." Kabul: Afghanistan Analysts Network, 2010, <https://www.afghanistan-analysts.org/publication/aan-papers/nation-building-is-not-for-all-the-politics-of-education/>.

Giustozzi, Antonio. "The Taliban and the 2014 Elections in Afghanistan." Washington, DC: United States Institute of Peace, 2014, <http://www.usip.org/sites/default/files/PW94-The-Taliban-and-the-2014-Elections-in-Afghanistan.pdf>.

Giustozzi, Antonio and Silab Mangal. "Violence, the Taliban and Afghanistan's 2014 Elections." Washington, DC: United States Institute of Peace, 2015, <http://www.usip.org/sites/default/files/PW103-Violence-the-Taliban-and-Afghanistan-s-2014-Elections.pdf>.

Hewad, Gran and Casey Johnson. "A Rough Guide to Afghan Youth Politics." Washington: USIP, 2014, <http://www.usip.org/sites/default/files/SR344-A-Rough-Guide-to-Afghan-Youth-Politics.pdf>.

Johnson, Casey. Forthcoming study. Washington, DC: United States Institute of Peace, 2015.

Nordland, Rod. "Despite Education Advances, a Host of Afghan School Woes." *New York Times*, 20 July 2013, http://www.nytimes.com/2013/07/21/world/asia/despite-education-advances-a-host-of-afghan-school-woes.html?_r=0, (accessed 1 May 2015).

Osman, Borhan. "Afghan Youth for Democracy? Not All of Them." Berlin: Afghanistan Analysts Network (AAN), 2014, <https://www.afghanistan-analysts.org/afghan-youth-for-democracy-not-all-of-them/>.

Wahidi, Maisam. "Youth Political Activism in Afghanistan." Kabul: Heinrich Boell Foundation, 2014, https://www.boell.de/sites/default/files/youth_political_activism.pdf.

Yusef, Moeed. "Prospects of Youth Radicalisation in Pakistan." Analysis Paper, Brookings, 2008, http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2008/10/pakistan%20yusuf/10_pakistan_yusuf.pdf.

Zaman, Robert and Abdul Ahad Mohammadi. "Trends in Student Radicalization across University Campuses in Afghanistan." Kabul: Afghan Institute of Strategic Studies, 2014, <http://aiss.af/images/pdf/Trends%20in%20Student%20Radicalization%20across%20University%20Campuses%20in%20Afghanistan1.pdf>.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و ورکشاپ‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما باارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیرید ۰۸ ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (+۰) ۹۳ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات،...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تاریخ	عنوان نشریه	نام نویسنده	دري	پښتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
اکتوبر ۲۰۱۵	رسیدن به نقطه اوج: فعالیت سیاسی در لیسه های افغانستان	انتونو جیستازی و علی محمد علی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اکتوبر ۲۰۱۵	فرار از مزرعه های خشک: مهاجرت دهقانان هلمندی در واکنش به بی حاصلی فصل کشت کوکنار	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
اکتوبر ۲۰۱۵	یادداشت کوتاه در باره کار ساحوی در ولایت بلخ، می ۲۰۱۵ میلادی کوکنار و معیشت روستایی	پاول فیشتین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
اکتوبر ۲۰۱۵	زنان و انتخابات: عوامل تسهیل کننده و بازدارنده	اورخلا اشرف نعمت	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۵	در نظر داشت بافت روستا ها در افغانستان	ادم بین			معیشت پایدار	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۵	خبرنامه تحقیقاتی افغانستان - شماره ۳۲	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان				خبرنامه تحقیقی
جولای ۲۰۱۵	سیاسی سازی مکاتب لیسه افغانستان	انتونو جیستازی و علی محمد علی			حکومتداری	توضیح نامه
جولای ۲۰۱۵	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت قندهار	اشلی جکسن			معیشت پایدار	مقاله کاری
می ۲۰۱۵	تفکیک قوا در قانون اساسی افغانستان: یک مطالعه موضوعی	فرید حمیدی و ارون جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	مطالعه موردی
می ۲۰۱۵	شناسایی تفاوت های روستاها در افغانستان: استفاده از تحلیل های چندبعدی برای تشخیص نوعیت روستاها	ادم بین و جورجینا سترج			معیشت پایدار	مقاله کاری
اپریل ۲۰۱۵	خبرنامه تحقیقاتی افغانستان - شماره ۳۱	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان				خبرنامه تحقیقی
اپریل ۲۰۱۵	تفکیک قوا در افغانستان: نظریه و عمل	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اپریل ۲۰۱۵	تکامل حقوق بنیادی در افغانستان: ۱۹۲۴-۲۰۰۴	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
مارچ ۲۰۱۵	ازالف تا یا کتاب راهنما برای کمک به افغانستان نسخه سیزدهم ۲۰۱۵	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	✓	✓		کتاب
فبروری ۲۰۱۵	دوران غیر رسمی بازار پیاز در ولایت ننگرهار	جولیا مینویا	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
فبروری ۲۰۱۵	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی جکسن	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
فبروری ۲۰۱۵	بازار کار، نابرابری اجتماعی و خیاطان کابل	ادم بین و ریچارد مالت	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
دسامبر ۲۰۱۴	چرا اطفال به تنهایی سفر می کنند؟ انگیزه های سفر به اروپا و سایر کشورهای صنعتی از منظر اطفال، خانواده ها و جوامع ارسال کننده در افغانستان	چونا آر، اچاوز، جنیفر لین بگپورو لیحه ویلفر داری شکریه آزاد منش	✓	✓	مهاجرت ها و شبکه های فرامشی	نشریه تحلیلی
نوامبر ۲۰۱۴	تاثیرات اجتماعی پیاز: دوران غیررسمی مارکیت پیاز در ننگرهار، افغانستان	جولیا مینویا و ادم بین			معیشت پایدار	مقاله کاری
نوامبر ۲۰۱۴	معضل زنان و رهبری در افغانستان: درسها و پیشنهادات	آریا نجات	✓	✓	جندر	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۴	ناامیدی یا امید؟ کوکنار و معیشت روستایی	پاول فیشتین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	نشریه ترکیبی
سپتمبر ۲۰۱۴	کنسرسیوم معیشت مصون برنامه های تحقیق افغانستان	چونا آر، اچاوز			معیشت پایدار	بروشور
سپتمبر ۲۰۱۴	جندر، جوانان و مشارکت در بازار کار شهری: شواهد تشکیل بخش خیاطی در کابل، افغانستان	ادم بین و ریچارد مالت			معیشت پایدار	مقاله کاری
سپتمبر ۲۰۱۴	درک پیچیدگی های معضلات مربوط به آب در افغانستان	ونسنت تاماس	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: چه مسایلی مطرح است؟	محمد هاشم کمالی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اگست ۲۰۱۴	وضعیت میکاتیسم: منازعات انتخاباتی در افغانستان	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	ناامیدی یا امید؟ کشت کوکنار در افغانستان پس از ۲۰۱۴	پاول فیشتین و دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
جون ۲۰۱۴	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی جکسن	✓	✓	معیشت پایدار	مطالعه موردی
جون ۲۰۱۴	"از بد، بدترش کردند" تمرکز خشکاش تریاک در ساحات جنگی در ولایت های هلمند و ننگرهار	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مطالعه موردی
می ۲۰۱۴	افغانستان: تهیه روشی برای بررسی و تفکیک روستا ها	آدم بین			معیشت پایدار	روش کاری

۳ سال
تحقیق باکیفیت

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ)
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۰۰۹۳ (۰) ۷۹۹۶۰۸ ۵۴۸
ایمیل: publications@areu.org.af
وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه اینترنتی
www.areu.org.af این اداره
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.

